

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

تبلیغ فحانواؤ

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم - شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستا آزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

شمارگان: ویراستار:

۳۰۰ نسخه زهرا رضائیان

قیمت: صفحه‌آرا:

۶۸۰۰۰ تومان اکبر اسماعیل پور

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

- سخن نخست ۵
- شیوه‌های تقویت عشق به امام زمان عجل الله فرجه در خانواده ۹
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا
- آثار منفی بیکاری و تنبلی در فرد، خانواده و جامعه ۱۹
دکتر مرضیه قنبری
- شیوه‌های برون‌رفت از تأثیرات منفی سلبریتی‌ها بر نوجوانان ۲۹
حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی
- رفتارشناسی والدین با فرزندان دهه هشتادی ۴۱
اعظم نوری
- کمک‌های فکری و عاطفی و مالی به جوانان در شروع زندگی مشترک ۵۱
نفیسه قنبری
- عوامل ایجاد همدلی میان اعضای خانواده ۶۱
زهرا رضائیان
- حضرت زهرا علیها السلام در آینه تربیت ۷۳
حجت الاسلام والمسلمین سید حامد شریعتمداری
- مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده ۸۳
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- آثار و عواقب حسادت و تنگ‌نظری در خانواده‌ها ۹۳
فرج‌الله میرعرب
- نقش بانوان در مقاومت معاصر غزه ۱۰۳
سید علی اصغر موسوی
- تک‌فرزندی و آسیب‌های آن بر والدین ۱۱۷
حسنیه صالحان
- خودآگاهی ضرورت تشکیل یک زندگی موفق ۱۲۷
راضیه مرزانی

سخن نخست

ماه مبارک رمضان، ماه عبادت و روزه‌داری و ماه رسیدن به عشق الهی است. حقیقت روزه‌داری، به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام، انقطاع و اجتناب از لذات دنیاست.^۱ اقتضای حضور در ضیافت الهی آن است که دست کم، به آداب اولیه روزه عمل کنیم و همانطور که شکم خود را از خوردن و آشامیدن نگه می‌داریم، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی بازداریم.^۲ در این ماه عزیز خداوند مهربان میزبان و پذیرای بندگان روزه‌دار خود است "پذیرایی الهی عبارت است از فراهم کردن فرصت تقرب به خدا؛ یعنی از این چیزی بالاتر نیست. خدای متعال در این ماه فرصت تقرب به خودش را فراهم کرده [است]".^۳ برای گام نهادن در مسیر تقرب الهی باید از همه امکانات و فرصت‌ها بهره جست و در این ماه مسیر تهذیب نفس و تقرب به خدا، در سایه لطف الهی کاملاً هموارتر و آماده‌تر است: "من باز عرض می‌کنم به آقایان که ماه مبارک رمضان است و درهای رحمت خدای تبارک و تعالی به روی همه گناهکاران باز است و شما تا دیر نشده است در این ماه رمضان خودتان را اصلاح کنید. ما همه باید خودمان را اصلاح کنیم، ما هیچ کداممان یک آدم حسابی نیستیم. پناه به خدا باید ببریم و خودمان را اصلاح کنیم."^۴ فرصت اصلاح نفس از راه روزه‌داری، تلاوت قرآن، اصلاح ذات‌البین، کمک به نیازمندان، دعا برای

۱. خمینی، سید روح‌الله، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ویرایش دوم، ۱۳۸۳، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴/۱/۱۴۰۱.
<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=49983&nt=2&year=1401&tid=1631>

۴. خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱.
<https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/15/page/31>

مظلومان عالم، به‌ویژه مردم مظلوم غزه، توبه و استغفار و امثال اینها بدست می‌آید. تقارن بهار معنویت با بهار طبیعت و حلول سال ۱۴۰۳ شمسی در ماه مبارک رمضان، فرصتی مناسب برای ترویج و تبیین احکام و معارف اسلامی در میان خانواده‌هاست. مبلغان گرامی می‌توانند افزون بر مساجد و مجالس عمومی، در دید و بازدیدهای نوروزی نیز به رسالت تبلیغی خود بپردازند.

خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق عنایت فرمود ره‌توشه‌های تبلیغی ماه مبارک رمضان را در قالب‌های ذیل آماده و در اختیار مبلغان ارجمند قراردهیم:

● فصلنامه ره‌توشه؛ این فصلنامه در ذیل عناوین "عقاید و اندیشه"، "اخلاق و معنویت"، "احکام و عبادات" و "مباحث سیاسی و اجتماعی" شامل سی مقاله و متناسب با نیازهای روز جامعه تألیف شده است. برخی از عناوین مقالات ره‌توشه عبارتند از:

خدای حاضر و ناظر؛ آداب راز و نیاز با خدا در دعای ابوحمزه ثمالی؛ دشواری‌های قبر و قیامت در دعای ابوحمزه ثمالی؛ امام مهدی عج ناظر بر اعمال ما؛ مراقبه معنوی و محاسبه نفس با تأکید بر سیره علمای ربانی؛ فرار به سوی الله: تحلیلی بر آیه «فَقِرُوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَزِيرٌ مُّبِينٌ»؛ حفظ آبروی مسلمان در آیات و روایات؛ مهمان ویژه: تجلی رمضان و روزه‌داری در سیره شهدا؛ عوامل آرامش در آموزه‌های دینی؛ ارزش انس با قرآن و راهکارهای آن؛ عواقب قضا شدن نماز؛ جنگ‌های هفت‌گانه دشمنان علیه نظام جمهوری اسلامی؛ قرآن‌سوزی (پیشینه، اهداف، پیامدها)؛ روش مواجهه با بی‌حجابی در دولت‌های نبوی و علوی؛ روش پیشگیری از بدحجابی؛ مصرف مشروبات الکلی؛ آسیب‌ها و راهکارهای پیشگیری و ترک؛ حمایت علمای شیعه از فلسطین و... .

برای مشاهده و دریافت فصلنامه ره‌توشه می‌توانید به نشانی: <http://rahtoosheh.dte.ir>

مراجعه کنید.

● فصلنامه تبلیغ و خانواده؛ این فصلنامه برای همه مبلغان، به‌ویژه مبلغان محترمی که در عرصه خانواده تبلیغ می‌کنند، مفید و ثمربخش خواهد بود. مقالات این فصلنامه عبارتند از: شیوه‌های تقویت عشق به امام زمان عج در خانواده؛ آثار منفی بیکاری و تبلی در فرد، خانواده و جامعه؛ شیوه‌های برون رفت از تأثیرات منفی سلبریتی‌ها بر نوجوانان؛ رفتارشناسی والدین با فرزندان دهه هشتادی؛ کمک‌های فکری و عاطفی و مالی به جوانان در شروع زندگی مشترک؛ عوامل ایجاد همدلی میان اعضای خانواده؛ حضرت زهرا عج در آئینه تربیت؛ مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده؛ آثار و عواقب حسادت و تنگ‌نظری در خانواده‌ها؛ نقش بانوان در مقاومت معاصر غزه؛

تک فرزندی و آسیب‌های آن بر والدین؛ و خودآگاهی ضرورت تشکیل یک زندگی موفق. برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و خانواده به نشانی: <http://jpf.dte.ir> مراجعه شود.

● فصلنامه تبلیغ و تقریب؛ رویکرد فصلنامه تبلیغ و تقریب، مباحث مقایسه‌ای و تقریبی است، به همین جهت برای همه مبلغان، به‌ویژه کسانی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به امر مقدس تبلیغ اشتغال دارند، تألیف شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از:

حقوق اهلبیت علیهم‌السلام در قرآن و سنت؛ نقش عالمان فریقین در ایجاد همگرایی جهان اسلام؛ مبانی قرآنی وحدت از دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی و سید قطب؛ استکبار و ظلم‌ستیزی در قرآن و روایات فریقین؛ اعتقاد به ولایت امام علی علیه‌السلام، امام کاظم علیه‌السلام در منابع اهل سنت؛ ایستادگی علما و اندیشمندان شیعه و اهل سنت در مقابله با استکبار؛ نقش مسجد الاقصی در همگرایی مسلمانان در نبرد با اشغالگران قدس شریف.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و تقریب به نشانی: <http://jpp.dte.ir> مراجعه شود.

● ره‌توشه پیوستی؛ در کنار سه فصلنامه فوق، "ره‌توشه پیوستی" قرار دارد. این ره‌توشه شامل مجموعه‌ای از مقالات مهم و مناسبی است که در سال‌های گذشته در فصلنامه ره‌توشه به چاپ رسیده و همچنان قابل استفاده است. ره‌توشه پیوستی در پایگاه خبری بلاغ به نشانی <https://www.balagh.ir> در دسترس است.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از مطالب این ره‌توشه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند.

در پایان لازم می‌دانم از پژوهشگران و نویسندگان عزیز و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر کنم و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

شیوه‌های تقویت عشق به امام زمان علیه السلام در خانواده

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

تقویت محبت امام زمان علیه السلام در همسر و فرزندان، آثار و برکات فراوانی در زندگی حال و آینده نسل جدید دارد. اعتماد به نفس، داشتن پشتوانه‌ای قوی در بحران‌ها، جلب مهر و رأفت حضرت به محبین، از جمله آن‌هاست. امام رضا علیه السلام در ضمن حدیثی مفصل درباره ویژگی‌های امام فرموده است: «... الْإِمَامُ الْأَيْسُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُّ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادُ»^۱... امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک و پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است. «عشق به امام زمان علیه السلام، امری فطری است؛ زیرا اولاً الگوی کامل انسانیت است و انسان فطرتاً کمال‌جوست و ثانیاً انسان فطرتاً به امید آینده‌ای بهتر تلاش می‌کند و انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام چنین نیاز فطری را هم برطرف می‌کند. همچنین انسان فطرتاً عدالت‌خواه و متنفر از ظلم است و با ظهور حضرت، بساط عدالت گسترش یافته و ریشه ظلم‌کننده خواهد شد. آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر علیه السلام می‌فرماید:

اعتقاد به مهدی علیه السلام، تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست؛ بلکه افزون بر آن، عنوانی بر خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون و نیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روزی موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد.^۲

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. سید محمدباقر صدر، بحث حول المهدی علیه السلام، ص ۷ و ۸.

اینجاست که می‌گوییم فطرت و نهاد عدالت طلب آدمی به وضوح ندا می‌دهد که سرانجام صلح و عدالت همه جهان را فرا خواهد گرفت^۱

غم زمانه که هیچش گران نمی‌بینم
دو اش غیر امام زمان علیه السلام نمی‌بینم

ز دامن غم او دست بر نمی‌دارم
چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم

بدین دو دیده حیران من هزار افسوس
که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم

نشان دوستی اهل بیت علیهم السلام پرهیز است
در اهل دانش عصر این نشان نمی‌بینم

مپرس فیض ز من سرّ غیبتش که در آن
به هیچ جا سخن دل نشان نمی‌بینم

کسی که گوش کند ناله‌ام در این غم کو؟
خمش که اهل دلی در جهان نمی‌بینم^۲

این نوشتار در صدد بیان روش‌های تقویت عشق به حضرت حجت علیه السلام و ترویج مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری در خانواده‌هاست.

ترویج آموزه‌های امام علیه السلام توسط والدین

از آنجایی که رفتار و گفتار والدین الگوی فرزندان است، لازم است والدین در ترویج امور مهدویت تمام تلاش خود را به کار گیرند؛ از سلام کردن هر روزه، سخن گفتن با حضرت، پناه بردن و دعا کردن و خدمت‌رسانی در این زمینه تا هزینه‌های مادی و معنوی و آرزوی تعجیل در ظهور و امر فرج؛ چنانکه خود امام زمان علیه السلام فرموده است: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۳ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ زیرا در همین دعا، فرج و گشایش شماست.

بالاخره احیای نام و یاد و مرام صاحب‌الزمان علیه السلام و تربیت نسلی دوستدار آن گرامی، مصونیت از بلاها را به همراه دارد؛ چرا که آن گرامی فرموده است: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَ شِيعَتِي»^۴ من آخرین نفر از اوصیا هستم، خداوند به وسیله من بلا را از خانواده و شیعیانم برطرف می‌گرداند.

۱. ناصر مکارم شیرازی، پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، ص ۳۱۴.

۲. محسن فیض کاشانی.

۳. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵؛ عبدالکریم پاک‌نیا، امام زمان علیه السلام سرچشمه نشاط جهان، ص ۱۵۷.

۴. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۴۱.

... به یمن وجود حضرت از ما دفع می‌گردد. پس با این نیت خالصانه تمام زندگی مان را امام زمانی علیه السلام کنیم. صبح‌ها بعد از نماز صبح، با خواندن دعای بیعت «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ با امام زمان علیه السلام بیعت کنیم و عرض ادب و سرسپردگی خودمان را به آستان مقدس مهدوی اعلام نماییم و بگوییم که مولای من! اگرچه از دیدار ظاهری شما محرومیم، ولی خودمان را از پناهندگان شما می‌دانیم». شهید سلیمانی عرضه می‌دارد: «عاشقم مولایم مهدی جان، تا کی کنارت راهی روشنی عشق خدایی بشوم ... تا کی در عالم عقبا، در جوار شما به دست بوسی مولایم علی علیه السلام بروم و اگر توفیق خدمت و بندگی حق باشد، فیها و اگر خاک ره کوی تو گردم، نه عجب و اگر گردی ز غبار قدمت بر سر من بنشیند، تا ابد داعیه‌دار منت حق به خودم خواهم ماند. اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر».^۲ همچنین برای تقویت عشق امام زمان علیه السلام به فرزندان مان، باید آن بزرگوار را حاضر و ناظر اعمال مان بدانیم و اعمال خود را با توجه به آن ولی خدا تنظیم کنیم؛ هم‌چنانکه خود فرموده است: «فَاتَانَا نُحِيطُ عَلْمًا بِأَثْبَائِكُمْ وَلَا يَعُزُّبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^۳ علم و دانش ما به خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند».

آمیختن محبت به عمل

آمیختن محبت امام زمان علیه السلام با اعمال صالح، می‌تواند اعضای خانواده را نسبت به آن حضرت متمایل تر و علاقه‌مند کند. فرزندان وقتی ببینند والدینی که منتظر و عاشق امام زمان علیه السلام هستند، در عمل به دستورات شرع و اوامر حضرت ولی عصر علیه السلام سر از پا نمی‌شناسند و محبت خود را در عمل شان نشان می‌دهند؛ آنان نیز عاشقانه در این مسیر گام بر می‌دارند؛ چنانکه امام زمان علیه السلام فرموده است: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِءٍ مِنْكُمْ بِمَا يَتَّقَرُّ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَلْيَتَجَنَّبْ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا»^۴ هر یک از شما باید به آنچه که او را به دوستی ما نزدیک می‌سازد، عمل کند و از آنچه که خوشایند ما نیست و خشم ما در آن است، دوری گزیند». یقیناً اگر محبت واقعی باشد و نه ظاهری، دوستدار و عاشق را هم‌رنگ و همراه می‌سازد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام در حدیثی به

۱. محمد ابن مشهدی، المزار الکبیر، ج ۱، ص ۶۶۲.

۲. مشرق نیوز، «شهیدی که قبل از شهادتش امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد»، ۱۴۰۰/۱۲/۲۷، کد خبر: ۱۳۵۳۴۷۱
<https://www.mashreghnews.ir/news/1353471>

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

مفصل فرموده است: «فِرْقَةُ أَحْبَبُونَا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يُخَالِفُوا فِعْلَنَا فَأَوْلَيْكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ»^۱ گروهی هستند که ما را دوست می‌دارند، سخنان ما را حفظ می‌کنند، فرمان ما را اطاعت می‌کنند و در عمل با ما مخالفتی ندارند. آنان از ما هستند و ما از آنانیم». ادعای دوستی با امام زمان علیه السلام با گناه و آلودگی‌های اخلاقی سازگار نیست و باید این را به فرزندان نیز منتقل کنیم؛ چنانکه حضرت مهدی علیه السلام فرموده است: «ای پسر مهزیار! اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی از شماها برای همدیگر نبود، هر کس در روی زمین بود؛ هلاک می‌گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است»^۲.

آشنایی با برکات عشق به امام علیه السلام

اگر فرزندان را با آثار و برکات عشق به وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام آشنا کنیم، آنان با معرفت بیشتر و محبت عمیق‌تر به آن یگانه دوران عشق می‌ورزند؛ زیرا دوستی آن گرامی به عنوان یک صفت ارزشمند، موجب برکات و درجات و منزلت افراد است و در مقابل دشمنی و مخالفت با آن بزرگوار، هلاکت و شقاوت ابدی در پی دارد. برخی از این آثار عبارتند:

۱. محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام در قیامت

امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ»^۳ هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد». امام رضا علیه السلام هم فرموده است: «لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُغِضُّنَا مُؤْمِنٌ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ يُحِبُّنَا كَانَ عَلَى اللَّهِ حَقًّا أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا»^۴ هیچ کافری دوستدار ما نیست و هیچ مؤمنی دشمن ما نمی‌شود. هر کس با محبت ما از دنیا برود، بر خداوند است که او را در قیامت با ما برانگیزد».

۲. بالاترین درجات بهشت

عاشقان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام در عالی‌ترین درجات بهشت قرار می‌گیرند؛ همان‌گونه که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَنْظُرُونَ إِلَيَّ مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۱۴.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۲۴۷.

۳. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۲۱۰.

۴. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۵۸.

الْكَوَاكِبِ؛^۱ اهل بهشت به منازل شیعیان ما (در بالاترین درجات آن) نگاه می‌کنند، همان طوری که انسان به ستارگان می‌نگرد».

۳. رسیدن به مقام شهید

مبارزه با انحرافات جامعه و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور، مبارزه‌ای در حد میدان نبرد با دشمن می‌طلبد و منتظران حقیقی چنین هستند؛ چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمَشْحُطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ آن که منتظر فرج ماست، همچون کسی است که در راه خدا در خون خود تپیده باشد». بر این اساس به فرزندان یادآور شویم که منتظران حقیقی، مقامی در حد شهید دارند؛ چرا که در آخرالزمان ثابت قدم ماندن در راه حق کار سهل و آسانی نیست.

بیان حکایت تشرف یافتگان

از دیگر موارد تعمیق عشق به امام زمان علیه السلام در فرزندان، نقل ماجرای کسانی است که توفیق تشرف به محضر حضرت را داشته و رهنمودهایی را دریافت کرده‌اند. این حکایات واقعی و موثق، موجب رشد معنوی و تقویت محبت در دل‌های ما و فرزندان است. برخی از این تشرفات عبارتند از:

۱. تشرف سید بن طاووس

سید بن طاووس می‌نویسد: «من در سامرا بودم که هنگام سحر دعایی را از حضرت قائم علیه السلام شنیدم. آن دعا را حفظ کردم که در آن یادی از زنده‌ها و مرده‌ها شده بود؛ از آن جمله اینکه حضرت به خداوند عرض می‌کرد: "وَ أَتَيْهِمْ أَوْ قَالَ وَ أَخِيهِمْ فِي عِزَّتِنَا وَ مُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا؛ و باقی بدار آنان را - و یا اینکه فرمود: و زنده بدار آنان را - در عزت و ملک یا سلطنت و دولت ما". این ماجرا در شب چهارشنبه سیزدهم ذی‌العقده سال ۶۳۸ ق بوده است.^۳

۲. تشرف علامه حلی

شهید قاضی نورالله تستری در ترجمه علامه حلی علیه السلام می‌نویسد:

... برخی علمای اهل سنت که علامه حلی نزد او برخی از فنون را می‌آموخته، کتابی را

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۴۸.

۲. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵.

۳. سید علی بن موسی ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۲۹۶.

در ردّ امامیه تألیف کرده و آن را برای مردم می خوانده و آنان را گمراه می کرده است و از ترس اینکه مبدا یکی از علمای امامیه برای آن ردیه ای بنویسد، به دست کسی نمی داده است. علامه حلی از او درخواست می کند که اگر ممکن است که این کتاب را به عاریه به او دهد. آن مرد سنی مذهب می گوید من بر خود عهد کرده ام که این کتاب را بیش از یک شب به دست کسی ندهم. علامه فرصت را غنیمت می شمرد و کتاب را از مؤلفش می گیرد و به منزل می برد تا آن را استنساخ نماید. نصف شب که می شود، خواب بر او غلبه می کند. حضرت حجت علیه السلام حاضر می شوند و می فرمایند: این کتاب را به من واگذار کن و برو استراحت نما. بعد از چند لحظه استراحت هنگامی که بیدار می شود، مشاهده می کند که آن کتاب تماماً با اعجاز حضرت مهدی علیه السلام به اتمام رسیده است.^۱

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد به سرآید شب هجران تو یا نه
ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

۳. سید مهدی بحر العلوم

محدث نوری می نویسد: «سید جلیل بحر العلوم - اعلی الله مقامه - روزی وارد حرم امیرالمؤمنین - علیه آلف التحیه و الثناء - شد و ناگهان شروع به قرائت این آیات نمود: چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن وقتی علت قرائت این آیات را پرسیدند. فرمود: چون وارد حرم مطهر شدم، حضرت حجت علیه السلام را مشاهده کردم که در بالای سر نشسته و با صدای بلند مشغول قرائت قرآن است؛ چون صدای او را شنیدم، این شعر را قرائت کردم...»^۲

بهره گیری از آیات مربوط به امام علیه السلام

مدد گرفتن از آیات نورانی قرآن، از دیگر شیوه های تقویت محبت حضرت حجت علیه السلام در دل هاست؛ چرا که تعدادی از آیات قرآن کریم به وجود حضرت مهدی علیه السلام و قیام و نهضت

۱. حسین بن محمدتقی نوری، نجم الثاقب، ج ۲، ص ۷۳۴.

۲. همان.

جهانی ایشان مربوط است؛ مانند آیه شریفه «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است». امام باقر علیه السلام فرموده است: «نخستین سخنی که حضرت مهدی علیه السلام پیش از قیام خود تلاوت می‌کند، این آیه شریفه است». سپس آن حضرت فرموده است: «منم بقیت الله و حجت و خلیفه او در میان شما. پس هیچ کس بر ایشان سلام نمی‌کند، مگر اینکه می‌گوید: السلام علیک یا بقیت الله فی ارضه».^۲ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۳ فرموده است: «مفهوم این کلام الهی این است که وقتی امام قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود».^۴ گفتنی است که بیش از هفتاد آیه به موضوع مهدویت تفسیر، تأویل و تطبیق شده است. البته کتاب معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام تا ۲۶۰ آیه، در کتاب سیمای امام زمان علیه السلام در آئینه قرآن تا ۱۴۰ آیه، در کتاب سیمای مهدویت در قرآن تا ۷۴ آیه و در کتاب مهدی علیه السلام در قرآن تا ۴۰ آیه در این رابطه توضیح داده شده است. می‌توان در ضمن آموزش قرآن به فرزندان، به تفسیر و توضیح این آیات مهدوی به زبان ساده پرداخت.

بیان جایگاه امام زمان از منظر امامان علیهم السلام

اگر به فرزندان توضیح دهیم که چه کسانی شیفته حضرت حجت علیه السلام بوده و هستند، عشق و علاقه فرزندان به آن حضرت یقیناً افزایش خواهد یافت. برای مثال بگوییم امام حسین علیه السلام چنان عاشق امام مهدی علیه السلام بود که روزی در محضر آن حضرت از وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام سخن به میان آمد و از آن حضرت سؤال شد که آیا حضرت مهدی علیه السلام هم اکنون متولد شده است یا نه؟! حضرت اباعبدالله علیه السلام فرمود: «لَا وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^۵، نه، هنوز متولد نشده است. اگر من به حضورش می‌رسیدم، تمام عمرم را به او خدمت می‌کردم».

۱. هود: ۸۶.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. اسراء: ۸۱.

۴. سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۷۶.

۵. شهاب‌الدین مرعشی نجفی، ملحقات إحقاق الحق، ج ۲۹، ص ۵۸۹.

امام صادق علیه السلام نیز به آن گرامی چنین ابراز علاقه فرموده است: «لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^۱؛ اگر او [امام زمان علیه السلام] را دریابم، تمام عمر به او خدمت می‌کنم».

انتخاب نام امام علیه السلام برای فرزندان

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، نام نیک نهادن بر آنهاست. شاید دلیل آن این باشد که در حقیقت همین نامگذاری، به نوعی بیان ارزش‌ها و تلقین این نکته است که اهل بیت علیهم السلام برای ما جایگاه ویژه دارند. پس بدون تردید ذکر نام نیک معصومان علیهم السلام، باعث تأثیرپذیرفتن از آنها در کردار کودکان می‌شود. وقتی نام مهدی علیه السلام در فضای خانه برده شود، باعث یادآوری حضرت نزد فرزندان است که مقدمه محبت ایشان را فراهم می‌آورد.^۲

برپایی جلسات یاد امام زمان علیه السلام به ویژه جشن میلاد

معمولاً فرزندان، عاشق مراسم جشن و شادی هستند. بنابراین اگر والدین بکوشند دست‌کم در نیمه شعبان جشن مختصری در منزل برپاکنند و از خویشان و فامیل دعوت نمایند و پذیرایی مختصری به عمل آورند، این کار اندک اندک عشق و محبت حضرت مهدی علیه السلام را در دل فرزندان می‌کارد. یکی از دانشمندان سنی مصری کتابی درباره فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام به نام فاطمه و الفاطمیون نوشته است. وقتی از او انگیزه‌اش را درباره نوشتن این کتاب پرسیدند، در پاسخ گفت که در کودکی پدرم به مناسبت ایام ولادت حضرت زهرا علیها السلام مجلس جشن در خانه برپا می‌کرد و من از میهمانان پذیرایی می‌کردم و از همان کودکی، محبت حضرت زهرا علیها السلام در دل من ایجاد شد.^۳

معرفی آثار مهدی‌پژوهان

در دسترس قرار دادن آثار و تالیفات کارشناسان مطمئن و با تجربه هم برای خودمان و هم برای

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲. خبرگزاری فارس، «نقش خانوده در انتقال محبت امام زمان علیه السلام به فرزندان»، ۱۳۸۶/۰۷/۱۹، کد خبر: ۸۶۰۷۱۴۰۱۴۱.

<https://www.farsnews.ir/news/8607140141>

۳. همان.

فرزندان تأثیرگذار است. آثار زیادی درباره امام زمان علیه السلام تألیف شده است که در اینجا تنها به چند نمونه اشاره می‌شود. خواندن کتاب‌های مرتبط با وجود مقدس امام زمان علیه السلام به‌ویژه کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* از شیخ صدوق،^۱ *مکیال المکارم* از آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی و نیز کتاب *نجم الثاقب* نوشته محدث نوری هم برای خود فرد و هم برای اعضای خانواده و فرزندان، محبت‌افزاست و افکار و اندیشه‌های انسان را مهدوی می‌کند. در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق، داستان انبیاء و امامان گذشته که برای مدتی از مردم غایب بوده‌اند؛ بیان شده است. مفهوم غیبت و نحوه انتفاع ما از امام زمان علیه السلام در زمان غیبت را در این کتاب می‌توانیم بیابیم. خواندن و عمل به کتاب *مکیال المکارم*، دوستی با امام زمان علیه السلام را زیاده‌تر می‌کند. کتاب *مکیال المکارم* که تألیف سید محمدتقی موسوی اصفهانی است، به بیان فواید و دلایل دعا برای امام زمان علیه السلام و بیان وظایف شیعیان در این دوران پرداخته شده است. کتاب *نجم الثاقب* به‌طور مفصل به بیان داستان تشریف‌یافتگان به محضر امام غایب علیه السلام پرداخته و در کنار آن وظایف شیعیان را نیز توضیح داده است. همچنین کتب *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام* از استاد شهید مرتضی مطهری، *آفتاب ولایت* استاد مصباح یزدی، *عصر زندگی از محمد حکیمی*، وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام نوشته لطف‌الله صافی، از کتاب‌هایی است که خواندن آن‌ها سفارس می‌شود.

نکته‌ها و داستان‌های بسیار زیبای این آثار می‌تواند دستمایه سخن گفتن از حضرت مهدی علیه السلام برای فرزندان مان باشد.

۱. شیخ صدوق مؤلف *کمال الدین* می‌نویسد: «شبی امام زمان علیه السلام را در خواب دیدم. آن حضرت به من فرمود: چرا کتابی درباره غیبت نمی‌نویسی تا خداوند به وسیله آن حوائجت را برآورده سازد؟ عرض کردم: ای فرزند رسول‌خدا! من در این باره چند کتاب نوشته‌ام. آن حضرت فرمود: اینک کتابی بنویس و در آن به غیبت‌های پیامبران الهی اشاره کن!». (مقدمه کتاب. *کمال الدین*)

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی، مهج الدعوات، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن مشهدی، محمد، المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۴. بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۵. پاک‌نیا، عبدالکریم، امام زمان علیه السلام سرچشمه نشاط جهان، قم: نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۰ش.
۶. خبرگزاری فارس، «نقش خانوده در انتقال محبت امام زمان علیه السلام به فرزندان»، ۱۳۸۶/۰۷/۱۹، کد خبر: ۸۶۰۷۱۴۰۱۴۱.
۷. صدر، سید محمدباقر، بحث حول المهدي علیه السلام، بیروت: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
۸. صدوق، علی بن محمد، الامالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
۹. _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ق.
۱۰. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، تهران: نشر عطارد، ۱۳۹۱ش.
۱۱. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، ملحقات إحقاق الحق، قم: مکتبه المرعشی، ۱۴۰۸ق.
۱۵. مشرق نیوز، «شهیدی که قبل از شهادتش امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد»، ۱۴۰۰/۱۲/۲۷، کد خبر: ۱۳۵۳۴۷۱.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، قم: نشر نسل جوان، ۱۳۸۶ش.
۱۷. نوری، حسین بن محمدتقی، نجم الثاقب، قم: نشر جمکران، ۱۳۸۲ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

آثار منفی بیکاری و تنبلی در فرد، خانواده و جامعه

دکتر مرضیه قنبری*

اشاره

بیکاری و تنبلی، از جمله مسائل قابل توجهی است که موجب بروز مشکلاتی در فرد، خانواده و جامعه می‌شود؛ زیرا انسان تمایل به انجام کار دارد تا در پرتو آن، به آزادی و استقلال فردی و اقتصادی دست یابد و شایستگی خود را از این طریق اثبات کند. در حقیقت بیکاری، از برجسته‌ترین مشکلات در جامعه امروزی است که آسیب‌های اجتماعی، روانی و اقتصادی قابل توجهی به وجود می‌آورد، منجر به جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی و فقر اقتصادی و فرهنگی می‌شود و تأثیر ویرانگری بر شخصیت فرد بیکار می‌گذارد. بیشتر افرادی که بیکار هستند، دچار عوارضی چون افسردگی و احساس پوچی می‌شوند که این مسئله خود زمینه پیشرفت و گسترش جرائم علیه اشخاص و اموال، ناآرامی‌های اجتماعی، اعتیاد، طلاق و ... فراهم می‌کند؛ از این رو در اسلام تأکید زیادی بر نقش کار و تلاش شده است. پژوهش حاضر به بررسی آثار منفی بیکاری و تنبلی بر خانواده و جامعه پرداخته است و بیانگر آن است که افزایش بیکاری در بلندمدت و کاهش توان اقتصادی خانواده (فقر)، افزایش طلاق را در بر خواهد داشت.

آثار بیکاری و تنبلی بر خانواده

۱. طلاق

بیکاری، مهم‌ترین عامل طلاق در خانواده است. با وجود شغل است که عاطفه و محبت میان زوجین جریان دارد. نداشتن شغلی مناسب، فقر، درگیری‌های لفظی و گاهی درگیری‌های جسمی، مخدوش شدن روابط عاطفی و کم‌رنگ شدن احترام و حرمت بین زوجین را در پی

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

دارد و در نهایت نیز به طلاق عاطفی یا حقیقی ختم می‌شود. جدال که عمدتاً در اثر بیکاری به وجود می‌آید، ریشه در بدخویی دارد که باید آن را ترک نمود؛ زیرا این‌گونه رفتارها موجب کدورت و تیرگی روابط زوجین و سلب آرامش می‌شود؛ چنانکه امام هادی علیه السلام فرموده است:

الْمَرْءُ يُفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ، وَيَحُلُّ الْعُقْدَةَ الْوَثِيقَةَ وَ أَقَلُّ مَا فِيهِ أَنْ تَكُونَ (الْمُعَالَبَةُ) أُمَّتُنْ أَسْبَابُ الْقَطِيعَةِ؛^۱

و مجادله کردن، دوستی دیرین را از بین می‌برد و پیوند استوار را از هم می‌گسلد و کمترین چیزی که در مجادله است، چیره‌جویی است و چیره‌جویی، خود عامل اصلی قطع رابطه است.

طبق این روایت، جدال دوستی طولانی را از بین می‌برد و رابطه محکم را به جدایی می‌کشاند. طلاق و جدایی، مهم‌ترین عامل ازهم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است. با توجه به آثار طلاق بر افراد همچون ایجاد افسردگی، اضطراب، رفتارهای پرخاش‌گرانه، ناتوانی در تحمل مشکلات کار و زندگی، افزایش انحرافات اجتماعی بین زنان و مردان مطلقه، احساس شکست در زندگی به شکل دل‌تنگی، خستگی، از پا افتادگی، پوچی و بی‌معنایی در زندگی، احساس گناه و ندامت، خودکشی، تشنج، عزت‌نفس پایین، خشم، بی‌لیاقتی و با توجه به اهمیت موضوع، طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است که متأسفانه مطالعات متعدد در کشور ما نشان داده است که آمار طلاق در حال افزایش است.^۲

۲. آسیب‌های روحی و روانی

انسان به‌طور طبیعی در طول زندگی با نگرانی‌ها و اضطراب‌های متعددی مواجه است و همواره برای فائق آمدن بر آن و از میان بردن عواملش کوشیده است. در فقر معنوی غرب، بعضی فلاسفه غربی به‌ویژه اگزیستانسیالیست‌ها در برابر فلاسفه یونان و فلاسفه مسلمان که انسان را «حیوان ناطق» می‌دانند، انسان را «حیوان مضطرب» معرفی می‌کنند و معتقدند «اضطراب» فصل حقیقی انسان است، نه «نطق».^۳ این در حالی است که روان‌شناسان «ایمان» را سرچشمه‌ای بیکران از آرامش و قدرت معنوی می‌دانند که هر نوع اضطراب و نگرانی را از انسان می‌زداید و در

۱. حسین بن محمد حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخواطر، ص ۱۳۹.

۲. مسعود صدر الاشرافی و همکاران، «آسیب‌شناسی طلاق و راه‌های پیشگیری از آن»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۷۳ و ۷۴، ۲۹.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، سجاده‌های سلوک، ج ۲، ص ۲۹۳.

مقابل هر نوع فشار درونی و بیرونی، به انسان مصونیت می‌بخشد.^۱ بیکاری، نقش ویران‌کننده‌ای در بنیان‌های معنوی زندگی بیکاران ایفا می‌کند و موجب آسیب‌های روانی و تقویت حس خودکوچک‌بینی در افراد می‌شود. بیکاری چه به خاطر فراهم نبودن زمینه کار و یا به خاطر عدم تلاش خود فرد باشد، موجب می‌شود فرد مورد سرزنش اطرافیان و به‌ویژه خانواده قرار گیرد و یا حداقل اطرافیان توجه لازم را نسبت به فرد بیکار نداشته باشند. در چنین شرایطی فرد احساس بی‌ارزشی می‌کند. اولین اختلال یا علامتی که به سبب بیکار شدن یک فرد در وی رخ می‌دهد، افسردگی است؛ زیرا فرد نسبت به آینده احساس خوبی ندارد و احساس عدم امنیت می‌کند، به‌ویژه اگر فرد بیکار، همسر و فرزندان نیز داشته باشد. این امر موجب بروز دلخوری، خودخوری، احساس غم و اندوه و در بعضی افراد ایجاد عصبانیت و پرخاشگری می‌شود.

یکی دیگر از علائم افراد بیکار می‌توان به اضطراب اشاره کرد. این اضطراب ناشی از احساس امنیت نداشتن نسبت به آینده است. این افراد همواره نگران این هستند که زندگی آنان دستخوش چه تغییراتی می‌شود و چه کار خواهند کرد. اگر چنین فردی نتواند از پس مشکلات زندگی و نیازهای خانواده‌اش بر بیاید، ممکن است اقدام به خودکشی کند. افسردگی و اضطراب می‌تواند در فرد مشکلات جسمی زیادی ایجاد کند، این علائم معمولاً عبارتند از بی‌خوابی و افکار نگران‌کننده، بی‌اشتهایی شدید و یا عدم تمایل به غذا خوردن، تپش قلب و نگرانی ناشی از اضطراب، مشکلات تنفسی، بی‌قراری و درد قفسه سینه. کسی که به علت بیکاری دچار افسردگی و اضطراب شده است، اگر دیگران به او محبت نکنند؛ علایم‌شان دوچندان می‌شود. تأثیر بیکاری تنها به امور مالی محدود نمی‌شود؛ بلکه بر سلامت روانی و جسمی فرد نیز اثر می‌گذارد.

۳. فقر و تنگدستی

همه افراد برای گذراندن زندگی خود نیازمند تلاش و فعالیت هستند؛ زیرا تأمین بسیاری از نیازها در گرو کار و تلاشی است که درآمدی را نیز به همراه داشته باشد، در حالی که بیکاری یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که توازن و تعادل جامعه را بر هم می‌زند و موجب ایجاد بحران‌های متعددی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و حتی سیاسی

۱. ویلیام جیمز، دین و روان، ص ۱۷۸.

می‌شود. بیکاری موجب فقر و محرومیت از رفاه و آسایش مادی است و موجب می‌شود فرد و خانواده از امکانات مورد نیاز و رفاه و آسایش زندگی محروم شود. این مسئله به مرور زمان، آرامش روانی خانواده را متزلزل می‌کند و چه بسا موجب محرومیت فرزندان از تحصیل و دیگر مزایای زندگی اجتماعی می‌شود. خانواده و فرزندان، اوضاع معیشتی خود را با وضعیت زندگی دیگران به‌ویژه خانواده‌هایی از فامیل که از نظر اقتصادی در وضع مطلوبی قرار دارند، مقایسه و از زندگی خود مرتب اظهار نارضایتی می‌کنند و در بعضی موارد حتی ممکن است این امر به فروپاشی نظام خانواده منجر شود.

عدم تمایل بشر به فرزندآوری، ترس از تنگدستی و یا به خاطر تنگدستی و این، در حالی است که خدای متعال در آیاتی نیز تأمین روزی بندگان و همه مخلوقات را بر عهده خود می‌داند. خداوند متعال در آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا»^۱ و فرزندان تان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم. مسلماً قتل آن‌ها گناه بزرگی است»، به يك عمل زشت جاهلی که از فجیع‌ترین گناهان بود؛ اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید». از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که وضع اقتصادی اعراب جاهلی به اندازه‌ای سخت و ناراحت‌کننده بود که حتی گاهی فرزندان دلبند خود را از ترس عدم توانایی اقتصادی به قتل می‌رساندند. این يك توهم بیش نبود که روزی‌دهنده فرزندان پدر و مادرند هستند. خداوند اعلام می‌کند که این پندار شیطانی را از سر به در کنند و به تلاش و کوشش هر چه بیشتر برخیزند تا خدا نیز به آن‌ها کمک و زندگی آن‌ها را اداره کند. اگر چه فاجعه دخترکشی در اعراب پیش از ظهور اسلام بسیار زشت و ننگین است و موجب وحشت می‌شود، اما اکنون همین جنایت در شکل دیگری در عصر ما و حتی به اصطلاح در مترقی‌ترین جوامع انجام می‌گیرد و آن، اقدام به سقط جنین در مقیاس بسیار وسیع به خاطر جلوگیری از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی است.^۲ این تفکر بدین علت است که شیطان هنگام گرایش انسان به خوبی‌ها، به انسان وعده فقر می‌دهد؛^۳ در حالی که افراد با تلاش و کوشش خود به روزی وعده داده شده خداوند متعال خواهند رسید.

در سال‌های اخیر کاهش باروری و رشد جمعیت مطرح شده است که برای آن دلایل

۱. اسراء: ۳۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲.

۳. بقره: ۲۶۸: «السَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

متعددی وجود دارد و یکی از دلایل آن، ترس از فقر و مسائل اقتصادی است که موجب شده است خانواده‌ها نسبت به فرزندآوری تردید داشته باشند. این در حالی است که یکی از فواید فرزندآوری، تولید «سرمایه روانی» است. وجود فرزندان بیشتر در خانواده، آرامش روانی افراد را بیشتر می‌کند و در استحکام خانواده تأثیرگذار است. از نظر مقام معظم رهبری علیه السلام، یکی از پرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که از اوایل انقلاب تا کنون از این ثروت برخوردار بوده‌ایم و اگر در آینده برخوردار نباشیم، عقب خواهیم ماند.^۱ ترس از فقر در فرزندآوری، مسئله جدیدی نیست و در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ».^۲ کلمه «املاق» به معنای افلاس و نداشتن مال و هزینه زندگی و بیانگر کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی است که در میان عرب جاهلیت سنتی به دلیل قحطی و گرانی سنت جاری بوده است. در آیه مورد بحث که ایشان را از این عمل ناستوده نهی کرده است، نهی را با جمله «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» تعلیل کرده و فرموده است که منطق شما در فرزندکشی، جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید و این خود منطقی است غلط، برای اینکه این شما نیستید که روزی فرزندان را فراهم می‌کنید؛ بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد.^۳

آثار بیکاری و تبلی بر جامعه

۱. فراهم شدن زمینه بزهکاری

منشأ بسیاری از نابسامانی‌های جامعه و فساد اخلاقی و اجتماعی، بیکاری و ناامیدی فرد نسبت به آینده است؛ زیرا بیکاری موجب یأس و سرخوردگی در فرد می‌شود و فرد ضمن از دست دادن اعتماد به نفس، نسبت به زندگی و تشکیل خانواده نیز دچار بحران شدید روحی می‌شود؛ از این رو برای تسکین عدم موفقیت خود ناگزیر جذب گروه‌های ناهنجار جامعه می‌شود و به جای سازندگی، به تخریب جامعه می‌پردازد. بر این اساس در جامعه‌ای که تعداد افراد بیکار زیاد باشند، امنیت اجتماعی به خطر می‌افتد و افراد بیکار برای امرار معاش خود، دست به اعمال خلاف قانون می‌زنند؛ زیرا عزت نفس آن‌ها خدشه‌دار شده است. امام علی علیه السلام در این زمینه

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲.

۲. انعام: ۱۵۱.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، صص ۵۱۶-۵۱۷.

فرموده است: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ».^۱ افرادی که روح‌شان از خصلت کرامت و بزرگواری شکل گرفته است، دارای فضایل اخلاقی و ملکات انسانی هستند و به سوی کارهای پست و ذلت‌بار نمی‌روند، در حالی که افرادی که روح‌شان از لثامت و فرومایگی شکل گرفته است؛ همواره در معرض گناه و رذایل اخلاقی قرار دارند و جامعه از سوءرفتار و گفتار آنان احساس نگرانی و ناامنی می‌کند؛ چنانکه امام هادی علیه السلام فرموده است: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»^۲ کسی که نفسش در نزدش خوار است، از شر او ایمن مباش.

در واقع بیکاری موجب می‌شود جوانان برای تأمین زندگی خود، مرتکب بزه و کارهای خلاف شوند. از طرفی نیز رابطه مستقیمی میان اعتیاد به تریاک و وضع نامناسب اجتماعی وجود دارد؛ زیرا وقتی برای افراد به‌ویژه جوانان شغل مناسب و برنامه کاری نداشته باشند، گرد هم جمع می‌شوند و حاصل چنین مجموعه‌ای، آلوده شدن به قمار، فحشاء و اعتیاد است.

۲. تأخیر در ازدواج

در دین مبین اسلام، خانواده محبوب‌ترین نهاد بشری نزد خداوند است که هدف از تشکیل آن، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی انسان از جمله دستیابی به آرامش است.^۳ همچنین در اسلام، خانواده به‌عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن موجب نیکبختی و سعادت و یا انحراف و تباهی جامعه انسانی خواهد بود. ارزش و اهمیت تشکیل خانواده، تأمین سلامت روانی، آرامش، عشق و محبت، انس و الفت میان زوجین و نیز والدین و فرزندان است. خداوند در آیه «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۴ بر نقش و اهمیت خانواده در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره نموده و پیوندهای سالم خانوادگی را دعای انسان‌های متقی و پرهیزکار معرفی کرده است. در این راستا زن، نقش اساسی در پیشبرد اهداف جامعه سالم ایفا می‌کند؛ چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی برای خداوند در زمین کارگزارانی را معرفی کرده است که زن، یکی از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۵۷: «هر که گرامی باشد، بر او نفس او خوار نگرداند آن را به نافرمانی حق تعالی».

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۰.

۳. روم: ۲۱.

۴. فرقان: ۷۴.

را قرار داده است: «إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيد»^۱. این در حالی است که جوانان مهم‌ترین عامل تأخیر در امر ازدواج را فقر و نداری می‌دانند؛ زیرا تأمین مخارج همسر و فرزندان، عاملی است که فرد بیکار را از ازدواج باز می‌دارد. درحقیقت فقر و نداری، رابطه دوسویه با تشکیل خانواده و رشد ازدواج دارد. بیکاری و ترس و احساس فقر، عامل تأخیر در ازدواج است که به نظر می‌رسد با کاهش بیکاری و آماده‌سازی فضای اشتغال مطمئن برای جوانان بتوان موجب رشد ازدواج جامعه شد.

بر این اساس اشتغال به عنوان مهم‌ترین پیش شرط ازدواج محسوب می‌شود. به عبارت دیگر زمانی شرایط ازدواج فراهم می‌شود که مردان از نظر اقتصادی و معیشتی و نیز شغلی دارای شرایط مناسبی باشند و ثبات اقتصادی در میان مردان، عامل مهمی در افزایش فراوانی ازدواج خواهد بود و بدین جهت است که فرد بیکار در امر ازدواج خود تأخیر ایجاد می‌کند. درحقیقت اشتغال، عامل مؤثری در ازدواج مردان جوان به شمار می‌آید؛ چنانکه به دلیل پایین بودن درصد اشتغال در سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی، شمار مردان متأهل در این گروه سنی بسیار کم است و با افزایش سن و بالا رفتن درصد اشتغال بر تعداد مردان دارای همسر افزوده می‌شود. اشتغال، گامی مؤثر در ازدواج است و دین اسلام حتی اشتغال زن در جامعه را به شرط حفظ حیا و عفاف و در صورتی که مانع وظیفه اصلی زن نشود، تأیید کرده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، اشتغال زنان دارای جایگاه مهمی است، اما نقش مادری اولویت دارد و اشتغال زن نباید زن را از وظیفه اصلی همسر و مادر بودن باز دارد و موجب سلب آرامش شود.^۲

۳. از هم‌گسیختگی روابط جامعه

بیکاری افزون بر تضعیف تعلقات خانوادگی، موجب از هم‌گسیختگی ارتباطات خویشاوندی و روابط اجتماعی نیز می‌شود که این پدیده عمدتاً از حس عدم اعتماد به نفس در فرد بیکار نشأت می‌گیرد. بیکاری نه تنها تعهدات بین افراد در خانواده، بلکه روابط بین اجتماع را نیز کم و فرد را دچار از هم‌گسیختگی می‌کند. یأس و ناامیدی در بستر بیکاری پرورش می‌یابد و به مرور زمان روحیه شخص بیکار را تخریب می‌کند و این نگرش به جامعه نیز سرایت خواهد. بیکاری مشکلات فراوانی را برای خانواده ایجاد، و مسائل و مشکلات قبلی را چندین برابر می‌کند. در

۱. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان، ۱۳۹۸/۰۵/۱۶.

حالی که فرزندان انتظار دارند خانواده‌ها امکانات لازم را برای آن‌ها تأمین کنند، اما به دلیل بیکاری پدر خانواده این شرایط مهیا نمی‌شود و در پی این امر، زمینه درگیری خانوادگی و به تبع آن معضلات اجتماعی فراهم می‌شود. از این رو پدیده بیکاری و فقر حاصل از آن، بنای خانواده را که سنگ بنای اجتماع محسوب می‌شود؛ تهدید می‌کند و به سمت فروپاشی می‌کشانند. فقر و بیکاری به عنوان مسئله‌ای مطرح شده است که در جامعه پذیرفته شده نیست و آسیب‌های اجتماعی دیگر همچون اعتیاد، سرقت، طلاق، فقر، فحشا و... را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بیکاری، معضل اجتماعی است که آسیب‌های فردی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای به بار می‌آورد و از جنبه جسمانی و روحی و روانی بر فرد تأثیر می‌گذارد. بیکاری همچنین به مهارت و کارایی فرد لطمه می‌زند و سلامت روحی و روانی او را مختل می‌کند، شوق و ذوق زندگی را معدوم و قدرت اراده فرد را تضعیف می‌کند. از طرفی نیز بیکاری عامل مهمی در ایجاد فقر است و فقر و محرومیت مادی را شاید بتوان از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده جرائم و انحرافات اجتماعی دانست. همچنین تأثیر بیکاری، عامل بسزایی در از هم پاشیدن ازدواج‌ها دارد. افزایش اختلالات روانی، افزایش اختلافات خانوادگی، به وجود آمدن مشکلات مالی عدیده، کاهش رضایتمندی از زندگی مشترک، احتمال وجود اختلاف نظر برای اداره زندگی، تنش در روابط زناشویی، افزایش اضطراب و استرس، کاهش عزت نفس و احتمال بروز رفتارهای پر خاشگرانه، احتمال ارتکاب به جرایم و مشاغل کاذب و واسطه‌گری، احتمال گرایش به انجام کارهای غیرقانونی و احساس، حقارت از جمله تبعات منفی بیکاری است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای دامنه‌ای.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۳. صدرالاشرفی، مسعود و همکاران، «آسیب‌شناسی طلاق و راه‌های پیشگیری از آن»، مجله مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، بهمن ۱۳۹۱ش.
۴. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبیه الخواطر، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۸ق.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی، سجاده‌های سلوک، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی‌الله‌عنه، ۱۳۹۰ش.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۱۰. ویلیام، جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائن، چاپ اول، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.

شیوه‌های برون‌رفت از تأثیرات منفی سلبریتی‌ها بر نوجوانان

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

مقدمه

واژه «سلبریتی» (celebrity) به معنای «مشهور»، «معروف» و «نام آشنا» است. سلبریتی، فردی است که توسط تعداد قابل توجهی از افراد شناخته می‌شود^۱ و به دلیل دستاوردها، شهرت، محبوبیت و یا حضور فعال در رسانه‌ها و جوامع مختلف شناخته می‌شود. این افراد غالباً به عنوان تأثیرگذار در دیگر افراد جامعه در همه رده‌های سنی شمرده می‌شوند. با پیدایش رسانه‌های جمعی و اجتماعی جدید از جمله رادیو، تلویزیون و سینما، شخصیت‌های برجسته‌ای که نقش آفرینی، خدمات اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی یا حتی فعالیت‌های تجاری داشتند؛ با بهره‌گیری از فضای به وجود آمده به سرعت زیر نور پرتو این رسانه‌ها قرار گرفتند و شهرت بیشتری پیدا کردند و در کنار همه این اتفاقات، مفهوم سلبریتی به یک مدل جامعه‌شناختی^۲ تبدیل شد. یکی دیگر از عواملی که موجب اهمیت سلبریتی‌ها در مطالعات اجتماعی می‌شود، تأثیرات عاطفی این دسته از افراد بر دیگر افراد و گروه‌های اجتماعی است. این افراد نقش بسیار مهمی را در نظام شکل‌دهی به هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی بازی می‌کنند. آن‌ها به هوادارانشان لذت، شادی، درد و رنج می‌دهند و در مقابل ستایش یا رسوایی و گناه کمک‌های مالی دریافت می‌کنند.^۳

* سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد مشاوره و روان‌شناسی.

۱. پرامودکی نایار، درآمدی بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی، ترجمه سعیدرضا عاملی، ص ۲۰.

۲. مدل جامعه‌شناختی، یک تکنیک یا الگوی توصیفی است که تلاش می‌کند تا ارتباطات و تعاملات اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رفتارها و چگونگی شکل‌گیری جوامع را توضیح دهد. این مدل‌ها به ما کمک می‌کنند تا بهترین راه‌های افزایش تعاملات مثبت و کاهش تعاملات منفی در جوامع را مشخص کنیم.

۳. پرامودکی نایار، درآمدی بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی، ترجمه سعیدرضا عاملی، ص ۲۲.

در کنار سلبریتی‌هایی که دارای نقش‌های مثبت و کارآمد در جامعه هستند، افراد مشهور و سلبریتی‌هایی نیز دیده می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی زیادی را برای نوجوانان و جوانان به همراه دارند و به گونه‌ای می‌توان آن‌ها را الگوهای منفی معرفی کرد. این نوشتار به دنبال بیان راهبردهای دفع آسیب‌هایی است که از این نوع سلبریتی‌ها گریبانگیر نوجوانان می‌شود. تأثیر سلبریتی‌ها بر نوجوانان و جوانان، یکی از موضوعات مهمی است که امروزه به طور خاص مورد توجه اندیشمندان جامعه‌شناختی و روان‌شناختی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که آن را به عنوان یک چالش اجتماعی با اهمیت مطرح می‌کنند. با گسترش رسانه‌های جمعی و اجتماعی، نوجوانان و جوانان با تصاویر و زندگی سلبریتی‌ها رابطه نزدیکتری را برقرار کرده‌اند و این موضوع تأثیرات گسترده‌ای بر باورها، هیجانات و گرایش‌ها و در نهایت رفتارها ایشان خواهد داشت.

امروزه فعالیت‌های سلبریتی‌ها در رسانه‌های جمعی و اجتماعی منجر به الگوبرداری‌های ناپسند، اختلالات روانی به‌ویژه در حوزه هویت فردی و اجتماعی و حتی افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی در نوجوانان و جوانان شده است. از این‌رو لازم است عوامل این تأثیرگذاری به درستی شناخته و بر اساس آن راه‌حل‌هایی برای حل این مسئله بیان شود.

ویژگی‌های دوران نوجوانی

نوجوانی، یک دوران حیاتی مهم است که می‌توان از آن به دوران برزخ میان کودکی و جوانی نام برد. این دوران با تغییرات و ویژگی‌های زیر همراه است:

۱. تغییرات جسمی

در این دوره، بدن نوجوانان تحت تأثیر هورمون‌ها قرار می‌گیرد و تغییراتی همچون رشد بدن، تغییرات زیستی و افزایش تولید هورمون‌ها رخ می‌دهد. شاکله عمومی بدن او از حالت دوران کودکی خارج می‌شود و شکل بزرگسالی به خود می‌گیرد. در اثر رشد جسمی، نوجوانان حساسیت زیادی نسبت به بدن خویش پیدا می‌کنند. نوجوانانی که در این دوره ظاهر خود را طبیعی و بالنده قلمداد کنند، در آینده از عزت نفس و شادمانی بیشتری برخوردار خواهند بود.

مسئله بسیار مهم این دوران، الگوگیری و معیارهای زیبایی جسم است. اگر برای نوجوان معیارهای زیبایی به درستی تبیین نگردد و او با تغییرات جسمانی به درستی آشنا نشود؛ به گونه‌ای که منجر به الگوگیری از افراد دیگر همچون سلبریتی‌هایی شود که در رسانه‌ها اقدام به خودنمایی جسمی می‌کنند، می‌تواند موجب باورهای نادرست و در نتیجه رفتارهای نامطلوب از سوی

نوجوان بشود^۱ که در نهایت این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های جسمی و در نهایت نابهنجاری‌های روانی برای نوجوان گردد.

۲. تغییرات روانی

نوجوانان ممکن است با مشکلات روانی مختلفی دست و پنجه نرم کنند و با ورود به نوجوانی و طی کردن دوران کودکی، به دنبال یافتن استقلال بیشتر، خودشناسی و اثرگذاری اجتماعی باشند. دوران نوجوانی، دوران بروز عواطف، قدرت‌گریز و حاکمیت احساسات است؛ به‌گونه‌ای که محبت و دوستی در وجود فرد معنا پیدا می‌کند و روابط و برخوردها در نظر او جهت‌دار و حتی سؤال‌انگیز می‌شود؛^۲ از همین روست که امام صادق علیه السلام فرموده است: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ، فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ؛^۳ شما را سفارش می‌کنم به پرداختن به نوجوانان؛ زیرا که ایشان زودتر از سایر افراد به سمت هر خیری روی می‌آورند». این امر بیانگر آن است که از نظر روانی در این دوران یک استعداد معنوی خاصی نیز در نوجوانان به خاطر تغییرات روانی به وجود می‌آید که به او در امور خیر توانایی قابل توجهی می‌دهد.

۳. بیداری غریزه جنسی

غریزه جنسی از ابتدای تولد به صورت نهفته در نهاد انسان قرار داده شده است که تا زمان نوجوانی و فرا رسیدن دوران بلوغ، تحرک خاصی از خود نشان نمی‌دهد. با شروع دوران نوجوانی است که این غریزه شروع به فعالیت می‌کند و متناسب با جهت دادن به آن، تأثیر بسیاری بر ابعاد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و رفتاری فرد دارد. مولانا در وصف این دوران بیان می‌دارد:

و آن جوانی همچو باغ سبز و تر	می‌رساند بی‌دریغی بار و بر
چشمه‌های قوت و شهوت روان	سبز می‌گردد زمین تن، بدان
خانه معمور و سقفش بس بلند	معتدل ارکان و بی‌تخلیط و بند ^۴

امروزه برای تأمین و ارضای این غریزه، راه‌های مشروع و غیرمشروع بسیاری وجود دارد، اما آنچه در این میان مهم و به‌گونه‌ای معیار است؛ صیانت خود از راه‌های نامشروع است. اهمیت

۱. حسین لطف‌آبادی، روانشناسی رشد کودک، نوجوان و جوان، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص ۲۳۱.

۴. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، ج ۱، دفتر ۲، ص ۲۱۹.

این مسئله تا آنجاست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ أَحَبَّ نَيْلَ الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا فَلْيُغْلِبِ الْهَوِي؛^۱ هر کس دوست دارد که به درجات عالی نایل گردد، باید بر خواهش‌های نفسانی و شهوانی خود چیره شود». بهره‌گیری از رسانه جمعی و اجتماعی و نقش سلبریتی‌ها در این مسئله، جایگاه ویژه‌ای در الگودهی درست و یا نادرست برای تأمین غریزه جنسی به نوجوان دارد.

۴. هویت‌یابی

نوجوانان در این دوران به جستجوی هویت و تفکر درباره خود می‌پردازند و با چالش‌های جدیدی در این زمینه مواجه می‌شوند و والدین نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت نوجوانان دارند. از این رو لازم است برای هویت‌یابی صحیح فرزندان، به آن‌ها کمک کنند؛ پیش از آنکه این هویت دست‌مایه بازی‌های دیگران و موجب بروز آسیب‌های هویتی و روانی برای فرزندان شود؛ چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ؛^۲ فرزندان نوجوان خود را با احادیث ما آشنا کنید، قبل از آنکه مرجئه (فرق انحرافی) ذهن آن‌ها را بر بایند».

۵. ارتباط بیشتر با همسالان

این دوران با افزایش توجه به روابط دوستانه، خانوادگی و عاطفی همراه است. برای بسیاری از نوجوانان، داشتن گروهی از همسالان و داشتن روابط اجتماعی مهم است. این روابط به آن‌ها اجازه می‌دهد تا هویت خود را کشف کنند و از تجربیات دیگران یاد بگیرند. علاقه نوجوانان به گروه همسالان و روابط اجتماعی، می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا احساس تعلق و ارتباط اجتماعی داشته باشند و از انزوا جلوگیری کنند.

شیوه‌های تأثیرگذاری سلبریتی‌ها بر نوجوانان

سلبریتی‌ها با شیوه‌های مختلف و متفاوتی می‌توانند بر نوجوانان تأثیرگذار باشند که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۲۲.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱.

۱. هویت‌دهی به نوجوانان

قشر وسیعی از نوجوانان و جوانان بین ۱۲ تا ۳۰ سال و نیز دیگر افرادی که موفق به هویت‌یابی نشده‌اند، سلبریتی‌ها را به عنوان الگوی ذهنی، زبانی و رفتاری خود قرار می‌دهند. این افراد با استفاده از جذابیت‌های ابزارهای اطلاعاتی مدرن، ایده‌های خود را در قالب هنر و موسیقی عامه‌پسند بسط می‌دهند.^۱ نقش آفرینی سلبریتی‌ها بیشتر در جوامعی است که هویت، تبدیل به یک مفهوم سرگردان برای نوجوانان و جوانان شده و موجبات انتخاب سلبریتی‌ها به عنوان نماد و الگو را فراهم آورده است. به بیان دیگر یکی از اصلی‌ترین تأثیرات سلبریتی‌ها بر نوجوانان، دادن تراز و معیار در حوزه زیبایی و سبک زندگی نوجوانان است. بسیاری از نوجوانان بر اساس ظاهر، گرایش‌ها و رفتارهای سلبریتی‌ها، وضعیت زندگی خود را مشخص می‌کنند و سعی در تقلید از این استانداردها دارند. باید توجه داشت که این موضوع می‌تواند به تأثیر مثبت یا منفی متغیر باشد؛ چرا که این تأثیرات ممکن است باعث ایجاد افسردگی، استرس و اضطراب برای یک نوجوان شود و یا با الگو برداری از رفتارها و استانداردهای مثبت سلبریتی‌ها، زمینه‌ساز تقویت اعتماد به نفس و پذیرش هویت شخصی شود.

به طور کلی تأثیرگذاری سلبریتی‌ها بر هویت نوجوانان می‌تواند در دو جهت باشد. از یک سو این تأثیرات می‌توانند به تقویت اعتماد به نفس، الگو برداری از موفقیت و ایده‌های مثبت سلبریتی‌ها و نیز آگاهی از مسائل اجتماعی و سیاسی کمک کنند. در جهت دیگر تأثیرات منفی ممکن است شامل الگو برداری از رفتارهای نامناسب، رویاپردازی فراوان و فاصله گرفتن از واقعیت و مسائل مهم اجتماعی شود. آنچه در این میان بیشتر مورد مشاهده می‌شود، آثار منفی سلبریتی‌ها بر نوجوانان است.

۲. افزایش مصرف‌گرایی در نوجوانان

یکی دیگر از شیوه‌های تأثیرگذاری سلبریتی‌ها بر نوجوانان را می‌توان تأثیرگذاری بر رفتارهای مصرفی آن‌ها دانست. تبلیغ محصولات، لباس‌ها و سبک زندگی سلبریتی‌ها می‌تواند به شکل قابل توجهی بر رفتارهای خرید و مصرف نوجوانان تأثیر بگذارد. در حالت مثبت آن، این موضوع می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از انتخاب‌های هوشمندانه‌تری در زمینه مصرف برخوردار شوند؛ ولی آنچه در مقابل دیده می‌شود، آن است که این دسته از گروه‌های اجتماعی به طور

۱. گروه مطالعات ایران، «سلبریتی‌ها و فرایندهای هویت‌یابی سیاسی - اجتماعی»، ماهنامه نامه هویت، شهریور

شدیدی بر مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی افراطی در همه گروه‌های سنی اجتماعی شده‌اند که می‌تواند آسیب‌های زیادی را برای فرد، خانواده و اجتماع به همراه داشته باشد.

۳. تغییر معیارهای اخلاقی و ارزشی نوجوان

سلبریتی‌ها به عنوان نمادهای موفقیت و شهرت در جامعه، توانایی تأثیرگذاری قابل توجهی بر ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی نوجوانان دارند؛ به گونه‌ای که آن‌ها در زمانه‌ای که ما در آن زیست می‌کنیم، دارای مرجعیت اخلاقی شده‌اند. این افراد از طریق شهرت، حضور در رسانه‌های اجتماعی، فیلم‌ها، موسیقی، ویدیوها و ایجاد رویدادهای عمومی، شیوه‌های زندگی خود را به نمایش می‌گذارند و در نتیجه تبدیل به الگوها و نمادهایی برای نوجوانان می‌شوند. این الگوها وقتی می‌توانند دارای آثار مثبتی باشند که متناسب با محیط فرهنگی و اجتماعی و معیارهای دینی باشد، اما با یک بررسی کوتاه می‌توان به این حقیقت پی برد که آنچه امروزه توسط عمده سلبریتی‌ها در به طور خاص در فضای مجازی ترویج می‌شود؛ هیچ تناسبی با فرهنگ بومی ایران و دین مقدس اسلام ندارد و در بسیاری از موارد در نقطه مقابل آن است.

راه‌های مواجهه با تأثیرگذاری منفی سلبریتی‌ها

برای مقابله با تأثیرگذاری منفی سلبریتی‌ها بر ابعاد زندگی نوجوانان و جوانان، راهکارهایی وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. افزایش سواد رسانه در نوجوانان

افزایش سواد رسانه در نوجوانان، یک مهارت اساسی به شمار می‌آید. سواد رسانه می‌تواند به افراد کمک کند تا با ارتباطات نوین و رسانه‌های مختلف در جامعه امروزی اعم از رسانه‌های اجتماعی، فیلم و تلویزیون به اطلاعات دقیق‌تری دست یابند و نگرش‌های بهتری برای تحلیل و تفسیر اطلاعات بیاموزند. نوجوانان با یافتن سواد رسانه می‌توانند هنگام مواجهه با افراد مشهور در بستر فضای مجازی، حقیقی بودن یا غیر حقیقی بودن موفقیت‌های ایشان را کشف کنند. آنچه به طور کلی می‌توان در مورد نوع رفتار سلبریتی‌ها مشاهده کرد، این است که جنس دغدغه‌های سلبریتی‌ها به صورت کاملاً انحصاری متعلق به خودشان است. ازدواج، طلاق، جدایی و قهر، آشنا شدن با دیگران، خرج‌های نجومی روزانه، درآمد ماهیانه و سالیانه، سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای مختلف، فرزندآوری و تربیت فرزند و... از منظر شکل و محتوا با دغدغه‌های عمومی مردم ناهمخوان است. آن‌ها نسبت به اینکه شاهد موفقیت دیگر افراد جامعه یا جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند، باشند؛ هیچ دغدغه‌ای ندارند.

سلبریتی‌ها به واسطه درآمدشان همیشه و مانند زمانی که در حال پر کردن فیلم هستند، بازیگری می‌کنند و مخاطب را نیز بازی می‌دهند. آن‌ها چیزی را می‌گویند و نشان می‌دهند که بیش از هر امری به ساختگی بودن و غیر واقعی بودن نزدیک است. افزایش سواد رسانه در نوجوانان می‌تواند به صورت محتوایی و عملیاتی صورت بگیرد. برخی از شیوه‌های افزایش سواد رسانه در نوجوانان عبارت است از:

۱/۱. **آموزش تفکر انتقادی:** آموزش تفکر انتقادی به نوجوانان، توانایی تحلیل و نیز انتقاد از اطلاعاتی که رسانه‌ها در حال ترویج آن هستند؛ می‌دهد و بدین ترتیب آن‌ها می‌توانند اخبار و محتوای رسانه‌ای را با دقت بیشتری ارزیابی و مورد تحلیل قرار دهند.

۱/۲. **آشنایی با تدابیر امنیتی:** نوجوانان باید بیاموزند که از خودشان چه اطلاعاتی و چگونه در رسانه‌ها به اشتراک بگذارند. عدم آشنایی با تدابیر امنیتی می‌تواند آسیب‌های بسیاری را به همراه داشته باشد. آموزش مفاهیم امنیتی دیجیتال و محافظت از حریم شخصی در محیط‌های آنلاین، برای نوجوانان بسیار حیاتی است تا از مزایا و خطرات استفاده از رسانه‌های دیجیتال آگاه باشند.

۱/۳. **تقویت مهارت‌های ارتباطی:** افزایش توانایی‌های ارتباطی و علمی نوجوانان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از اطلاعات و محتوای رسانه‌ای به نحو مؤثری استفاده کنند و از تأثیر مثبت واقعی سواد رسانه بهره‌مند شوند و خود را از آسیب‌های منفی آن دور کنند.

۱/۴. **تشویق به ساخت و تولید محتوا:** تجربه درست و خودآگاهی نسبت به ایجاد محتوا و انتشار آن می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از محتوای رسانه‌ای به مراتب کمتر استفاده کنند و به جای آن، نقش خود را به عنوان تولیدکننده محتوا بر عهده بگیرند؛ به این معنا که از یک نقش منفعل و تأثیرپذیر از سلبریتی‌ها و دیگر افراد در فضای مجازی، به نقش فعال در آن تبدیل شوند. در این راستا همکاری میان والدین، مدرسه و دیگر نهادهای تربیتی برای ارتقای سواد رسانه بسیار مهم است تا نوجوانان بتوانند از رسانه‌ها به درستی استفاده کنند و از اطلاعات به درستی بهره ببرند.

۲. تقویت اعتماد به نفس

در گزاره‌های دینی مفهوم اعتماد به نفس، بدین معناست که انسان با تفکر، عقل و اندیشه‌اش تصمیم مناسبی بگیرد و آنگاه تا رسیدن به آن هدف قاطعانه ادامه دهد. همچنین فرد باید یقین داشته باشد که در رسیدن به آنچه بر آن مصمم است، تواناست. بر این اساس از منظر آیات و

روایات بین تلاش و تغییر سرنوشت انسان و اطمینان و اعتماد به نفس، رابطه است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۱ و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست». همچنین فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

افزایش اعتماد به نفس نوجوانان می‌تواند از طریق مجموعه‌ای از رویکردها و روش‌ها صورت بگیرد که به آن‌ها کمک می‌کند تا ارتباط مثبتی با خود و دیگران داشته باشند و با چالش‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی بهتر کنار بیایند. یکی از راه‌های تقویت اعتماد به نفس نوجوانان، تشویق آن‌ها به تجربه موفقیت‌های کوچک است. برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف کوچک و تجربه موفقیت در آن‌ها، می‌تواند نقش مهمی در تقویت اعتماد به نفس نوجوانان ایفا کند. ایجاد فرصت‌هایی برای تجربه موفقیت و تشویق به پیشرفت در موارد مختلف از جمله تحصیلی، ورزشی و هنری، امکان ایجاد اعتماد به نفس در نوجوانان را فراهم می‌کند.

توجه به استعدادها و نقاط قوت فردی نیز می‌تواند در تقویت اعتماد به نفس نوجوانان مؤثر باشد. افراد باید از نقاط قوت و استعدادهای شان آگاهی پیدا کنند و به آن‌ها بها دهند. این شیوه می‌تواند اعتماد به نفس نوجوانان را نسبت به توانایی‌ها و استعدادهای شان افزایش دهد و احساس شخصیت و قدرت شخصی بیشتری را به ایشان ارائه نماید. البته باید توجه داشت که عدم اعتماد به نفس غالباً بر اثر فقدان امکانات و توانایی‌ها نیست؛ بلکه گاهی به دلیل عدم شناسایی خویش است. اگر انسان خود را بشناسد، دیگر احساس حقارت نمی‌کند و گوهر وجودی خود را با هیچ چیز عوض نمی‌نماید؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «من با نفس خود را با هیچ موجودی برابر نمی‌کنم، جز پروردگارم. تمام دنیا و غیر خدا را با این گوهر نفیس، برابر نمی‌کنم»^۱.

این جمله معروف ژان پل سارتر را به یاد داشته باشیم که می‌گوید: «اگر یک فلج قهرمان دو میدانی نشود، خود مقصر است». این جمله کنایه از توانایی و نیروی عظیم نهفته در وجود آدمی است. متأسفانه انسان‌ها نه تنها از ذخیره‌های درونی خدادای خود به گونه احسن استفاده نمی‌کنند؛ بلکه عموماً از این توانایی‌ها بی‌اطلاع هستند.^۱

تقویت ارتباط مثبت و سازنده با خود و دیگران نیز یکی از شیوه‌های اعتماد به نفس است.

۱. نجم: ۳۶؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۴۶.

۲. رعد: ۱۱؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

آموزش چگونگی برخورداری از مهارت‌های ارتباطی مؤثر به نوجوانان و نیز چگونگی حفظ ارتباطات مثبت و احترام‌آمیز با خود و دیگران، به تحقق اعتماد به نفس بیشتر در آن‌ها کمک می‌کند. از دیگر راهکارهای تقویت اعتماد به نفس نوجوانان، ایجاد محیطی حمایت‌کننده و ایجاد فرصت‌های یادگیری و رشد است. محیط‌های حمایت‌کننده و فرصت‌های متنوع برای یادگیری و رشد، موجب تقویت اعتماد به نفس نوجوانان می‌شود؛ زیرا آن‌ها احساس می‌کنند که محیط اطراف‌شان از پیشرفت و رشد آن‌ها حمایت می‌کند. در نهایت، مثبت‌نگری و ارزش‌گذاری از خود و دیگران نیز نقش مؤثری در تقویت اعتماد به نفس نوجوانان دارد. آموزش نوجوانان برای داشتن نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران و ارزش‌گذاری درست از خود و دیگران، می‌تواند به تقویت اعتماد به نفس‌شان کمک کند و زیرساخت‌های مستحکمی را برای پیشرفت و موفقیت در زندگی آینده فراهم نماید.

در این مجموعه از شیوه‌ها، افزایش اعتماد به نفس نوجوانان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با چالش‌های زندگی به بهترین شکل ممکن برخورد کنند و دستاوردهای بزرگی در زندگی خود به دست آورند. مجموعه این شناخت‌های درست از خود در کنار یادگیری مهارت‌های ارتباطی درست با دیگران، می‌تواند یک روحیه نقادگری نسبت به رفتار دیگران را برای نوجوان به همراه داشته باشد. نوجوانی که دارای این مهارت‌ها باشد و عزت نفس در او به درستی شکل گرفته باشد، به راحتی دروغین بودن زندگی سلبریتی‌ها و راه‌های موفقیتی را که آن‌ها توصیه می‌کنند، کشف می‌کند. این عزت نفس هم استقلال فکری را برای او به همراه دارد و هم استقلال رفتاری را که به راحتی تن به الگوهای ناسالمی همچون سلبریتی‌ها نمی‌دهد.

۳. ارائه الگوهای سالم

الگودهی مناسب می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا با چالش‌ها و تغییرات زندگی خود به بهترین شکل ممکن برخورد کنند و مسیری موفقیت‌آمیز برای رشد شخصیتی و تحقق اهداف‌شان داشته باشند. والدین می‌توانند از طریق ایجاد ارتباط نزدیک با فرزندان خود، آن‌ها را در مسیر مناسب رشد و توسعه شخصیتی هدایت کنند. تأکید بر ایجاد ارتباط گفتگو محور با نوجوانان، گوش دادن به نظرات آن‌ها و ارائه راهنمایی‌های سازنده می‌تواند نقش مؤثری در الگودهی فرزندان ایفا کند. مدرسه نیز می‌تواند با ارائه برنامه‌های تحصیلی و تربیتی مناسب، الگودهی مؤثری را به نوجوانان ارائه کند. ارتقای مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های انتخاب و تصمیم‌گیری و تشویق نوجوانان به پیشرفت تحصیلی، از دیگر شیوه‌های الگودهی در مدرسه است. یکی از توصیه‌های

مهم مقام معظم رهبری علیه السلام به دست‌اندرکاران وزارت آموزش و پرورش، الگوسازی برای نوجوانان و جوانان است که ایشان خود بهترین الگوها را برای نوجوانان و جوانان، شهدا معرفی می‌کنند:

باید در زمینه اخلاقی جلوتر رفت، منتها یکی از شرایطش این است که ما برای جوان‌ها مان الگو داشته باشیم... الگوسازی، یکی از اساسی‌ترین کارهاست. ما الگوهای خوب خیلی داریم... باید رفتار و صفات ارزشمند شهدا از جمله غیرت، همت، صداقت، سلامت، فداکاری، بینش والا، رفتار نیک با مردم و پدر و مادر، و همچنین دوستان در مقابل چشم نسل جوان امروز قرار داده شود. علاوه بر آموزش و پرورش، دستگاه‌های تبلیغاتی، صدا و سیما، دستگاه‌های دولتی و روحانیون نیز در معرفی الگوها و الگوسازی در جامعه، مسئولیت سنگینی بر عهده دارند.^۱

تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و ترویج رفتارهای مثبت و سازنده نیز از دیگر شیوه‌های الگودهی مناسب به نوجوانان است. ارائه مدل‌های نقش‌آفرین مثبت و تشویق به مشارکت فعال در امور اجتماعی و خیریه، از دیگر اقدامات الگودهی مناسب است. این شیوه‌های الگودهی مناسب به نوجوانان توسط والدین و مدرسه می‌توانند به فرایند رشد و تحول آن‌ها کمک کنند و زمینه مناسبی را برای پیشرفت شخصی و تحقق اهداف‌شان فراهم نمایند. این روش‌ها موجب توانایی نوجوانان برای مدیریت بهتر چالش‌ها، تصمیم‌گیری‌های موفق‌تر و رشد شخصیتی قوی‌تر خواهد شد.

۱. دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۰۲/۱۳.

فهرست منابع

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: مؤسسه فرهنگی-علمی دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، ۱۳۹۷ش.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۷ش.
۵. گروه مطالعات ایران، «سلبریتی‌ها و فرایندهای هویت‌یابی سیاسی-اجتماعی»، ماهنامه‌نامه هویت، شهریور ۱۳۹۹، شماره ۵۴.
۶. لطف آبادی، حسین، روانشناسی رشد کودک، نوجوان و جوان، تهران: نشر سمت، ۱۴۰۲ش.
۷. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، تصحیح سیدحسن خراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۸. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران: نشر کانیار، بی‌تا.
۹. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۰. نایار، پرامودکی، درآمدی بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی، ترجمه سعیدرضا عاملی، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶ش.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم - شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

رفتارشناسی والدین با فرزندان دهه هشتادی

اعظم نوری*

مقدمه

سبک زندگی امروزی موجب شده است هر نسل با نسل دیگر تفاوت‌های بسیاری داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که والدین از این همه تغییر در مقایسه با دوران جوانی و نوجوانی خود شگفت‌زده و گاه در نوع برخورد با نوجوانان و جوانان دچار سردرگمی می‌شوند یا با رفتارها و برخوردهای نامناسب با آنها، موجب بروز درگیری‌ها و تنش‌هایی در خانواده می‌گردند. در این میان متولدین دهه هشتاد، با توجه به تغییرات اجتماعی و گسترش رسانه‌های جمعی در این تمایزات بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. اهمیت شناخت این نسل با ویژگی‌های فردی و اخلاقی، زمانی روشن می‌شود که نگاهی به آینده داشته باشیم و بدانیم آنها، آینده‌سازان کشور ما هستند. البته به طور طبیعی نمی‌توان فرزندان را امتداد خط فکری و شخصیتی والدین دانست؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛^۱ فرزندان‌تان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند». از این سخن امام علیه السلام می‌توان برداشت کرد که تفاوت نسل‌ها، امری انکارناپذیر است.

ویژگی‌های دهه هشتاد

در بیان ویژگی‌های متولدین دهه هشتاد، لزوماً باید شرایط محیطی و تغییرات اجتماعی زمان آنها را مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که هر کدام تأثیرات زیادی بر سبک زندگی، روحیات و اخلاقیات آنها داشته‌اند. برخی از این ویژگی‌های مؤثر در شرایط آنها عبارتند از:

* کارشناس ارشد رشته تفسیر، پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده جامعه الزهر علیه السلام.

۱. عبد الحمید بن هبة الله ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۱. پدیده تک‌فرزندی

بیشتر فرزندان دهه هشتاد، در خانواده‌هایی متولد شدند که تنها یک فرزند یا دو فرزند دارند. این تغییر شکلی در خانواده، موجب تغییر هرم قدرت و مدیریت در خانواده‌ها شد و فضای خانواده به سمت فرزندسالاری کشیده شد؛ نسلی که به جای شناخت و تأکید بر مسئولیت‌ها، بیشتر به حقوق خود و وظایف والدین و جامعه در برابر خود تأکید دارند.^۱

۲. گسترش فضای مجازی

مهم‌ترین وجه تمایز نسل دهه هشتاد نسبت به دیگر نسل‌ها، گسترش نامحدود فضای مجازی و ورود گوشی‌های هوشمند به زندگی بود که در مقایسه با نسل‌های قبل جای روابط فامیلی و اجتماعی چهره به چهره و مواجهه با مسائل مختلف در فضای حقیقی را گرفت. درک این نسل از واقعیات جهان، از پنجره رسانه و فضای مجازی است. متأسفانه غالب این فضا در دست کسانی است که نه تنها عقاید و باورهای فرهنگی، دینی و حتی ملی ما را باور ندارند؛ بلکه نابودکننده آن‌ها نیز هستند. گاهی جوانان و نوجوانانی را می‌بینیم که ساعت‌ها گوشی به دست در ساعات طولانی شبانه‌روز مشغول دریافت آموزه‌ها و مطالب گاه نادرست، رویایی و مخالف با فرهنگ و مناسبات انسانی و اخلاقی ما هستند.

۳. گسترش ارتباطات و دوستی‌ها میان دختر و پسر

یکی از اموری که برای نسل‌های قبل از دهه هشتاد به عنوان یک تابو و ضدفرهنگ شناخته می‌شد، ارتباطات میان نامحرمان در سنین نوجوانی و جوانی بود. به طور طبیعی بلوغ و ویژگی‌های آن، در این نسل موجب علاقه و کنجکاوی به جنس مخالف شده و با فراگیر شدن فضای مجازی و بی‌توجهی برخی والدین به نهادینه کردن ارزش‌هایی مانند حیا و خویشتنداری، این ارتباطات خارج از چارچوب را افزایش داده است. عوامل دیگری مانند نیاز به محبت و پنداشتن ارتقای سطح شخصیت اجتماعی با این دوستی‌ها و نیز عادی‌سازی این روابط در رسانه‌ها، در گسترش این روابط مؤثر بوده است.^۲

متأسفانه روابط آزاد با نام‌های گوناگون که به غلط نوعی نشان تجدد و روشنفکری نسل جوان

۱. فاطمه علیزاده، محمد مهدی کریمی‌نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی در جامعه با نگاه به

دستورات اسلامی»، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ص ۷۹.

۲. احمدحسین شریفی، همیشه بهار (درس آداب و سبک زندگی اسلامی)، ص ۱۳۷.

و گاه والدین آن‌ها شمرده می‌شود، نتیجه این فرایند است. در مقابل بخش دیگری از جامعه نگاه خوبی به روابط دختر و پسر ندارند و آن‌ها را مورد مذمت قرار می‌دهند که موجب فشارهای روحی و روانی به آن‌ها می‌شود؛ زیرا در فضای فرهنگی جامعه خود را در معرض بدگمانی و سرزنش قرار می‌دهند. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ وَصَّعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التَّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ آسَأَ بِهِ الظَّنَّ؛^۱ آن که خود را در جاهایی که موجب بدگمانی است، قرار دهد، آن که را که گمان بد ببرد، سرزنش نکنند».

۴. تهاجم فرهنگی و عدم معرفی الگوهای مناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی

با توضیحاتی که در بحث فضای مجازی گذشت، به بخشی از آسیب‌های فرهنگی در این دهه اشاره شد. این امر نتیجه عدم وجود سواد رسانه در اغلب والدین و ناآشنایی آن‌ها با قواعد و فضای حاکم بر آن است؛ در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند نظارت مناسبی بر عملکرد فرزند جوان و نوجوان خود در این عرصه داشته باشند. از سوی دیگر مسئولان مربوطه نیز در برهه‌ای از زمان هرگز به اهمیت فضای مجازی، نحوه و میزان تأثیر آن بر نسل جوان توجهی نداشته‌اند و شاید ضرورت اینترنت ملی برای برخی هنوز ناشناخته است. در همین زمان با ناآگاهی والدین، نظام ارزشی این نسل با تمام آزادی‌های فردی و اجتماعی، بازی‌های جذاب اینترنتی همراه با خشونت و ناهنجاری‌های جنسی، موسیقی‌های نامناسب و محرک که گاه هیچ نظارتی بر آن وجود ندارد، بر اساس شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

۵. هنجارشکنی در پوشش و آرایش ظاهری

توجه به ظاهر و آراستگی و تمایل به دیده شدن در دهه هشتادی‌ها بیشتر است که بخشی از آن، طبیعی و بخشی نیز تا حد زیادی نتیجه گسترش فضای مجازی در میان این گروه سنی است. گویی آلبوم عکس‌های شخصی، جای خود را به صفحات فضای مجازی داده‌اند. لباس‌ها و آرایش‌های غیر متعارف، علاقه به عمل‌های زیبایی بی‌رویه و غیر ضروری و نمایش آن‌ها در اماکن عمومی و صفحات اینترنتی به نوعی سبک زندگی بدل شده است.

البته تمایل انسان به زیبایی ظاهری و آراستگی به‌ویژه در سنین نوجوانی و جوانی، امری طبیعی است که از نظر ائمه علیهم السلام نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در روایتی آمده است که امام علی علیه السلام همراه غلام خود قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو لباس تهیه کردند که یکی

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

زیباتر و گران‌تر و دیگری ساده و ارزان‌قیمت بود. لباس گران‌تر را به قنبر دادند و فرمودند: «تو جوانی و شور و شوق جوانی در سر داری و باید آن را که بهتر است، بپوشی»^۱. در گسترش ناهنجاری‌های ظاهری نمی‌توان تنها تمایل به زیبایی را مطرح نمود؛ بلکه گروه‌های دوستان، فضای مجازی، کمبود اعتماد به نفس، تبلیغات وسیع لوازم آرایشی که به دنبال بازار مصرف و سودآوری هستند؛ موجب می‌شود نوجوانان و بیشتر دختران به صورت افراطی به ظاهر و سبک پوششی رو آورند که هیچ تناسبی با فرهنگ ملی و دینی ما ندارد.

راهکارها و رفتارهای مناسب والدین

۱. فرزندآوری و بیشتر شدن تعداد فرزندان در خانواده

در سبک زندگی اسلامی، تولیدمثل و فرزندآوری امری پسندیده بوده و همواره مورد سفارش و ترغیب قرار گرفته است؛ چنانکه برخی آیات بیانگر دعاهای انبیای الهی در مورد درخواست فرزند از خداوند است: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ»^۲ و «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ»^۳.

با نگاهی به خانواده‌های تک‌فرزند می‌بینیم که گاهی آن‌ها نیز این سبک زندگی را نمی‌پسندند و تک‌فرزندانی هستند که آرزوی داشتن خواهر و یا برادری دارند. از سوی دیگر والدین آن‌ها نیز به اجبار شرایط اقتصادی یا تغییر فرهنگ جامعه در فرزندآوری از داشتن فرزند بیشتر امتناع می‌کنند؛ این در حالی است که از نظر اقتصادی، بر اساس اعتقادات اسلامی اصل بر رازقیت خداوند است: «وَيَكُنَّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ»^۴ خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده یا تنگ می‌گرداند». از سویی شاید بتوان گفت بر اساس قاعده نفی سبیل^۵، نداشتن فرزند یا تک‌فرزندی در عصر حاضر موجب کاهش جمعیت مسلمین در برابر افزایش جمعیت غیر مسلمانان، امری مذموم و غیرشرعی است. گاهی والدین می‌گویند در حال حاضر و در حالی که فرزندی دهه هشتادی داریم، به دلیل اختلاف سنی با

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۴.

۲. آل عمران: ۳۸.

۳. صافات: ۱۰۰.

۴. قصص: ۸۲.

۵. نساء: ۱۴۱.

فرزندان نمی‌توان اقدام به فرزندآوری کرد، در جواب باید گفت امام حسین علیه السلام هنگام شهادت ۵۷ سال داشتند که پدریک فرزند شش ماهه بودند.

۲. افزایش معرفت دینی

شناخت صحیح احکام الهی به‌ویژه درباره مرزهای لازم میان نامحرمان و معرفی فلسفه و آثار مثبت آن‌ها در زندگی اجتماعی و فردی بسیار مهم است. اگر فرزندان ما از همان کودکی به تدریج با نقش خاص خود به عنوان دختر و پسر آشنا شوند، هنگام بلوغ نیز پذیرش و التزام به این مرزها کار مشکلی نخواهد بود. به دلیل شرایط اجتماعی موجود و وجود آموزش و پرورش، خانواده آموزش مسائل دینی و احکام شرعی را به نهادهای آموزشی واگذار کرده است؛ در حالی که یکی از وظایف مهم والدین، آموزش احکام شرعی و نهادینه‌سازی اعتقادات دینی آن‌هاست. آموزش این حدود و رعایت آن‌ها، نشانه عقب‌ماندگی و یا محدودسازی فرزندان نیست؛ بلکه بیانگر توجه خانواده به رفتار اجتماعی است.^۱ والدین نیز در عمل موظفند به طور نامحسوس محیط زندگی و تحصیل فرزندشان را سالم‌سازی کنند. برای مثال اگر فرزندشان در کلاس تفریحی یا آموزشی شرکت می‌کند، مراقبت کنند که آن محیط مختلط نباشد. این کنترل‌های بیرونی، گام مهمی در سلامت اخلاق نوجوانان است.

۳. زمینه‌سازی برای تفریحات و آزادی‌های مشروع

به طور طبیعی متولدین دهه هشتاد مانند والدین خود که معمولاً متولدین دهه شصت هستند، نمی‌اندیشند و با توجه به شرایط اجتماعی به تفریحات و شادمانی بیشتری نیازمندند. والدین نباید با سختگیری و محروم کردن فرزندان‌شان از شادی‌ها و تفریحات سالم، باعث دوری از خانواده و مخفی‌کاری آن‌ها شوند. یکی از دختران امام خمینی علیه السلام از ایشان نقل می‌کنند که می‌فرمود: «دخترتان تا تکلیف نشده، حجاب لازم نیست؛ می‌تواند هر رنگی که می‌خواهد بپوشد، ولی وقتی تکلیف شد؛ دیگر نگویند عیب ندارد... گاهی سلیقه‌های مختلف پدر و مادر مسائل شرع را تغییر می‌دهد یا از اصل برمی‌گرداند».^۲ این سخن امام علیه السلام حاکی از رعایت دقیق احکام شرعی و پرهیز از افراط و تفریط در رابطه با مسائل شرعی نسبت به فرزندان است.

۱. محبوبه جوکار، «راهکارهای جلوگیری از روابط ناسالم دختر و پسر در جامعه»، فصلنامه طهورا، شماره ۵، ص ۱۴۳.

۲. امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۱.

برخی والدین چون نوجوانان‌شان در سن تحصیل یا آمادگی برای کنکور هستند، آن‌ها را از هر تفریح و سرگرمی منع می‌کنند؛ در حالی که در روایات امامان معصوم علیهم‌السلام باید بخشی از اوقات برای تفریحات و لذایذ زندگی اختصاص یابد؛ چنانکه از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است: «اوقات روز شما چهار بخش باشد؛ بخشی برای تأمین معاش، بخشی برای عبادت، بخشی برای معاشرت با برادران و بخشی برای تفریح و سرگرمی».^۱ بنا بر آیات قرآن نیز هنگامی که فرزندان یعقوب می‌خواستند یوسف علیه‌السلام را با خود ببرند، ورزش و بازی را بهانه کردند: «ارِسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَب»^۲ و این امر بهانه‌ای بود که حضرت یعقوب علیه‌السلام در برابر آن سکوت کند؛ سکوتی که نشان از رضایت و بیانگر تأیید این کار است.^۳

۴. توجه به نیاز فرزندان در آراستگی و هدایت آن به سمت و سوی مناسب

بر اساس روایت امام علی علیه‌السلام تمایل جوانان و نوجوانان به زیبایی و آراستگی ظاهری امری طبیعی است، اما توجه افراطی و ایجاد ظاهر نامتعارف، نوعی هنجارشکنی و بر اساس تربیت نادرست صورت می‌گیرد. برای مثال والدینی که از کودکی تمایل زیادی در آراستگی غیرمتعارف فرزندان به‌ویژه دختران دارند و بزرگ‌ترین حُسن آن‌ها را زیبایی می‌دانند یا اسباب‌بازی‌هایی مانند لوازم آرایشی برای آن‌ها تهیه می‌کنند، ناخودآگاه فرزندان خود را در این مسیر سوق می‌دهند و گاه استفاده افراطی از این لوازم در نوجوانی و جوانی نتیجه این رفتار والدین است. خانواده می‌تواند با دادن اعتماد به نفس و ذکر ویژگی‌های مثبت آن‌ها مانند هوش و ذکاوت، آموزش مهارت‌های مختلف اعتماد به نفس را در فرزندان‌شان زنده کنند تا آن‌ها نیازی به کسب اعتماد به نفس در ایجاد تغییرات ظاهری نداشته باشند.

برخی والدین نیز تغییرات دوران نوجوانی مانند جوش‌های پوستی، تغییرات چهره و صدا را برای نوجوانان پررنگ می‌کنند؛ در حالی که می‌توان آن‌ها را با معرفی روش‌های صحیح ورزش، مصرف غذای سالم و دوری از تقلید کورکورانه از الگوهای نامناسب و تکیه بر ویژگی‌های مثبت نوجوان، به سمت و سوی زندگی سالم و متعادل رهنمون نمود.

۵. کنترل فضای مجازی

برخی والدین کنترل فضای مجازی و سالم‌سازی و مدیریت آن را بر عهده مسئولان می‌دانند و

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۴۰۹.

۲. یوسف: ۱۲.

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۳، ص ۱۱۲.

معتقدند در این زمینه کاری از آن‌ها ساخته نیست. هر چند این مسئله نیازمند توجه مسئولان است؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی برای تشکیل شورای عالی فضای مجازی دستورات مهمی را ابلاغ کردند،^۱ اما وظایف خانواده و والدین را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. خانواده، اولین مکانی است که فرزندان در آن با ارزش‌ها و فضایل و رذایل اخلاقی آشنا می‌شوند. اگر خانواده نقش آموزشی و کنترلی خود را به خوبی ایفا کند، به یقین آسیب‌های اجتماعی از طرف فضای مجازی و جریانات ضد ارزش و ضد فرهنگ نیز کاهش خواهد یافت. والدین باید تلاش کنند در مرحله اول خود با ضرورت‌ها و چالش‌های موجود آشنا شوند و سپس الگوی مناسبی را از خود برای فرزندان ارائه و با استفاده از آموزش‌ها و محیط‌های مناسب فرزندان خود را در برابر خطرات ایمن کنند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «بادروا أحداثکم بالحديث قبل أن تسبقکم إلیهم المُرَجَّه»^۲ نوجوانان خود را پیش از آنکه فرقه مرجئه به سراغ‌شان روند، حدیث بیاموزید». حضرت در این سخن به والدین هشدار داده است که تا جوانان‌شان در دام این گروه گرفتار نشده‌اند، خود به تغذیه فکری فرزندان‌شان اقدام کنند.

گروه مرجئه مثالی برای منحرفان فکری در آن زمان است، اما امروز گروه‌های منحرف بسیاری هستند که با قدرت رسانه در صدد گسترش فساد، گسستن بنیاد خانواده و گاه براندازی حکومت‌های اسلامی مخالف با سلطه غرب هستند. مهم‌ترین دلیل حضور نسل دهه هشتادی در کف خیابان و بدون اطلاعات واقعی در اغتشاشات گذشته، مواجهه آن‌ها با شبکه‌های اجتماعی بود که با دادن اطلاعات غلط، تحریک و تشجیع آن‌ها برای مخالفت و حضور در خیابان، برنامه‌های گسترده‌ای تولید و پخش می‌کردند. از سوی دیگر متأسفانه غالب فضای مجازی در دست دشمنان است و بسیاری از ارزش‌ها و اعتقادات صحیح اسلامی و سیاسی، حماسه دفاع مقدس با کم‌کاری و بی‌برنامگی در فضای مجازی در محتوا و قالب مناسب به نوجوانان ارائه نشده است. برای مثال هر ساله در ۲۲ بهمن چه اندازه برنامه‌های آموزشی و اعتقادی برای این نسل در نظر گرفته‌ایم؟^۳ جوان امروز ما تا چه اندازه نوابغ جنگ تحمیلی و دانشمندان معاصر و غیر معاصر ما را می‌شناسند؟ مقام معظم رهبری علیه السلام؛ گاه به برخی از این

۱. حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۰/۱۲/۱۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

۳. خبرگزاری تسنیم، «تأملاتی درباره نوجوان حاضر در اغتشاشات: کش‌های اخیر نوجوانان، تبعه «هویت‌یابی» آنان است»، ۱۴۰۱/۰۸/۱۷، کد خبر: ۲۷۹۷۶۷۶.

بزرگ مردان و بزرگ زنان در سخنرانی‌ها اشاره می‌کنند^۱ که لازم است والدین و مسئولان در این مورد، با ارائه آموزش‌های لازم به نوجوانان خود آگاهی دهند.

۶. سوق دادن فرزندان به اشتغال و حضور در جلسات مذهبی

با توجه به شرایط زندگی دهه هشتادی‌ها مانند تک فرزندی و اختصاص اوقات فراوان به فضای مجازی، نوعی بی‌مسئولیتی را در آن‌ها ایجاد کرده است که موجب کم‌رنگ شدن پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در آن‌ها شده است. خانواده‌ها موظفند برای کاهش آسیب‌های وارده به فرزندان‌شان، آن‌ها را به سوی اشتغال یا حرفه‌آموزی و یا حضور جلسات مذهبی متناسب با سن و روحیات آنان سوق دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه کسی را می‌دید و از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید شغلی هم دارد؟ اگر می‌گفتند ندارد، می‌فرمود: «از چشمم افتاد».^۲ تحقیقات نشان می‌دهد که وجود هیأت‌ها و جلسات مذهبی در سطح شهرها در دادن گونه‌ای هویت اجتماعی - مذهبی مناسب به نوجوانان تأثیر بسزایی داشته‌اند و آن‌ها از نظر هویت اجتماعی کمتر دچار آشفتگی شده‌اند.^۳

نتیجه‌گیری

بخش اعظم جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بر دوش جوانان است و آن‌ها هستند که باید مسئولیت‌ها را در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های اخلاقی و معنویت و عدالت بپذیرند و انقلاب را به آرمان‌های خود نزدیک کنند. به روایت مقام معظم رهبری علیه‌السلام، برکات دهه هشتاد و نودی‌ها را آیندگان خواهند دید. دشمن متوجه ذهن فعال نوجوان و جوان امروزی و صاحب تحلیل و فکر بودن او شده است و برای مقابله با آن از طریق تولید و تکرار حجم عظیم محتوای دروغ در شبکه‌های مجازی اقدام می‌کند. مسئولین رسانه‌ها و امور ارتباطات وظیفه دارند که در زمینه تولید محتوا و جهاد تبیین و برنامه‌ریزی برای آن احساس مسئولیت کنند.^۴

۱. مانند فرنگیس، یک زن قهرمان در دوران جنگ با دلاوری در برابر نیروهای نظامی دشمن جنگید، تجلیل از کتاب

دختر شینا، تجلیل از دکتر کاظمی که مقام معظم رهبری علیه‌السلام از ایشان به عنوان شهید نام بردند.

۲. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۱۱.

۳. علی اصغر احمدی، «تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران»، ص ۱۱۰.

۴. دیدار دانش‌آموزان با رهبر انقلاب، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تهران: نشر بین الملل، ۱۳۹۲ ش.
۳. احمدی، علی اصغر، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸ ش.
۴. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، نشر دارالتعارف، ۱۴۲۱ ق.
۵. ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران: نشر پنجره، ۱۳۸۰ ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۷. شریفی، احمد حسین، همیشه بهار (درس آداب و سبک زندگی اسلامی)، قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه)، ۱۳۹۸ ش.
۸. علیزاده، فاطمه، محمد مهدی کریمی، و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب شناسی تک فرزندی در جامعه با نگاه به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، شهریور ۱۴۰۰، شماره ۴۰، ص ۷۹.
۹. قرآنتی، محسن، تفسیر نور، قم: نشر مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. یوسفی، سهیل و علی افتخاری، «تأثیر فضای مجازی بر میزان بزهکاری جوانان»، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روان شناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷.

تبلیغ خانواده

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم - شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

کمک‌های فکری و عاطفی و مالی به جوانان در شروع زندگی مشترک

نقیسه قنبری*

مقدمه

خداوند متعال زن و مرد را از یک سرشت آفرید و با ازدواج، آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داد تا در آرامش به رشد و کمال نائل آیند. در راستای این سعادت‌مندی، باید بتوان با هموار نمودن مسیر ازدواج و آگاهی‌دادن به هر یک از زن و مرد، زندگی توأم با مودت و رحمت را برایشان ایجاد کرد. از آنجا که سلامت خانواده و جامعه دو مقوله درهم‌تنیده و سلامت خانواده، منوط به آگاهی علمی و عملی هر یک از زوجین نسبت به خود و توانایی‌هایشان در جهت‌دهی صحیح اعضای خانواده است، اهمیت این امر به حدی است که مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بند دهم سیاست‌های کلی خانواده بر ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده برای استحکام خانواده تأکید نمودند. در نوشتار حاضر به بررسی کمک‌های فکری، عاطفی و مالی به جوانان در شروع زندگی مشترک پرداخته شده است.

جایگاه و اهمیت خانواده

در اسلام، خانواده محبوب‌ترین نهاد بشری نزد خداوند است که هدف از تشکیل آن، تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان همچون دست‌یابی به آرامش است.^۱ از نگاه اسلام خانواده به عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن، به سعادت یا شقاوت جامعه انسانی منجر خواهد شد. ارزش و اهمیت تشکیل خانواده به سبب تأمین سلامت روانی، آرامش، عشق و الفت میان زوجین و نیز والدین و فرزندان است. خداوند متعال در آیه **«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا**

* دانش‌آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء علیها السلام.

هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۱، بر نقش خانواده در تشکیل جامعه آرمانی اشاره نموده و عامل پیوندهای سالم خانوادگی را دعای انسان‌های پرهیزکار معرفی کرده است.

کمک‌های فکری و عاطفی به جوانان در شروع زندگی مشترک

۱. مشاوره‌های پیش و حین ازدواج

از آنجا که تغییراتی در جامعه صورت گرفته است و جامعه از حالت سنتی به حالت مدرن در حال حرکت است، ازدواج در جامعه کنونی نیز متأثر از فرهنگ مدرنیته است. بر این اساس جوانان برای درامان ماندن از فرهنگ غربی که با فرهنگ اسلامی در تعارض است، باید بررسی کنند که آیا ازدواج آن‌ها از تمام ابعاد همچون بلوغ روانی، جسمی، عاطفی، طبقات اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی همخوانی دارند یا خیر. در بسیاری از مواقع جوانان خواهان ازدواج با فردی بالاتر یا پایین‌تر از خود هستند که معمولاً چنین ازدواج به شکست منجر می‌شود. ازدواج، پیوند قلبی و روحی میان زن و مرد، و هدف از آن ایجاد محیطی صمیمی برای رشد و شکوفای اعضای خانواده است که لازمه‌اش کفویت در اعتقادات و تناسب روحی و فکری و اخلاقی است.^۲ بر این اساس مشاوره‌های قبل و حین ازدواج، عامل مهمی در تحکیم رابطه زوجین و سلامت آنان است. بر این اساس مشاوره قبل از ازدواج موجب می‌شود که افراد با آگاهی بیشتری نسبت به نقاط قوت و ضعف همدیگر وارد عرصه زندگی شوند؛ زیرا این باورهای عامیانه که زن و شوهر بعد از ازدواج رفتارهای خوبی خواهند داشت و یا مشکلات رفتاری‌شان حل خواهد شد، قابل قبول نیست. بنابراین مشاوره پیش از ازدواج بسیار حائز اهمیت است، از این‌رو در گزاره‌های دینی مشورت در تمام عرصه زندگی سفارش شده است: «وَأْمُرْهُمْ بِشُورَىٰ بَيْنَهُمْ».^۳ امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعَزِمَ وَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ»؛^۴ قبل از اینکه تصمیم بگیری، مشورت کن و پیش از اینکه به کاری اقدام کنی، اندیشه نما». آن حضرت در سخن

۱. فرقان: ۷۴.

۲. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناختی خانواده، ص ۸۲.

۳. شورا: ۳۸.

۴. علی بن محمد لیلی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹۸.

ارزشمند دیگری فرموده است: «وَلَا مُظَاهَرَةَ كَالْمَشُورَةِ»^۱ و هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت نیست». از آنجا که بیشتر زوجین در دو سال آغازین زندگی مشترک به علت شناخت کمی که از وظایف و کارکردهای زندگی دارند، با ناسازگاری مواجه می‌شوند؛ مشورت در حین ازدواج اهمیت بسیاری دارد. اگر زوجین ملاک‌های پایدار زندگی زناشویی را از طریق شرکت در کارگاه‌های آموزشی و استفاده از کتاب، نرم‌افزار و ... دریافت کنند، مهارت‌های ارتباطی و افزایش تعاملات مثبت را نیز فراخواهند گرفت؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «الْإِسْتِبْدَادُ بِرَأْيِكَ يُزِلُّكَ وَيُهَوِّزُكَ فِي الْمَهَاوِي»^۲ (بر حذر باش) استبداد و خودرأیی تو را می‌لغزاند و در پرتگاه‌های سقوط نگونسارت می‌کند».

۲. تقویت بهداشت و سلامت روانی

از آنجا که حالات جسم و روح در یکدیگر تأثیرگذار هستند، اختلال و ناهنجاری هر یک می‌تواند در دیگری نیز تأثیر گذارد. بنابراین جوانی که در آستانه سن ازدواج است، باید با ارتقای بینش و کسب مهارت‌های رفتاری در پیشگیری از بروز چنین موانعی تلاش کند. برای تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده، داشتن رابطه صمیمانه میان زوجین بسیار ضروری است؛ زیرا این رابطه نقش خاص و مثبتی در زندگی دارد. زمانی که عشق و محبت و مشارکت در زندگی حاکم باشد، صمیمیت به وجود می‌آید و موجب تداوم زندگی مشترک می‌شود و زوجین در برابر مشکلات فردی و اجتماعی توانمند می‌شوند. البته این امر نیازمند تقویت ایمان و اخلاق است. خداوند ذیل آیه ۲۱ سوره روم، سکون و آرامش برای زوجین را نتیجه ازدواج دانسته است. بر این اساس وقتی زوجین تحت ولایت الهی و آرامش حاصل از ایمان در کنار یکدیگر قرار گیرند، بهتر می‌توانند برای آرامش بخشی یکدیگر گام بردارند. به فرمایش امام خمینی علیه السلام:

قلبی که در آن نور توحید و معرفت کمال مطلق تابیده باشد، دارای طمأنینه، ثبات، تأنی و قرار است که مجاری امور را به قدرت خداوند می‌داند و زمام امر موجودات را به دست خود آن‌ها نمی‌داند. چنین قلبی اضطراب و شتابزدگی و بی‌قراری ندارد.^۳

آرامشی که اساس تشکیل خانواده است، سرمایه برای رسیدن به رشد و تکامل انسانی است که همان فلسفه آفرینش است و خداوند در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا

۱. همان.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۱.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۶۲ و ۳۶۳.

ایماناً»^۱ آرامش را موجب افزایش ایمان دانسته است.^۲ بنابراین زوجین برای تقویت سلامت روانی باید ابتدا روح خود را به بارگاه باری تعالی پیوند دهند، سپس در پی افزایش روح ایمان در زندگی مشترک همسر خود را یاری کنند تا در سایه ایمان به خداوند، به آرامش دست یابند.

۳. آگاهی از تفاوت‌های رفتاری زن و مرد

شناخت خصوصیات جنس مخالف در امر ازدواج اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا موجب می‌شود که فرد در تعامل با همسرش رفتار مناسبی داشته باشد. با شروع زندگی مشترک زن و مرد جایگاه جدیدی پیدا می‌کنند و باید نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی را پذیرا باشند. بهترین زمان آموختن این حقوق و تکالیف، همان سنین آستانه ازدواج است. از نظر روان‌شناسان دنیای مردان، استدلالی و دنیای زنان، عاطفی و احساسی است و زنان بیشتر نیازهای احساسی خود را می‌بینند.^۳ بر این اساس راز صمیمیت میان آن‌ها، آگاهی از تفاوت‌های یکدیگر و درک همدیگر است. مردان در مواجهه با مشکلات برای حل آن‌ها در عالم ذهن خود هستند و تمایلی به سخن گفتن ندارند، در حالی که زنان تمایل به حرف زدن دارند. بنابراین گوش کردن فعال به سخنان زنان در زمان رویارویی آنان با مشکلات و راحت گذاشتن مردان در این شرایط برای تمرکز بر روی ذهن، یکی از تفاوت‌هایی است که توجه به آن، موجب برقراری احترام متقابل میان زوجین می‌شود.^۴ نوع بروز احساسات مردان و زنان نیز متفاوت است. مردان اغلب نمی‌توانند مانند زنان احساسات خود را به صورت کلامی بروز دهند؛ بلکه ابراز احساسات آنان فیزیکی است. توجه به این نکته، موجب درک متقابل زوجین به ویژگی‌های عاطفی یکدیگر می‌شود.^۵ از دیگر تفاوت‌های زنان و مردان، آن است که مردان نمی‌توانند هم‌زمان هم صحبت کنند، هم فکر کنند و هم احساس نمایند؛ در حالی که این سه ویژگی هم‌زمان در زنان قابل جمع است.^۶ از همین روست که صاحب‌نظران معتقدند کسب مهارت‌ها، از جمله آمادگی‌های لازم برای ازدواج است که به دست آوردن آن پیش از ازدواج ضروری است.

۱. فتح: ۴ «او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند».

۲. محسن عباسی ولدی، تا ساحل آرامش، ص ۱۹.

۳. جان‌گری، خواسته زن‌ها و مرد‌ها، ص ۲۷۹.

۴. محمدرضا شریفی، خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، ص ۶۴.

۵. باربارا دو آنجلس، دفترچه راهنمای طرز استفاده از مردان، ص ۱۴۷.

۶. آلن و باربارا پیز، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، ص ۸۷.

۴. کسب مهارت‌های لازم قبل از ازدواج

اگر چه مهارت‌های لازم پیش از ازدواج شامل موارد بسیاری می‌شود، اما در ادامه به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. مهارت ابراز صمیمیت

یکی از مهارت‌های قبل از ازدواج، مهارت ابراز صمیمیت است؛ یعنی توانایی ابراز محبت و صمیمی بودن که یکی از نشانه‌های رشد و بلوغ عاطفی جوان است. اگر زوجین محبت و عشق ورزیدن را یاد نگرفته باشند، بعد از مدت کوتاهی به راحتی زندگی مشترک‌شان به شکست منتهی می‌شود؛ زیرا قادر به تحمل طرف مقابل خود نیستند و نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای عاطفی همدیگر باشند. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۱ سوره روم، کلمه «مودت» را محبتی دانسته‌اند که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد و «رحمت»، نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات دهد و نقصش را رفع کند.^۱ از نظر مقام معظم رهبری «عَلَّمَهُ»، محبت زن و شوهر محبت خدایی و در نتیجه محبت حقیقی و ممدوح است که زوجین موظفند برای رشد و دوام این محبت تلاش کنند. البته این یک امر جبری و فرمایشی نیست.^۲ اهمیت ابراز صمیمیت و محبت در حدی است که طبق فرموده امام رضا «عَلَّمَهُ» زنی که به همسرش محبت می‌کند و عشق می‌ورزد، دستاوردی گرانبهاست: «وَإِعْلَمَنَّ أَنَّ النِّسَاءَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيْمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِرَوْحِهَا وَالْعَائِقَةُ لَهْ؛^۳ بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گرانبها و تاوان [رنج‌های آدمی] هستند و این زن، کسی است که به شوهرش محبت می‌کند و عاشق اوست».

ب. مهارت‌های حل اختلاف

بروز اختلاف بین افراد، امری عادی و طبیعی است؛ اما مهم‌تر از آن این است که افراد باید نسبت به حل این اختلافات اشراف داشته باشند و بتوانند اختلاف یا سوءتفاهمات خود با دیگران را به‌گونه‌ای منطقی و مسالمت‌آمیز حل کنند. گوش دادن فعال به سخنان همسر، تلاش برای

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21433>

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

درک نمودن و پذیرش احساسات او و استفاده از راهکارهای کاهش ناراحتی‌ها می‌تواند در حل اختلاف مؤثر باشد. مدیریت اختلاف، از آگاهی‌های قبل از ازدواج است که از اهمیت بسیاری برخوردار است و موجب می‌شود که زوجین بتوانند با آرامش و منطقی سوءتفاهمات و مشکلات را حل کنند. یکی از توصیه‌های اخلاقی اسلام در تداوم روحیه سازش میان همسران، پرهیز از توقعات نابجا نسبت به همدیگر است که موجبات کدورت و نفرت بین زوجین می‌شود. بنابراین شایسته است که همسران در تمام امور زندگی توقعات خود را کنترل کنند تا موجب استحکام خانواده شوند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین زنان را زنی دانسته‌اند که با محبت و سازگار باشد: «خَيْرُ نِسَائِكُمْ لَوْ دُوِدُ الْوُلُودِ الْمَوَاتِيَةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ»^۱ بهترین زنان شما، زنان مهربان فرزندآور سازگار هستند و بدترین آن‌ها، زنان لجباز هستند».

بنابراین زوجین باید با محبت و صمیمیت، ریشه اختلافات را از بین ببرند و سعی کنند موجبات خشم و ناراحتی همسر را فراهم نکنند و در صورت خشم همسر، با مدارا برخورد نمایند؛ چنانکه در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حق مرد بر زن، محبت و دلسوزی بر همسر بیان شده است که باید از خشم وی دوری گزیند و آنچه را که مورد رضایت اوست، انجام دهد:

لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَ تَوَدَّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُوفِيَ بَعْهْدِهِ وَ وَعْدِهِ؛^۲

حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند و از خشم وی دوری گزیند و آنچه را که مورد رضایت اوست، انجام دهد و به پیمان و وعده وی وفادار باشد.

۵. کمک مالی به جوانان در شروع زندگی مشترک

برای تسهیل ازدواج جوانان می‌توان به آن‌ها به شیوه‌های مختلف کمک مادی کرد که شأن وجودی آن‌ها نیز حفظ شود. در ادامه به دو مورد از این شیوه‌ها اشاره می‌شود.

الف. تسهیل در امر ازدواج

آموزه‌های اسلامی همواره بر تأثیرگذاری بر امر ازدواج تأکید کرده است؛ زیرا اگر ازدواج در جامعه‌ای آسان انجام شود، بسیاری از مفاصل رفع خواهد شد؛ چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند:

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۲۴۴.

وَمَنْ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ امْرَأَةً يَأْتِسُ بِهَا وَتَشُدُّ عَضُدَهُ وَيَسْتَرْيِحُ إِلَىٰهَا، زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَأَنْسَهُ بِمَنْ أَحَبَّ مِنَ الصِّدِّيقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَإِخْوَانِهِ وَأَنْسَهُمْ بِهِ؛^۱ هر که برادر مؤمن خود را زن دهد تا با زن انس بگیرد و به وسیله‌اش بازویش محکم شود و آسایش یابد، خداوند او را از حورالعین بهشت زن دهد و با هر کس از صدیقان خانواده و برادرانش که دوست داشته باشد، همدمش کند و آنان را با وی انس و الفت دهد.

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی فرموده‌اند: «مَنْ زَوَّجَ عَزْبًا كَانَ مَمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^۲ هر کس بی‌زنی را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نظر می‌افکند». تأمین هزینه‌های لازم برای ازدواج اهمیت بسیاری دارد؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوشبختی فرد را در پرداختن هزینه ازدواج زن بی‌شوهر دانسته‌اند.^۳ اهمیت این مسئله از این‌روست که محفوظ ماندن دین انسان، در گرو ازدواج است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي»؛^۴ هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است، پس درباره نصف دیگرش تقوی پیشه کند».

این حدیث بیانگر آن است که هر کس ازدواج کرده است، نیمی از دینش را حفظ کرده است و باید در نصف دیگر، تقوای خدا را پیشه کند. این حدیث، از جمله احادیثی است که نقش هزینه‌های مادی زندگی را در حیات روحی آشکار می‌کند. از آنجا که ازدواج مستلزم هزینه‌هایی است، کمک به جوانان در تأمین هزینه‌های امر ازدواج عامل حفظ دین‌شان است و موجب سلامت جامعه اسلامی می‌شود.^۵ در حدیثی از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

خداوند متعال در اموال ثروتمندان نظر کرد و در پی آن، به فقیران نگرست. پس در اموال ثروتمندان، سهمی برای فقیران قرار داد که برای زندگی آنان کافی باشد و اگر کفایت نمی‌کرد، بر مقدار آن می‌افزود. آری، باید چندان به او بدهد که بتواند بخورد و

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۶۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۴. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۳، ص ۴۴۴.

۵. محمدرضا حکیمی، الحیاه، ج ۶، ص ۲۳۱.

بیاشامد و جامه بپوشد و ازدواج کند و در راه خدا صدقه بدهد و به سفر حج برود.^۱ از طرفی نیز زوجین باید هر یک شرایط مالی دیگری را درک کنند و بر اساس توان مالی طرف مقابلشان، خواسته‌های زندگی را مطرح نمایند. این امر مستلزم دور ماندن تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی است.

ب. تغییر سبک زندگی

جوانان نباید منتظر بمانند تا وضع مالی‌شان خوب شود و سپس ازدواج کنند؛ زیرا افرادی که چنین تصویری دارند، از سن ازدواج عبور می‌کنند و این در حالی است که با شروع زندگی مشترک خداوند نیز به آن‌ها کمک می‌کند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲؛ زنان بی‌شوهر خویش و غلامان و کنیزان صالح خویش را همسر گیرید و اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش ایشان را بی‌نیاز می‌کند». امروزه سبک زندگی خانواده‌ها تغییر کرده و توقعات بالا رفته است تا آنجا که دیگر تمایلی به برگزاری مراسم ساده در جشن ازدواج ندارند. تجمل‌گرایی و تفکر اشرافیگری، از معضلات اساسی در زمینه ازدواج است که موجب بروز اختلافات جدی میان زوجین می‌شود و از علل تأخیر در امر ازدواج است.

خداوند در قرآن، آفرینش «همسر» را یکی از نشانه‌های خود معرفی کرده است. ازدواجی که بر اساس «لتسکنوا الیها» باشد، باید مایه آرامش و شکوفایی جامعه شود. با رواج موانع زیادی که به وسیله مردم ایجاد شده است مانند سنگین کردن مهریه‌ها و جهیزیه‌ها، توقعات بی‌جا و تشریفاتی که روز به روز رو به افزایش است؛ طبیعی است که ازدواج ناممکن یا خیلی دشوار شده است تا آنجا که بسیاری از جوان‌ها به جای ازدواج، به فساد کشیده می‌شوند. این در حالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی جامعه اسلامی، در زمان خود با این رسوم اشرافیگری مبارزه کردند و دختران ثروتمند را به مردان بی‌بضاعت و دختران فقیر را با مردان با مکننت تزویج نمودند؛ چنانکه از امام باقر علیه السلام آمده است:

زنی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا شوهر دهید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کیست با این زن ازدواج کند؟». شخصی بلند شد و آمادگی خود را اعلام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «برای

۱. همان، ج ۶، ص ۱۸۲.

۲. نور: ۳۲.

مهریه چه داری؟». عرض کرد: «چیزی ندارم». فرمود: «آیا چیزی از قرآن بلد هستی؟». گفت: «بلی». فرمود: «مقداری از قرآن را به عنوان مهریه یادش بده».^۱

این روایت بیانگر سادگی ازدواج و مهریه در دوران رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. اگر چه مهریه در حقیقت هبه و بخششی از طرف مرد به زن، و تدبیری از ناحیه خداوند متعال برای بالا بردن ارزش زن، حفظ کرامت زن از نظر خانوادگی و اجتماعی و نیز پایبندی به زندگی مشترک و ارتباط زناشویی است،^۲ اما کم بودن مهریه از محسنات زن صالحه به شمار رفته است؛ چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قِلَّةَ مَهْرِهَا وَمِنْ سُؤْمِهَا كَثْرَةَ مَهْرِهَا»^۳ از برکت زن کمی مهریه و زیاد بودن مهریه، نشانه شوم بودن زن است». ارزش معنوی مهریه بیشتر از ارزش مادی آن برای زن است و وجود آن، تأثیر روان‌شناختی ویژه‌ای بر عاطفه و احساسات زن دارد.^۴

فهرست منابع

۱. پیز، آلن و باربارا، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران: نواندیش، ۱۳۸۴ ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۴. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۵. دی آنجلس، باربارا، دفترچه راهنمای طرز استفاده از مردان، ترجمه مریم زرینی، تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۴ ش.
۶. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناختی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۰ ش.

۱. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۰، باب ۱۰، ح ۶.

۲. محمد محمدی اشتهاردی، ازدواج آسان و شیوه همسررداری، ص ۱۶۵.

۳. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۷.

۴. محمد محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۷۳.

۷. شریفی، محمدرضا، خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱ش.
۸. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن الموسوی خرسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. عباسی ولدی، محسن، تاساحل آرامش، قم: جامعه الزهراء ع، ۱۳۹۲ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۳. گری، جان، خواسته زنها و مردها، ترجمه رامین شهبازی، تهران: سیمغ، ۱۳۸۸ش.
۱۴. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسنی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ش.
۱۵. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأقوال، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ع، تصحیح برخی محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محمدی اشتهااردی، محمد، ازدواج آسان و شیوه همسررداری، تهران: کتاب یوسف، ۱۳۷۹ش.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده، تهران: دارالحديث، ۱۳۸۹ش.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع، ۱۳۷۷ش.
۲۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت ع، ۱۴۰۸ق.

عوامل ایجاد همدلی میان اعضای خانواده

زهرا رضائیان*

اشاره

در دنیای صنعتی و پرسرعت امروزی، عواطف و احساسات انسان‌ها مورد غفلت جدی واقع شده است. این غفلت از سوی انسان‌ها هم نسبت به احساسات و عواطف خودشان و هم نسبت به احساسات و عواطف دیگران دیده می‌شود. در جوامع سنتی، زندگی دسته‌جمعی در خانواده گسترده علی‌رغم مورد حمله قرار دادن حریم خصوصی افراد، فرصت بسیار مناسبی برای مشاهده شادی یا درد و رنج دیگران و عکس‌العمل افراد مختلف در موقعیت‌های هیجانی را فراهم می‌کرد و این مشاهدات، سنگ‌بنای شناخت احساسات خود و دیگران می‌شد و به رشد همدلی کمک می‌کرد. امروزه از سویی زندگی در خانواده هسته‌ای و افزایش سرعت زندگی صنعتی، فرصت مشاهده و دقت در حال و احوال خود و دیگران را از آدمی گرفته است و از سوی دیگر رشد دانش بشری در زمینه علوم تجربی و میل به پیشرفت و رفاه بیشتر، فرصت توجه و گرایش به امور اخلاقی و معنوی را کاهش داده و احتمال تعامل اخلاقی و عاطفی با هم‌نوعان را ضعیف‌تر کرده است. در دنیای پرشتاب فناوری امروز، ابزارهایی وجود دارد که افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده و از تعامل با دیگران بازداشته است. این در حالی است که در گذشته اغلب خانواده‌ها پس از یک روز کاری، شب‌ها به شب‌نشینی می‌پرداختند و با ارتباط چهره به چهره و کلامی، تجربیات خود را به یکدیگر منتقل می‌کردند، در جریان مشکلات یکدیگر قرار می‌گرفتند و برای حل مشکلات همفکری می‌کردند.^۱ عوامل بسیاری در ایجاد

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱. پری عطایی، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر ارتباطات افراد در خانواده‌ها (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.

همدلی در خانواده و شادابی آن مؤثرند که از جمله آن‌ها می‌توان به حسن خلق و خوش خلقی، احترام به یکدیگر، پرهیز از توقعات غیر واقعی و عفو و چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر اشاره کرد. در شرایطی که هر روز خانواده‌های بسیاری از هم پاشیده می‌شوند، طلاق به امری عادی میان زوجین تبدیل می‌شود و طلاق عاطفی رواج بسیاری یافته است؛ ضروری است تا با بهره‌گیری از راهکارهای افزایش صمیمیت و همدلی میان اعضای خانواده، به امنیت روحی و روانی افراد خانواده کمک و جو اعتماد و خوش‌بینی را بر خانواده حاکم کنیم.

چیستی همدلی

همدلی به معنای توافق و هم‌فکری روحی و عاطفی با دیگری همدلی یکی از مؤثرترین مهارت‌های زندگی است که می‌تواند بر بسیاری از جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان اثرگذار باشد؛ چنانکه قرآن به این امر چنین اشاره کرده است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^۱

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این‌گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.

وقتی آدمی با دیگری همدل می‌شود؛ یعنی با تمام وجوش می‌فهمد که فرد مقابل چه می‌گوید و چرا چنین می‌گوید. در واقع او با دیگری یک رابطه عاطفی برقرار کرده است که اساس این نزدیکی عاطفی، همدلی است و ریشه و بنیاد تجربه ما انسان‌ها، «ما» به جای «من» و «تو» است.^۲ در واقع همدلی، بخشی از استعداد وجودی انسان است که می‌تواند رشد و پرورش یابد و از سطح یک پاسخ عاطفی به آشننگی فرد دیگر فراتر برود و به رفتارهای مؤثرتری برسد. همدلی به فرد کمک می‌کند تا انسان‌های دیگر را حتی وقتی با آن‌ها متفاوت است، بپذیرد و به آن‌ها احترام گذارد. اسلام به رفتارهای همدلانه اهمیت بسیاری داده است؛ به‌گونه‌ای که خدمت

۱. آل‌عمران: ۱۰۳.

۲. طیبه منصوری شادمهر، «همدلی و تفاهم؛ زمینه‌ساز ارتباط اثربخش»، ماهنامه روابط عمومی، ش ۷۳، ص ۳۵.

کردن به خلق، مقدمه سایر ارزش‌های انسانی در نظر گرفته شده است.^۱

عوامل مؤثر بر همدلی و صمیمیت میان اعضای خانواده

ارتباط، لازمه زندگی آدمی و یکی از نیازهای جوامع بشری است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «تَوَاصَلُوا وَ تَبَاؤَرُوا وَ تَرَاخَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ»^۲ با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید، به هم نیکی کنید و با هم مهربان باشید و هم‌چنانکه خداوند به شما دستور داده است، برادرانی نیکوکار باشید». اگرچه ارتباط میان افراد، یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی است؛ اما متأسفانه عموماً انسان‌ها قادر به برقراری ارتباط خوب و مؤثر با یکدیگر نیستند. شاید امروزه با توسعه وسایل ارتباطی همچون ماهواره، موبایل، شبکه‌های اجتماعی، چت و ... به ظاهر ارتباط انسان‌ها با یکدیگر راحت‌تر شده باشد؛ اما اغلب مردم همچنان آن را کاری دشوار می‌دانند. نداشتن ارتباط مؤثر موجب می‌شود نه تنها میان افراد فاصله عمیقی ایجاد شود؛ بلکه موجب بروز مشکلات خانوادگی، فشار روانی، بیماری‌های جسمی، نارضایتی و حتی نداشتن صلاحیت شغلی می‌شود.

یکی از مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر و خوب، همدلی و صمیمیت است. همدلی هنگامی رخ می‌دهد که آدمی در برابر دیگری احترامی نامشروط داشته باشد، به دقت به حرف‌هایش گوش دهد و به افکار و احساسات او با حساسیت واکنش نشان دهد. احترام نامشروط به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی شکل‌گیری ارتباطات یاری‌بخش، به معنای حفظ حرمت افراد در شرایطی است که از آن‌ها عصبانی هستیم و یا قصد مقابله با آن‌ها را داریم.^۳ باید توجه داشت که احترام نامشروط شامل همه افراد به‌ویژه هم‌نشین بد و افرادی که آدمی را به بیراهه و انحراف می‌کشانند، صحیح نیست و در حقیقت این احترام در شرایط خاصی مانند ارتباط دو همسر با یکدیگر، والدین و فرزندان، مشاور و مشاوره‌گیرنده و ... نمود عینی می‌یابد. در واقع آدمی در درک همدلانه، دیدگاه و احساسات فرد مقابل را طوری درک می‌کند که گویی آن‌ها دیدگاه‌ها و احساسات خودش است؛ بدون اینکه در این دیدگاه‌ها و احساسات غرق شود.^۴

۱. مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۲۶۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۳. نیما قربانی، «مؤلفه‌های ارتباطات یاری‌بخش، اصالت و هماهنگی و احترام نامشروط»، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۱۵، ص ۴۵.

۴. نیما قربانی، سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی، ص ۱۱۰.

عواملی در ایجاد همدلی و صمیمیت میان اعضای خانواده نقش آفرین هستند که می‌توان از آن‌ها با عنوان راهکارهایی برای ایجاد همدلی و صمیمیت نیز نام برد.

۱. حسن خلق

حسن خلق، گامی مؤثر برای برقراری ارتباط مؤثر و داشتن صمیمیت و همدلی میان اعضای خانواده است. با حسن خلق، زندگی پاک و باصفا می‌شود؛ از همین روست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ چنین سفارش کرده است: «يَا عَلِيُّ أَحْسِنُ خُلُقَكَ مَعَ أَهْلِكَ وَ جِيرَانِكَ وَ مَنْ تُعَاشِرُ وَ تُصَاحِبُ مِنَ النَّاسِ تُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى؛^۱ ای علی! اخلاقت را با خانواده‌ات، همسایه‌ات و کسانی که با تو رفت و آمد دارند و همراه و هم‌سخن تو هستند، نیک گردان تا نزد خداوند متعال در درجات عالی نوشته شوی».

حسن خلق که زمینه پذیرش هر چه بیشتر دیگران را فراهم می‌کند، راه بهتر زیستن در کنار دیگران را به آدمی می‌آموزد. علت این امر را می‌توان در این سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یافت که فرموده است:

مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعٌ يَعِصُمُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَرَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۲

به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شده است، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و بهره خویش را از دنیا و آخرت بر گرفته است: پرهیزکاری که او را از حرام‌های خدا باز دارد و خوش‌خویی که با آن در میان مردم زندگی کند و بردباری که با آن جهالت نادان را از خود دور سازد و همسری شایسته که در کار دنیا و آخرت او را یاری رساند.

آدمی که دارای حسن خلق است، دیگران را به سوی خود جلب می‌کند و بر دیگران تأثیر مثبت می‌گذارد. از همین روست که پیامبران، انسان‌هایی عطف و نرم‌خو بودند تا بتوانند به خوبی در مردم تأثیر بگذارند و آنان را به سوی خود جذب کنند. اعضای خانواده نیز با خوش‌رویی و خوش‌خلقی می‌توانند محبت میان یکدیگر را افزایش دهند، از فشارهای روحی همدیگر بکاهند و زمینه آرامش روحی و حل مشکلات را بیش از پیش برای یکدیگر فراهم کنند. خوش‌خلقی و

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۵۷۷.

خوش‌رویی مرد هنگام ورود به خانه بر دیگر اعضای خانواده نیز تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود زن نیز با تبسم به استقبال همسرش بیاید و بدین سان معاشرت نیکو را به فرزندان خود بیاموزند. حسن خلق موجب جمع شدن اعضای خانواده در کنار یکدیگر و مانع گسیختگی و از هم پاشیدگی خانواده می‌شود. از این‌رو اگر مشکلی میان اعضای خانواده با یکدیگر وجود داشته باشد، می‌توان با برخورد خوش و ادب درباره گفتگو و آن را حل کرد. این در حالی است که بدخلقی موجب افزایش بیشتر اصطکاک میان افراد و پیچیده‌تر شدن مشکل خواهد شد. اخلاق نیکو می‌تواند زندگی را شیرین و شاد کند. اگر خانواده دارای ثروت کلانی باشد، اما افراد آن خانواده و به‌ویژه والدین با یکدیگر و فرزندان بدرفتاری کنند، این ثروت هیچ‌گاه نمی‌تواند موجب خوشی و شیرینی زندگی‌شان شود؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ؛^۱ هیچ زندگی‌ای گوارتر از اخلاق نیک نیست».

۲. احترام به یکدیگر

یکی از اصول اخلاقی و عوامل رشد نهاد خانواده، احترام اعضا به یکدیگر است. احترام به یکدیگر و حفظ حرمت، از مهم‌ترین ارزش‌های والای انسانی است تا آنجا که احترام گذاشتن به دیگران، در واقع گذاشتن به خود است؛ زیرا آدمی با این رفتار به دیگران می‌آموزد که با وی با احترام رفتار کنند. احترام به یکدیگر موجب افزایش سطح ادب در خانواده و امن و آرام شدن کانون خانواده می‌شود. احترام زن به شوهر افزون بر تأثیری که بر افزایش روحیه و اقتدار و تأمین آرامش و تقویت نقش رهبری مرد می‌شود، زمینه‌ساز احترام متقابل مرد به زن و نیکو صحبت کردن آنان با یکدیگر می‌شود. در چنین شرایطی فرزندان نیز با الگوبرگشتن از والدین، با یکدیگر و با والدین با ادب و احترام برخورد می‌کنند و بدین سان آرامش خانواده با کوچک‌ترین مشکل و ناراحتی متزلزل نمی‌شود. احترام به مخاطب و گرامی داشتن او موجب مستحکم شدن روابط و افزایش صمیمیت و رفاقت اعضا می‌شود. اهمیت این مسئله تا آنجاست که امام صادق علیه السلام خطاب به مردان فرموده است: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقَيْمَ عَلَيْهَا؛^۲ خدا رحمت کند بنده‌ای را که رابطه میان خود و زنش را نیکو سازد که خداوند عزوجل سرنوشت زن را به دست او داده و وی را قوام همسر قرار داده است».

۱. علی بن محمد لیبی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۹.

۲. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳.

حضرت در سخن ارزشمند دیگری، زنی را سعادتمند دانسته است که به همسرش احترام بگذارد و مطیع او باشد: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ»^۱ سعادتمند است سعادتمند است زنی که به شوهرش احترام بگذارد و او را تکریم کند و به او آزار نرساند و در همه حال مطیع او باشد».

احترام، نقطه لغزش روابط است. چه بسیار روابط فردی و به ویژه روابط میان اعضای خانواده و نیز همسرانی که به علت نبود احترام و در نظر نگرفتن کرامت انسانی یکدیگر، خدشه دار شده و گاه حتی به جدایی کشیده شده است. اهمیت احترام به یکدیگر و تکریم شخصیت انسانی تا آنجاست که امام باقر علیه السلام فرموده است: «شَبِعْتُنَا... إِنْ لَقِيَ مُؤْمِنًا أَكْرَمَهُ»^۲ شبعه ما کسی است که ... اگر به مؤمنی برسد، به او احترام می گذارد». توجه به حفظ حرمت زوجین در برخورد با یکدیگر و نگه داشتن حریم هر یک توسط دیگری، یکی از مهم ترین عوامل زندگی مشترک سالم و با نشاط است. فرزندان در چنین خانه ای است که یاد می گیرند به یکدیگر احترام بگذارند و حرمت یکدیگر را حفظ کنند. تحقیر نکردن یکدیگر، آزار نرساندن به یکدیگر با کلام،^۳ زورگویی نکردن، بی توجه نبودن به یکدیگر، نصیحت نکردن به یکدیگر در مقابل جمع،^۴ تمسخر و عیب جویی نکردن^۵ و پرخاشگری نکردن به هم،^۶ برخی از مصادیق احترام متقابل اعضای خانه به یکدیگر و حفظ حرمت هم است.

خانواده ای که در آن افراد به یکدیگر احترام نمی گذارند و حرمت یکدیگر را حفظ نمی کنند، نشاط و شکوفایی خود را از دست می دهد و اعضای آن به تدریج به این باور می رسند که نزد یکدیگر ارزش و شایستگی احترام را ندارند. اعضای این خانواده بی توجه به نیازها و مشکلات یکدیگر تنها به رفع مشکل خویش می پردازند و هنگام تراحم نیازها، برای دستیابی به نیاز خود نسبت به دیگر اعضای خانواده بی رحمانه و بیگانه رفتار می کنند. این در حالی است که در

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۸۰.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۸: «أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ».

۴. محمد بن حسین آقاجمال خوانساری، شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۳۸۲: «نُصْحَكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ».

۵. حجرات: ۲۲.

۶. آل عمران: ۱۳۴.

خانواده متعالی، افراد با رعایت احترام و کمال ادب با یکدیگر برخورد می‌کنند، زمان بیشتری را با هم می‌گذرانند، با صبر و بردباری بیشتری با هم برخورد می‌کنند و با حفظ شأن و موقعیت یکدیگر، محیطی مملو از شادی و نشاط در مسیر تعالی و رشد یکدیگر را فراهم می‌کنند.^۱

۳. پرهیز از توقعات غیرواقعی

هر انسانی از نظر جسمی و روحی، قوت و قدرتی مخصوص به خود دارد. درک این قدرت و قوت نیز به معاشرت و برخورد طبیعی و اخلاقی نیازمند است. زوجینی که یکدیگر را به خوبی می‌شناسند، حدود درخواست‌ها و توقعات خود از دیگری را نیز به خوبی می‌شناسند، با خواسته‌های غیر واقعی و نامعقول موجب آزار و رنجی یکدیگر نمی‌شوند، خواسته‌هایشان را بر اساس وسع و طاقت موجود تنظیم می‌کنند. درک همسر و شرایطش همان واقع‌بینی نسبت به اوست. خواسته‌ها و انتظارات غیرواقع‌بینانه قبل از درک مشکلات و شرایط همسر، موجب ناراحتی و کشمکش‌ها و اختلافات خانوادگی می‌شود تا آنجا که گاه حتی منجر به از هم پاشیدن کانون خانواده می‌شود؛ در حالی که با درک همسر و شناخت وضعیت او، توقعات آدمی از همسرش نیز با توان او تنظیم و محیط خانه از هر توقع بی‌جایی پاک و محیط خانه به سلامت و آرامش، مزین می‌شود. زنی که با خواسته‌های خود، همسرش را آزار ندهد و از او توقعات بی‌جا نداشته باشد، در واقع به فرزندان خود نیز می‌آموزد که چگونه میان خواسته‌های خود و شرایط موجود اعتدال ایجاد کنند. چنین زنی که با درک شرایط همسر، زندگی را بر او سخت نگیرد و خوب شوهرداری کند، پاداش بزرگی نیز نزد خداوند خواهد داشت؛ چنانکه در روایت آمده است که حضرت زهرا علیها السلام به امام علی علیه السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئاً فَقَالَ: لَا تَسْأَلِي ابْنَ عَمِّكَ شَيْئاً إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفْوَاً وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ؛^۲ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا نهی کردند از اینکه از شما چیزی بخواهم و فرمودند: از پسر عموی خود چیزی نخواه. اگر از نزد خود چیزی برایت آورد [که به همان بسنده کن]، وگرنه از او درخواست نکن».

۴. عفو و چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر

انسان‌ها در تعامل با یکدیگر هنگامی می‌توانند به آرامش و سلامت روان دست یابند و از

۱. ر.ک: سید راضیه پورمحمدی و همکاران، «واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از

منظر قرآن کریم»، فصلنامه علمی ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۵۳، ص ۱۳۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

اضطراب و ناراحتی رها شوند و نسبت به یکدیگر بدبین و بی اعتماد نباشند که از بدی‌ها، ظلم‌ها و اشتباهات یکدیگر بگذرند. خداوند چنین انسان‌های را ستوده و محبت خود نسبت به آنان را چنین بیان کرده است: «وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۱ [آنان] خشم خود را فرو می‌خورند و از خطای مردم در می‌گذرند. خدا نیکوکاران را دوست دارد».

اسلام همسران را به سازگاری با یکدیگر دعوت کرده است تا زمینه‌های بروز تنش و نزاع میان آنان به حداقل برسد و آنان در پرتو دوست داشتن و محبت به یکدیگر، در کنار هم بنده و عبد صالح خداوند باشند و به تعالی و رشد دست یابند: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۲ با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد». هنگامی که زندگی همراه گذشت و اغماض باشد، آرامش و آسایش روحی زوجین و فرزندان را نیز به وجود می‌آید. اگر کسی که در زندگی گذشته نداشته باشد و همواره به دنبال انتقام گرفتن از دیگران باشد، هیچ‌گاه آرامش نخواهد داشت؛ در حالی که اگر فردی دارای روحیه عفو و گذشت باشد، در آرامش روحی و روانی و بی‌هیچ نگرانی و کینه‌ای نسبت به همسر خود زندگی خوبی در کنار او خواهند داشت. از همین روست که خداوند افراد با گذشت را که موجب آرامش خود و دیگران می‌شوند، مشمول فضل بی‌پایان خود دانسته و پاداش آن‌ها را خود بر عهده گرفته است: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۳ و جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد». اهمیت عفو و گذشت از خطاهای یکدیگر تا آنجاست که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الْعُفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ»^۴ آیا می‌خواهید شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت خبر دهم؟ آن اخلاق این است: از کسی که به تو ستم کرده، درگذری؛ با خویشاوندی که از تو بریده، پیوند برقرار کنی؛ به کسی که نسبت به تو بدی کرده، نیکی کنی و به کسی که تو را محروم کرده، بخشش کنی».

۱. آل عمران: ۱۳۴.

۲. نساء: ۱۹.

۳. شوری: ۴۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

عفو، عذرخواهی، چشم‌پوشی از خطاها، قدردانی و تکریم شخصیت همسر، از جمله خصوصیات همسران اهل مداراست.^۱ چنین همسرانی در سازگاری با یکدیگر به سعه صدر بالا دست می‌یابند، آستانه تحمل‌شان افزایش می‌یابد و در برابر مشکلات و سختی‌ها خود را کنترل می‌کنند تا خللی به ایمان‌شان وارد نشود و به فرزندان خویش نیز می‌آموزند که چگونه از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کنند و با پذیرش عذرخواهی آن‌ها، زمینه‌های بروز کینه و عداوت را نابود کنند.^۲

۵. پذیرش تفاوت‌های جنسیتی

یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری و آرامش در زندگی خانوادگی، توجه به تفاوت زن و مرد در ابعاد مختلف است. رای مثال از نظر نیروی جسمی، قوی‌تر از زنان و از نظر روحی آسیب‌پذیرتر از زنان هستند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ»^۳ خداوند صبر و تحمل ده مرد را به زن عطا کرده است. تفاوت عاطفی، یکی دیگر از تفاوت‌های میان زن و مرد است. زنان به بیان و بروز حالات عاطفی و گفتگو نیازمند هستند و از آنجا که اغلب رفتارهای آنان از احساس و عاطفه نشأت می‌گیرد، مسئولیت‌های سنگین و طاقت‌فرسا آثار روانی نامطلوبی را بر آنان به جای می‌گذارد. آن‌ها می‌توانند در یک زمان به چند موضوع مختلف بپنداشند و همین مسئله موجب می‌شود تمرکز لازم برای اولویت‌بندی میان موضوعات را از دست بدهند و به سرعت آشفته شوند. این در حالی است که تمرکز در مردها قوی است و از همین روست که هنگام مواجهه با مشکل، به سرعت حالت تمرکز به خود می‌گیرند؛ گویی هیچ مسئله دیگری در زندگی وجود ندارد.^۴ یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های زن و مرد، نیاز جنسی متفاوت آنان است. مردان با برقراری رابطه جنسی، از شایستگی لازم برای برقراری ارتباط جنسی مؤثر اطمینان پیدا می‌کنند؛ این در حالی است که زنان به مهر و محبت و

۱. علی احمدی میانجی، مکاتیب الانمه علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۱: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا، فَيَصْفُو عَيْشَكَ»؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۵: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي الْمَعِيشَةِ».

۲. ر.ک: علی توحیدی‌نژاد، «آثار فردی و اجتماعی مدارا در خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث»، فصلنامه تخصصی دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، شماره ۶، ص ۷۰.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۴.

۴. علی حسین‌زاده، «تفاوت‌های زن و مرد؛ نقش و کارکرد آن»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، ش ۱۷۴، ص ۶۵.

توجه از سوی همسرشان نیازمندند. بنابراین مردان باید با ابراز محبت و عشق و به‌کارگیری جملات عاطفی این نیاز را برآورده کنند؛ زیرا تنها دوست داشتن کافی نیست و باید آن را ابراز کنند؛ به‌ویژه آنکه این مسئله، نیاز روانی همسرشان است. از همین‌روست که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛^۱ مردی که به همسرش بگوید دوستت دارم، هرگز این سخن از قلب همسرش خارج نمی‌شود». اسلام با توجه به تفاوت زن و مرد در بُعد جنسی، از سویی مردان را به آماده‌سازی مقدمات سفارش کرده است تا خواسته زن تأمین شود و از سوی دیگر تأمین نیاز جنسی مرد را در هر فرصتی که دلخواه اوست، از وظایف زن شمرده و فرموده است؛ چنانکه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلنِّسَاءِ: لَا تُطَوِّلْنَ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَرْوَاجَكُنَّ؛^۲ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به زنان فرمود: نمازتان را طولانی نکنید تا اینکه شوهرانتان را [از خود] باز دارید».

آشنایی با تفاوت‌های میان همسران برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش در زندگی بشری کارکردهای بسیاری از نظر عشق و محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، فضای صمیمی حاکم بر زندگی زناشویی، قضاوت عادلانه افراد نسبت به خود و دیگران، تعادل در رفتار و شادی و نشاط دارد. شناخت این تفاوت‌ها و در نظر گرفتن آن‌ها در رفتار با یکدیگر موجب تقویت درک متقابل میان اعضای خانواده، انتظارات بجا و واقع‌بینانه، بهره‌مندی از آزادی قانونمند و حرکت تکاملی خانواده به سمت مقصدی اعلاست که برای همه اعضای خانواده قابل وصول است.^۳

نتیجه‌گیری

اعضای خانواده برای همدلی بیشتر و داشتن کانونی گرم و بانشاط و پرتحرک، باید در فراز و فرودهای زندگی، حامی و پشتیبان و تکیه‌گاه عاطفی یکدیگر باشند. با درک متقابل از شرایط یکدیگر و نداشتن توقعات بی‌جا از همدیگر، به هم احترام بگذارند و حرمت همدیگر را حفظ کنند، به همدیگر محبت کنند و عشق بورزند، از عیوب هم چشم‌پوشی کنند و به هر عامل و مؤلفه‌ای که موجب استحکام و تقویت رابطه میان فردی‌شان می‌شود، بها دهند و از هر عنصر و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۰۸.

۳. علی حسین‌زاده، «تفاوت‌های زن و مرد؛ نقش و کارکرد آن»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، ش ۱۷۴، ص ۷۰.

عاملی که زمینه‌ساز تضعیف روابط میان فردی و سردی و تلخی فضای خانواده می‌شود، دوری کنند.

فهرست منابع

۱. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، تصحیح جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة عليه السلام، تصحیح مجتبی فرجی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۳. پورمحمدی، سیده راضیه و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، «واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از منظر قرآن کریم»، فصلنامه علمی ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۷، ش ۵۳، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۴۶-۱۲۳.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۵. توحیدی‌نژاد، علی، «آثار فردی و اجتماعی مدارا در خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث»، فصلنامه تخصصی دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، سال دوم، ش ۶، پاییز ۱۳۹۸، ص ۸۵-۶۶.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت عليه السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۷. حسین‌زاده، علی، «تفاوت‌های زن و مرد؛ نقش و کارکرد آن»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال ۲۱، ش ۱۷۴، خرداد ۱۳۹۱، ص ۷۱-۶۱.
۸. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تصحیح مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۰. عطایی، پری، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر ارتباطات افراد در خانواده‌ها (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، استانبول: ۱۳۹۴.
۱۱. قربانی، نیما، سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی، تهران: انتشارات تبلور، ۱۳۸۴ش.

۱۲. _____ «مؤلفه‌های ارتباطات یاری‌بخش: اصالت و هماهنگی و احترام نامشروط»، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۱۵، تیر ۱۳۷۹، ص ۴۶-۴۴.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۴. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۶. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران: صدرا، ۱۳۶۷ش.
۱۷. منصوری شاد، طیبه، «همدلی و تفاهم؛ زمینه‌ساز ارتباط اثربخش»، فصلنامه علمی تخصصی روابط عمومی، ش ۷۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۰-۳۴.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک المسائل و مستنبط المسائل، تصحیح مؤسسه آل‌البت ع، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت ع، ۱۴۰۸ق.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم - شماره سوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

حضرت زهرا علیها السلام در آینه تربیت

حجت الاسلام و المسلمین سید حامد شریعتمداری*

اشاره

خداوند حضرت زهرا علیها السلام را بر زنان عالمین برتری و فضیلت داده^۱ و در آیات تطهیر،^۲ مباحله،^۳ هل آتی^۴ و سوره کوثر، جلوه‌هایی از جایگاه ویژه ایشان را نمایان کرده است. ای برتری‌ات از آسمان بالاتر ای مطلقاً ایجاد تو از نور خدا خاکِ قدم تو از جنان بالاتر!

قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه برای همه انسان‌ها معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۵ و امام زمان عجل الله فرجه نیز درباره حضرت زهرا علیها السلام فرموده است: «وفی ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله لی اسوة حسنة»^۶. بنابراین الگوپذیری از معصومین علیهم السلام، یکی از بهترین راه‌های رشد و تربیت است. این نوشتار در پرتو عناوین ذیل به الگوی رشد و تربیت فاطمی می‌پردازد.

اهمیت نقش مربی در تربیت

قرآن کریم درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا

* کارشناس ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ.

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۶۵. ایشان در این منبع احادیث نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذکر «سیده نساء العالمین یا سید نساء اهل الجنة» را متواتر می‌شمارد.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. آل عمران: ۶۱.

۴. انسان: ۹-۵.

۵. احزاب: ۲۱.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»؛^۱ «خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد) و کفالت او را به زکریا سپرد». همچنین می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».^۲

در فراز اول این آیه، برگزیدگی حضرت مریم علیها السلام را بر مردم زمان خود در بُعد معنوی و عبودیت نشان می‌دهد و در فراز دوم برگزیدگی او را در عفت‌ورزی بر زنان زمان خود آشکار می‌کند. در هر صورت این برگزیدگی، محصول تربیت و رشد و نمو ویژه و تربیتی است که خداوند برای ایشان تقدیر، و با فراز «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»^۳ به آن اشاره کرده است. همان‌گونه که کفالت حضرت مریم علیها السلام به زکریای نبی علیه السلام سپرده شد، کفالت حضرت زهرا علیها السلام نیز به دست برترین خلق یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اول زن مسلمان یعنی حضرت خدیجه علیها السلام و پس از آن توسط ام‌سلمه که ادیب و فرهیخته بود، صورت گرفت. ام‌سلمه می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اینکه وارد مدینه شد، مرا به ازدواج خود درآورد و کارهای دخترش را به من واگذار کرد و من نیز او را ادب می‌آموختم، اما به خدا سوگند فاطمه علیها السلام از من با ادب‌تر و به امور آشناتر بود».^۴

شما تَجَلِّي نوره مطهری بانو

از آسمان و زمین نیز برتری بانو

کمال برکتی خیر و کوثری بانوا

به ذره پروری ات اولیا بدهکارند

نقش تغذیه در تربیت

توجه و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان به غذای حلال و پاکیزه و آثار تربیتی آن، بر کسی پوشیده نیست؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جمع مسلمانان فرموده است: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ؛ فرزندان را در رحم مادرانشان تربیت کنید». سؤال شد این چطور ممکن است یا رسول‌الله؟ حضرت فرمود: «يَا طَعَامِهِمُ الْحَلَالُ؛^۵ با خوراندن غذای حلال (به مادرانشان)». در قرآن کریم نیز می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

۱. آل عمران: ۳۷.

۲. آل عمران: ۴۲.

۳. آل عمران: ۳۷.

۴. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۸۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰.

۵. نصرالله پورجوادی، جنگ مهدوی، ص ۱۳۲.

«عَلَيْمٌ»؛^۱ ای رسولان! از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح بپردازید که من به هر آنچه انجام می‌دهید، آگاهم».
تغذیه نه تنها در زمان ولادت و در حال رشد، بلکه قبل از آن و قبل از شکل‌گیری نطفه و جنین در تربیت‌پذیری مؤثر است؛ چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره خلقت حضرت زهرا علیها السلام فرموده است:

... جَعَلَهَا تَفَاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَ أَتَانِي بِهَا جِبْرَائِيلُ فَقَالَ لِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ. قُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جِبْرَائِيلُ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذِهِ تَفَاحَةٌ رَبِّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ. قُلْتُ: مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذِهِ تَفَاحَةٌ أَهْدَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَ صَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كُلُّهَا فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُورًا سَاطِعًا فَفَزِعْتُ مِنْهُ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ، كُلُّهَا وَ لَا تَخَفْ فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ الْمَنْصُورَةَ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ؛^۲

خداوند نور حضرت زهرا علیها السلام را به صورت سیبی در بهشت قرار داد و جبرئیل آن سیب را برایم آورد و به من گفت: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای محمد! گفتم: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای دوست من، ای جبرئیل! گفت: ای محمد پروردگارت به تو سلام می‌رساند. گفتم: سلام از خدا می‌آید و به او نیز باز می‌گردد. گفت: ای محمد! این سیب بهشتی را خداوند برای تو هدیه فرستاده است. من آن را گرفتم و به سینه چسباندم. گفت: ای محمد! خداوند عزوجل می‌فرماید: آن را بخور. من سیب را شکافتم و نوری از آن ساطع شد. جبرئیل گفت: ای محمد! چرا نمی‌خوری؟ بخور و هراسان مباش؛ زیرا این نور کسی است که در آسمان به منصوره و در زمین به فاطمه معروف است.

نقش محبت و احترام در تربیت

یکی از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت و سرشت انسانی دارد. مطالعات انجام‌شده به روش تحلیلی - توصیفی، حاکی از این مطلب است که نیروی محبت در تربیت، نیرویی زمینه‌ساز، بازدارنده و برانگیزاننده است و اگر به

۱. مؤمنون: ۵۱.

۲. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

اعتدال به کار گرفته شود، تأثیر شگرفی در نزاهت آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «به درستی که خداوند متعال به بنده‌ای که فرزندان را بسیار دوست بدارد، رحم می‌کند».^۱ آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «جَبُّوا الصَّبِيَانَ وَ اُزْحَمُوهُمْ، وَ اِذَا وَ عَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَمُؤَا لِهْمُ، فَاِنَّهُمْ لَايَدْرُونَ اِلَّا اَنَّكُمْ تَزُوْقُونَهُمْ»؛^۲ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هر گاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی دهنده خود را کسی غیر از شما نمی‌دانند». در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس فرزند خویش را ببوسد، خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد و هر کس فرزند خویش را شاد گرداند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد کرد».^۳

والدین می‌توانند محبت خود را به شیوه‌های مختلف به فرزندان بروز دهند. احترام، مهربانی، بوسیدن، نوازش، هدیه، گوش شنوا بودن، عمل به وعده، کمک و حمایت، همبازی شدن، هم‌صحبتی، خوب صدا زدن، خوش‌زبانی و خوش‌اخلاقی، روش‌های گوناگونی است که در تربیت فرزندان در هر سنی اثرگذار است؛ از همین روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَبَهُمْ يُغْفِرْ لَكُمْ»؛^۴ به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو پیام‌زید تا آموزیده شوید». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «اَجِبُوا الصَّبِيَانَ وَ اُزْحَمُوهُمْ»؛^۵ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید». در حدیث شریف کساء نیز حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُوَادِي».^۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در ارتباط با دخترش حضرت زهرا علیها السلام آن‌چنان با محبت رفتار می‌کرد که ابن عباس نقل کرده است که حضرت فرمود: «فاطمه علیها السلام سرور زنان گذشته و آینده جهان است.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۳.

۳. همان. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵، ح ۴۴.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۶. محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامة، ص ۲۱.

او پاره تن من و نور چشمانم و میوه دل و روح من است، او حوریه‌ای آدمی نسب است»^۱. در روایتی نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌خواستند، مگر آنکه قبل از آن صورت فاطمه علیها السلام را می‌بوسید و برای او دعا می‌کرد.^۲

در روایت دیگری نقل شده است که هر گاه فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله جلوی پای او بلند می‌شد و دستانش را می‌بوسید و او را در جای خویش می‌نشاند^۳ و هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله قصد سفر داشت، فاطمه علیها السلام آخرین کسی بود که وداع می‌کرد و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر باز می‌گشت، ایشان ابتدا به نزد فاطمه علیها السلام می‌رفت.^۴

نقش الگویی پدر و مادر و رفتار عملی در تربیت

شیخ صدوق با سندهای سه‌گانه خویش از امام رضا علیه السلام، از امام سجاد علیه السلام از اسماء بنت عمیس نقل می‌کند که اسماء گفت:

نزد فاطمه علیها السلام بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. فاطمه علیها السلام گردنبندی از طلا به گردن داشت که علی بن ابیطالب علیه السلام از مال غنیمت خریده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه! این گردنبند برای تو که دختر پیامبری و باید اهل زهد باشی، زینده نیست. فاطمه علیها السلام گردنبند را فروخت و با آن بنده‌ای خرید و آزاد کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله خشنود شد.^۵

نقل است حضرت زهرا علیها السلام در خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با مشک آب می‌کشید و سینه مبارک‌شان آسیب دیده بود و با دست آسیاب می‌کرد که دستانش پینه زده بود و خود آتش روشن می‌کرد که لباسش خاک‌آلود شده و به زحمت افتاده بود. با اینکه تعدادی خدمتکار برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده بودند، اما حضرت فاطمه علیها السلام از اینکه از پدر درخواست خدمتکار کنند، شرم کرد. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خانه ایشان آمد، حضرت علی علیه السلام این مسئله را به عرض پیامبر صلی الله علیه و آله رساند. ایشان گریست و فرمود: «سوگند به آنکه مرا به حق پیامبری داد، در مسجد ۴۰۰ مرد وجود دارد که غذا و لباس ندارند و اگر از یک چیز نمی‌ترسیدم، خواسته‌ات را به اجابت می‌رساندم و آن، اینکه نمی‌خواهم اجر و پاداش تو را به کنیز بدهند. در عوض به شما

۱. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۷۵.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الانمه علیها السلام، ج ۲، ص ۹۵.

۳. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۴۰۰؛ سلیمان بن اشعث ابوداود، سنن ابوداود، ج ۲، ص ۵۲۲.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۹۴؛ احمد بن محمد ابن حنبل، مسند حنبل، ج ۵، ص ۲۷۵.

۵. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

چیزی می‌آموزم که از خادم بهتر است» و تسبیحات معروف به حضرت زهرا علیها السلام را تعلیم داد. آن‌گاه حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «از خدا و رسولش خشنودم».^۱

این روایات و امثال آن که بسیارند، به زیبایی نشان می‌دهند که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسئله‌ای را بیان می‌کند، ابتدا خودش و در ارتباط با خانواده خود و نقش تربیتی خود درباره حضرت زهرا علیها السلام آن را بسیار سختگیرانه‌تر عملی کرده است. با اینکه از نظر شرعی و عرفی می‌توانست قدری از فشار و سختی دوران را بر ایشان بکاهد، اما با عمل خود آن را برای سایرین تسهیل می‌کند؛ چرا که ابتدا ایشان به شکلی کامل‌تر به آن عمل کرده است. در تفسیر آیه شریفه «وَأَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۲ نیز در کتب تفسیر به این مطلب اشاره شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «دخترم تلخی دنیا را به خاطر شیرینی آخرت تحمل کن» و فاطمه زهرا علیها السلام عرض کرد: «ای رسول خدا! خداوند را به خاطر نعمت‌هایش می‌ستایم و شکر می‌گذارم».^۳

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به سبب اشتغالات فراوان درون منزل و یاری رساندن به همسایگان و مشارکت در امور اجتماعی همچون فعالیت‌های پشت جبهه و مانند آن، گاهی فرصت حضور در مسجد را نداشتند؛ از این رو با خلاقیتی زیبا و مثال‌زدنی هم خود از فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهره‌مند می‌شد و هم فرزند خود را با این راهکار تربیت می‌نمود. ایشان به امام حسن علیه السلام مأموریت می‌داد به مسجد برود و به فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گوش فرا دهد. امام حسن علیه السلام در بازگشت روی بلندی می‌نشست و برای مادر سخنرانی می‌کرد و همان مطالب را برای ایشان بیان می‌نمود.^۴

نقش عزت نفس در تربیت

در تربیت دینی مبنا این است که کودکان طوری با عزت نفس تربیت شوند که خودشان توانایی انتخاب راه درست و غلط را داشته باشند. در ادبیات قرآنی عزت، از اسم عزیز خدا گرفته شده و معنی آن شکست‌ناپذیری در برابر دشمن و خواسته‌های بی‌ارزش است. اگر چه عزت نفس شباهت زیادی به اعتماد به نفس دارد، اما از آن مهم‌تر است. در واقع اعتماد به نفس، باور به

۱. محمد بن عی‌بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. ضحی: ۵.

۳. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۱؛ عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد

التنزیل، ج ۲، ص ۴۴۵.

۴. عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۴.

توانایی‌ها و قدرت استفاده از آن‌ها و توجه به آن در مقابل سایر عوامل محیطی است، اما عزت نفس احساس درونی انسان مبنی بر احساس احترام و ارزشمندی است؛ به گونه‌ای که فرد در برابر مشکلات زندگی زود تسلیم نمی‌شود و نیازی نیست فشار قانون آن‌ها را از کاری منع کند؛ بلکه خودشان به شخصیت خود احترام می‌گذارند و از رفتارهای ناپسند دوری می‌کنند. ناگفته پیداست که عزت نفس در دوری از مشکلات و افزایش تحمل و تاب‌آوری بسیار مؤثر است؛ چنانکه امام هادی علیه السلام فرموده است: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ؛ کسی که خود را پست شمارد، از شر او در امان نباش». امام حسین علیه السلام در یک جمله طلایی که زینت بخش تمامی مجالس ماست، فرموده است: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛^۲ به راستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ملال و ننگ نمی‌دانم».

حضرت زهرا علیها السلام نیز چنان احساس عزت نفس و خودارزشمندی دارد که در برابر فرد نابینا حجاب می‌گیرد و وقتی پدرش دلیل آن را می‌پرسد، می‌گوید: «إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَيَأْتِي أَرَاهُ؛^۳ او مرا نمی‌بیند، ولی من که او را می‌بینم». ملاک رفتار ایشان، جایگاه و احترامی است که برای خود و باورهایش قائل است. با این شیوه تربیت، دیگر بچه‌ها نیازی به تذکر دائمی و توبیخ و تشویق ندارند.

نقش استفاده از بازی و شعر در تربیت

استفاده از جلوه‌های هنری همچون شعر و بازی برای پرورش کودکان، فرازی دیگر از عشق، علاقه و احترام زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام نسبت به فرزندان است. حضرت زهرا علیها السلام زمانی که با فرزندان خود بازی می‌کرد، گاهی در قالب اشعار زیبایی برای آن‌ها می‌خواند:

إِشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَاعْبُدِ إِلَهًا ذَامِنًا وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنَ

«حسن جان! مانند پدرت علی باش و ریسمان از گردن حق بردار؛ خدای احسان‌کننده را

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۵، ح ۱.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۶.

۳. فضل‌الله بن علی رواندی کاشانی، النوادر، ص ۱۱۹، ح ۱۲۶ و ۱۲۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص

پرستش کن و با افراد دشمن کینه‌توز دوستی نکن.^۱

امام علی علیه السلام سخنان همسر پر نشاط خویش را شنید و چهره‌اش به لبخندی زیباتر شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در طول دوران حیات پربرکت خویش نه تنها با حضرت زهرا علیها السلام بازی می‌کرد؛ بلکه در سنین انتهایی عمر شریفش با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و حتی بچه‌های کوچکی در مدینه بازی می‌کرد که نقش اثرگذار بازی در تربیت را یادآوری می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۹ق.
۳. _____، _____، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نجف: چاپخانه حیدریه، ۱۳۷۶ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، چاپ دوم، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۵ق.
۷. ابی‌داوود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی‌داوود، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ق.
۸. پورجوادی، نصرالله، جنگ مهدوی: تاریخ کتابت از ۷۵۳ قمری به بعد، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش.
۹. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر المحمودی، طهران: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۱ق.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل‌البت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۱۱. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی، النوادر، قم: دارالکتاب، بی‌تا.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المثورریال بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶؛ احمد بن محمد ابن‌حنبل، مسند حنبل، ج ۶، ص ۲۸۳.

۱۳. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۱۴. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. _____، کتاب من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: منشورات الرضی، ۱۳۹۲ش.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تصحیح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۹. قمی، عباس، سفینة البحار، چاپ اول، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

تشکیل جامعه سالم مبتنی بر ایجاد «خانواده سالم و مطلوب» است؛ زیرا در خانواده است که نیروی انسانی شایسته و متعهد تربیت می‌شود؛ همان نیروی انسانی که در آینده قله‌های علمی، صنعتی... را فتح و رهبری جامعه خویش را بر عهده می‌گیرند. یکی از عوامل مؤثر در تشکیل خانواده موفق، ایجاد فضای معنویت است؛ زیرا معنویت فضایی را در خانواده ایجاد می‌کند که اعضای خانواده احساسات و باورهای دینی‌شان را در آن پرورش می‌دهند و این امر، موجب پایداری و توانمندسازی بیشتری خانواده می‌شود؛ از این‌رو امروزه معنویت در کنار سه بعد زیستی و اجتماعی شخصیت، در سلامتی روانی و بهبود روابط انسان از جمله روابط خانوادگی روشن شده است.^۱ در نگرش اسلامی، «معنویت» با پیروی از شریعت و باورها پیوند ناگسستی دارد؛ از این‌رو با به کار بستن دستورات دینی، خداپاوری، معادگرایی دعا، انس با قرآن و رشد فضایل اخلاقی می‌توان معنویت را به دست آورد. البته معنویت‌افزایی در خانواده باید با مهارت‌هایی شکل گیرد. این نوشتار به دنبال بیان مهارت‌افزایی در خانواده است.

تعریف معنویت

معنویت «حس پیوند به یک بُعد متعالی فراتر از جهان مادی است که می‌تواند مجموعه‌ای از باورها، عقاید و رفتار باشد. معنویت فرد، وضعیت زندگی او را ترسیم می‌کند که تلاش و حالات فرد در راستای رسیدن به خدا (امر قدسی) را مشخص می‌کند. دستیابی به امر قدسی، به زندگی نظم و تعادل می‌بخشد. معنویت، فرایند پویایی جستجوی امر قدسی است که در درون فرد به

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. محمدرضا سالاری‌فر، مهارت‌زناشویی بانگرس به منابع اسلامی، ص ۳۴۵.

صورت فطری وجود دارد و منتظر فرصت است تا خود را نشان دهد. مشخصه معنویت، یافتن معنا و فرارفتن از مادیات است و معمولاً برای تجارب فراتر از دنیای مادی به کار برده می‌شود.^۱

مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده

برای دستیابی به معنویت، مهارت‌هایی وجود دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. انس با قرآن

یکی از مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده، آشنای اعضای خانواده - به‌ویژه فرزندان - با معارف و آموزه‌های قرآن است؛ زیرا قرآن شفای دردهای روحی و جسمی^۲ و عامل هدایت انسان و تبیان همه چیز است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛^۳ این قرآن به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند» و در آیه دیگری فرموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛^۴ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». آری، قرآن کتابی است که رستگاری انسان را در دو جهان تضمین می‌کند و همچون مشعلی فروزان، انسان را از تاریکی نادانی رهایی می‌بخشد و فضای خانواده و جامعه را نورانی می‌کند. بر این اساس اگر در خانواده قرآن تلاوت و در معانی آن تدبر شود، به یقین در آن خانواده دیگر بداخلاقی، اختلافات، اضطراب و استرس و ... کاهش می‌یابد؛ زیرا قرآن ذکر خداوند و بایدها و نبایدهای آن، عامل تأثیرگذار در استحکام خانواده است؛ از این رو در آیات و روایات به تلاوت قرآن تأکید شده است. بنابراین نخست والدین می‌توانند به این امور مبادرت و سپس فرزندان خود را با تلاوت و معارف بلند قرآنی آشنا کنند؛^۵ چنانکه قرآن فرموده است: «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ؛^۶ پس هر چه از آن میسر باشد، بخوانید» و رسول اعظم صلی الله علیه و آله نیز فرموده است:

نَوُّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ... إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ

۱. همان، ص ۳۵۱.

۲. اسراء: ۸۱: «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۳. اسراء: ۹.

۴. نحل: ۱۶؛ نیز ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۸۶.

۵. ر.ک: سید علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۷۵.

۶. مزمل: ۲۰.

لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومَ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛^۱

خانه‌های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید؛ زیرا هر گاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شود، خیر و برکتش زیاد می‌شود و اهل آن به وسعت می‌رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنانکه ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛^۲

قرآن پیمان خداوند با خلقش است. پس سزاوار است که هر فرد مسلمان به عهد و پیمان خویش نگاه کند و همه روزه، پنجاه آیه از قرآن را بخواند.

آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ؛^۳

کسی که در سن جوانی قرآن بخواند، قرآن با خون و گوشت او آمیخته می‌شود. بر این اساس عالمان و شخصیت‌های الهی نه تنها خود به تلاوت، تدبر و انس با قرآن می‌پرداختند؛ بلکه همگان و به‌ویژه فرزندان خویش را به انس با قرآن و تلاوت آن توصیه می‌کردند. شهید مطهری رحمته الله به یکی از فرزندان خود نوشته است:

حتی‌الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می‌کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است، ان شاء الله.^۴

دختر شهید سلیمانی نیز می‌گوید:

بابا برای آرامش قلبش، بیشتر قرآن گوش می‌داد و همیشه به طور مداوم قرآن و نهج‌البلاغه می‌خواند و ... همیشه به ما توصیه می‌کرد قرآن را به صورت مداوم، حتی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۱.

۲. همان، ص ۶۱۰.

۳. همان، ص ۶۰۴.

۴. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «توصیه شهید مطهری به تلاوت روزانه قرآن»، ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، کد خبر: ۳۹۳۳۶۴۷.
<https://iqna.ir/fa/news/3933647>

شده به اندازه چند آیه با معنی قرائت کنیم.^۱

شیخ سلیمان ندوی^۲ نیز می‌گوید:

روزی در اوج شهرت، اقبال لاهوری را ملاقات کردم و به او گفتم: بسیار شگفت‌آور است که من و امثال من که عمری را به تحصیل در علوم مذهبی گذرانده‌ایم، هیچ‌کدام نتوانسته‌ایم به اندازه شما در معارف اسلامی و تأثیر آن در افکار مردم مؤثر باشیم. راز موفقیت شما در چیست؟ اقبال در پاسخ گفت: روزی هنگام صبح که مشغول تلاوت قرآن بودم، پدرم از جلوی اتاق من عبور کرد و مرا در همان حال دید. آن‌گاه پرسید: اقبال! چه می‌خوانی؟ گفتم: قرآن می‌خوانم. گفت: بسیار خوب، لیکن دلم می‌خواهد قرآن را آن‌چنان بخوانی که گویا قرآن بر تو نازل شده است و خدا دارد با تو سخن می‌گوید. این توصیه پدرم در من اثر تازه‌ای گذاشت. از آن پس قرآن را به روش مورد نظر او تلاوت می‌کردم. بنابراین اگر اثری در نشر معارف اسلامی از من به جای مانده است، مولود همان توصیه است.^۳

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری

۲. آموزش فرهنگ دعا و نیایش

یکی از روش‌های مفید و کارآمد معنویت‌افزایی در خانواده، آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ دعاست؛ زیرا دعا تأثیر فوق‌العاده‌ای در ایمان‌افزایی و رابطه انسان با خدا و معنویت دارد. ماه رمضان به دلیل اینکه ماه دعاست، فرصت مناسب برای خواندن دعا در خانواده است؛ یعنی والدین می‌توانند فرزندان خود را آموزش دهند و ایشان را به دعا خواندن سفارش کنند؛ چنانکه که استفاده از دعا به عنوان روشی تربیتی برای تقویت ایمان فرزند در گفتار و سیره اهل بیت علیهم‌السلام بسیار پر رنگ است. در روایت آمده است که امام سجاد علیه‌السلام کودکان را جمع می‌کرد و خطاب به آن‌ها می‌فرمود: «من دعا می‌کنم، شما هم آمین بگویید».^۴ همچنین در روایت آمده است که امام علی علیه‌السلام به امام مجتبی علیه‌السلام فرمود که هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور و هیچ شربت یا جرعه

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «انس علما با قرآن»، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸، کد خبر: ۶۰۹۰.

<https://www.balagh.ir/content/6090>

۲. شیخ الاسلام پاکستان.

۳. علی‌اکبر دیلمی، انس با قرآن، ص ۴۲.

۴. محمدعلی چنارانی، رفتار امامان شیعه علیهم‌السلام با کودکان و نوجوانان، ص ۵۲.

آبی را منوش، جز اینکه قبل از خوردن و آشامیدن این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَالتَّوَّابَةَ بِهِ عَلَي طَاعَتِكَ وَ
ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقَيْتَهُ فِي بَدَنِي وَأَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهِ عَلَي عِبَادَتِكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي
حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؛^۱

پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم تا در خوردن و نوشیدن سالم بمانم و از درد و زیان آن در امان باشم و تا وقتی که آنچه را خوردم و نوشیدم، در بدنم باقی است؛ توانایی و قدرت طاعت و سپاسگزاری از تو را داشته باشم و نیز با نیرویی که به من می‌دهی، مرا به عبادت خویش تشویق فرمایی و پرهیز نمودن از نافرمانی‌ات را به من عنایت فرمایی.

امام حسین علیه السلام نیز فرموده است: «پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه کرد و سفارش نمود تا آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را بر خواندن آن برانگیزانم. همچنین هنگام وفات‌شان این دعا را بر کفن‌شان بنویسم».^۲ همچنین گزارش شده است که حضرت زهرا علیها السلام به دلیل اهمیت شب قدر، در روز فرزندانش را می‌خوابانید تا استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین وسیله زمینه و موقعیت مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده‌داری داشته باشند. ایشان به حدی در این کار جدی بود که امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمود: «فاطمه علیها السلام نمی‌گذاشت کسی از اهل خانه در شب‌های قدر به خواب رود. به آنان غذای کم می‌داد و از روز قبل برای احیای شب قدر آماده می‌شد و می‌فرمود: محروم کسی است که از برکات این شب محروم باشد».^۳ رهبر معظم انقلاب فرموده است:

آنچه که آن وقت (دوران نوجوانی) برای من مطرح بود و عملاً وجود داشت، این بود که اهل دعا و ذکر و دعا‌های ماثور و اعمالی که وارد شده بود، بودم. مثلاً یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به جا آوردم... آن وقت من یادم است که با مادرم - چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبی بود - می‌رفتیم یک گوشه حیاط که سایه بود. منزل ما حیاط کوچکی داشت، آنجا فرش پهن می‌کردیم؛ چون مستحب است که زیر آسمان باشد. هوا گرم بود... روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می‌نشستیم

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۴۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۸۴.

۳. نعمان بن محمد التیمی المغربي، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۳.

و ساعت‌های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می‌دادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز. مادرم می‌خواند، من و بعضی از برادر و خواهرها هم بودند، می‌خواندیم. دوره جوانی و نوجوانی من این‌گونه بود؛ دوره اُنس با معنویات و با دعا و نیایش.^۱

۳. الگوپذیری

والدین به عنوان دو عنصر اصلی خانواده، نقشی کلیدی و بنیادی در معنویت‌افزایی فرزندان ایفا می‌کنند؛ زیرا چشم و گوش کودکان و نوجوانان همچون دریچه‌ای باز است و به خوبی می‌بینند و می‌شنوند و ذهن‌شان، همچون آینه‌ای است که هر چیزی در آن انعکاس می‌یابد؛ با این تفاوت که آینه تصویر اشیا را در خود نگه نمی‌دارد، ولی ذهن کودکان و نوجوانان این‌ها را در خود نگه می‌دارند و الگو قرار می‌دهند. از این‌رو فرزندان با الگوپذیری از رفتار والدین، بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می‌آموزند. بر این اساس اگر والدین عملاً خود به این امر اقدام نمایند، فرزندان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید:

هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند، ولی از حکما و فلاسفه آن‌قدرها پیروی نمی‌کنند، چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب دارند.^۲

پند فعلی، خلق را جذاب‌تر
که رسد در جان هر با گوش و کَر
اندر آن «وهم‌امیری» کم بُود
در حَشَم تأثیر آن محکم بُود^۳

یکی از جوانان می‌گوید: «علت اصلی نماز نخواندن و حجاب نداشتنم، خانواده‌ام هستند. هیچ کس در خانواده‌ام نماز نمی‌خواند؛ آخر حجاب یا نماز برایشان غیرعادی است و من خجالت می‌کشم نماز بخوانم. حس می‌کنم با این کار منزوی می‌شوم. نمی‌توانم در این راه مبارزه کنم، قدرتش را ندارم. می‌ترسم از جمع‌ترد شوم».^۴

تشویق والدین به امور معنوی، از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد معنویت در فرزندان است؛ زیرا

۱. بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز شرکت‌کننده در مسابقات برون‌مرزی، ۱۳۷۱/۰۶/۲۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29681>

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۲۵۴.

۳. محمد مولوی بلخی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۴۸۴ - ۴۸۵.

۴. عشرت رنجبر، «روش‌های جذب جوانان»، مجله افق تبلیغ، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۵.

انسان به‌گونه‌ای آفریده شده است که در راستای تشویق، واکنش مثبت نشان می‌دهد. در روایت آمده است که امام سجاده علیه السلام فرمود:

من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: «چه خواسته‌ای داری؟». عرض کردم: «دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده است، نپرسم». پدرم در مقابل این جمله، به من آفرین گفت و فرمود: «تو مانند ابراهیم خلیلی. به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: [درباره آنچه پیش آمده] از غیر خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است».^۱ بر این اساس اگر والدین فرزندان خود را به خاطر انجام امور معنوی مانند نماز و دعا خواندن و یا شرکت در جلسات روضه و مراسم عبادی تشویق کنند، به یقین معنویت فرزندان افزایش می‌یابد؛ چنانکه شهید مطهری رحمته الله علیه می‌نویسد:

کوشش کنید که بچه‌تان از اول به نماز خواندن رغبت داشته باشد و به این کار تشویق بشود. به هر شکلی که می‌توانید، موجبات تشویق بچه‌تان را فراهم کنید که با ذوق و شوق نماز بخواند؛ زیاد به او بارک‌الله بگویید، جایزه بدهید، اظهار محبت کنید که بفهمد وقتی نماز می‌خواند، بر محبت شما نسبت به او افزوده می‌شود.^۲

یکی از نوه‌های امام خمینی رحمته الله علیه نیز می‌گوید:

وقتی بچه بودم، یک‌بار که امام رحمته الله علیه مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام رحمته الله علیه چند جلد کتاب کودکان که همانجا بود، برداشتند [و به عنوان هدیه] به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام رحمته الله علیه می‌رفتم یا ایشان مرا می‌دید، از من می‌پرسید [آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.^۳

۴. حضور در مساجد و اماکن مذهبی

یکی از مهارت‌های معنویت‌افزایی در خانواده، حضور اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان در

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۷.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۵۲۹.

۳. ر.ک: حسین بافکار، «شیوه‌های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی والدین»، نشریه طوبی،

ش ۲۶، ص ۵۶.

مساجد است؛ زیرا در این مکان مقدس نماز، دعا و توسل به اهل بیت علیهم السلام شکل می‌گیرد که معنویت‌گرایی آنان را به دنبال دارد. قداست مسجد نیز در معنویت‌گرایی فرزندان تأثیرگذار است. در آیات روایات بر جایگاه و قداست مسجد تأکید شده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید». قرآن «مسجد» را کانون و پایگاهی برای عبادت دانسته و فرموده است: «وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا»^۲ و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره اهمیت مسجد فرموده است: «الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ»^۳ مسجد، مجلس انبیاست».

از مجموع این آیات و روایت فوق چنین استفاده می‌شود که حضور نوجوانان، جوانان و کودکان در مسجد برای برنامه‌های عبادی مانند دعا و نماز جماعت موجب علاقه‌مندی آنان به امور معنوی می‌شود. شهید مطهری رحمته الله معتقد است:

بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع، مشوق انسان است.^۴

پژوهش‌های جدید نیز بیانگر آن است که جوانان کاتولیک که از دامن مادران مذهبی برخاسته‌اند، نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز بوده‌اند؛ در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به طور نامنظم به کلیسا می‌رفتند یا اصولاً به کلیسا نمی‌رفتند، نسبت بالاتری را دارا بودند.^۵ آیت‌الله حائری شیرازی رحمته الله می‌گوید:

تحقیق کردیم چرا شهر استهبانات مسجدهایش پر از بچه است؟ دیدیم مزرعه‌هایی در آنجاست که بادام و گردویش، نذر بچه‌هایی است که مسجد بروند؛ یعنی وقتی فصل گردو و بادام است، این‌ها را داخل گونی می‌کنند و به خادم مسجد می‌دهند، این خادم به هر بچه‌ای که به مسجد می‌آید، یک گردو و بادام می‌دهد.^۶

۱. اعراف: ۳۱؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۳۷.

۲. حج: ۴۰؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۸۵.

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۵۳۰.

۵. عشرت رنجبر، «روش‌های جذب جوانان»، مجله افق تبلیغ، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۱.

۶. روزنامه قدس، «وقف و نذر برای تشویق نوجوانان به نماز»، ش ۱۴۰۲۰۵۱۷.

مرحوم آیت‌الله مجتهدی رحمته‌الله نیز می‌فرمود:

در گذشته زمانی که مسجدی ساخته می‌شد، در حیاط آن چند درخت توت هم کاشته می‌شد. بچه‌ها در بهار به نیت خوردن توت به مسجد می‌آمدند، ولی بعد از مدتی حضور برای آن‌ها در این فضا از خوردن توت‌ها هم شیرین‌تر می‌شد. می‌آمدند، دل‌بسته مسجد می‌شدند و می‌ماندند؛ این یعنی ایجاد رغبت و تشویق.^۱

فهرست منابع

۱. بافکار، حسین، «شیوه‌های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی والدین»، نشریه طوبی، ش ۲۶، بهمن ۱۳۸۶، ص ۶۲-۵۶.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «انس علما با قرآن»، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸، کد خبر: ۶۰۹۰.
۳. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «۶ راهکار تربیت فرزندان ولایی»، ۱۴۰۲/۱۰/۱۶، کد خبر ۲۶۰۶۳۱.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی.
۵. التیمی المغربي، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تصحیح: آصف فیضی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ق.
۶. چنارانی، محمدعلی، رفتار امامان شیعه علیهم‌السلام با کودکان و نوجوانان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۸۳ش.
۷. حسینی‌زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام، چاپ ۱۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷ش.
۸. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «توصیه شهید مطهری به تلاوت روزانه قرآن»، ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، کد خبر: ۳۹۳۳۶۴۷.
۹. دیلمی، علی‌اکبر، انس با قرآن، قم: حرم، ۱۳۸۴ش.
۱۰. رنجبر، عسرت، «روش‌های جذب جوانان»، مجله افق تبلیغ، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۱.

۱. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «۶ راهکار تربیت فرزندان ولایی»، ۱۴۰۲/۱۰/۱۶، کد خبر ۲۶۰۶۳۱.
<https://www.598.ir/fa/news/260631>

۱۱. روزنامه قدس، «وقف و نذر برای تشویق نوجوانان به نماز»، ش ۱۴۰۲۰۵۱۷.
۱۲. سالاری فر، محمدرضا، مهارت زناشویی بانگش به منابع اسلامی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱ ش.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: نشر صدرا، [بی تا].
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

آثار و عواقب حسادت و تنگ‌نظری در خانواده‌ها

فرج‌الله میرعرب*

مقدمه

راغب اصفهانی می‌نویسد: «حسد، آرزوی از دست رفتن نعمت کسی است که مستحق آن نعمت باشد و چه بسا حسود برای زوال آن نعمت تلاش نیز بکند».^۱ حسادت در لغت فارسی، به معنای «بد خواستن» یا «بدخواهی» است.^۲ در اصطلاح حکمت و اخلاق، مطابق روایات حسد چنین تعریف شده است که فرد، نابودی نعمت یا نعمت‌های دیگری را آرزو کند؛ گرچه خودش آن را نخواهد. این معنا از تعریف رسول خدا ﷺ درباره حسود فهمیده می‌شود که می‌فرماید: «الْحَاسِدُ، الَّذِي يَتَمَنَّى زَوَالَ النِّعْمَةِ عَنْ صَاحِبِهَا وَإِنْ لَمْ يُرِدْهَا لِنَفْسِهِ؛^۳ حسود، کسی است که نابودی نعمتی را از صاحب آن خواهان است؛ اگرچه آن نعمت را برای خود نخواهد». عالمان اخلاقی تعاریف متعددی را برای حسادت بیان کرده‌اند که برای فهم روشن از آن، چند نمونه نقل می‌شود. ملامهدی نراقی حسد را آرزوی زوال نعمت از برادر مسلمان دانسته است؛ نعمت‌هایی که صلاح او باشد.^۴ امام خمینی رحمته الله علیه در تعریف حسد می‌نویسد: «حالتی است نفسانی که صاحب آن، سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر آرزو کند؛ چه آن نعمت را خود دارا باشد یا نه و چه بخواهد به خودش برسد یا نه.^۵ شهید دستغیب نیز در این زمینه می‌گوید: «هر که از دیدن یا شنیدن نعمتی مانند مال و فرزند یا فضیلت و کمالی مانند علم،

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب لقرآن، ص ۲۳۴.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا.

۳. تاج‌الدین شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۴. ملامهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۹۲.

۵. سید روح‌الله موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۰۵.

شجاعت و سخاوت که دیگری دارا شده، ناخشنود و خشمگین شود و نتواند این نعمت و فضیلت را در او ببیند و گرفته شدن آن را از او بخواهد یا گرفته شدن از او و رسیدن به خودش را آرزومند باشد، این حالت درونی حسادت است»^۱.

اهمیت پرداختن به مسئله حسادت

یکی از مشکلات زندگی خانوادگی و روابط اجتماعی، پدیده حسدورزی یا حسادت است که پیامدهای شومی به بار آورده است و این پیامدها موجب توجه خاص اسلام به آن شده است. حسود موجود خطرناکی برای خود، خانواده و جامعه است. ریشه خطر او در این است که او در واقع معترض بر حکمت خداست که چرا به افرادی نعمت بخشیده و مشمول عنایت خود قرار داده است؛ چنانکه در آیه ۵۴ سوره مبارکه نساء آمده است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...؛ آیا به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده است، حسادت می‌کنند...».

در واقع فرد حسود، خدا را حکیم و عادل نمی‌داند و این مسئله، نشانه ضعف ایمان اوست. مرحوم آیت‌الله طالقانی درباره پیامد حسد می‌نویسد: «کسی که دارای طبیعت و خوی حسد است، این خوی چون دیگر خوی‌های پست ناشی از کوتاه‌بینی و ناتوانی و زبونی روحی است و اثرش در نفس حاسد این است که بدون حساب سود و زیان از نعمت و قدرت دیگری رنج می‌برد و خود را می‌خورد و چون این خوی برانگیخته شده از درون سر می‌زند، بنابراین فتنه بر می‌انگیزد و زیان‌ها می‌رساند»^۲.

بنابراین می‌توان گفت منشأ هر مفسده و ظلمی که در عالم اتفاق افتاده است، حسد بوده است. شیطان به آدم علیه السلام حسد برد و از درگاه خداوند رانده شد. پسر آدم علیه السلام به برادرش حسد برد و او را کشت. کفار به انبیاء علیهم السلام حسد بردند و آن‌ها را آزار دادند یا کشتند و دچار عذاب شدند. عاشقان قدرت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام حسادت ورزیدند و این مسئله موجب شد مسیر اسلام عوض شود؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «الْحَسَدُ دَاءٌ عَيَاءٌ لَا يَزُولُ إِلَّا بِهَلْكَ الْحَاسِدِ أَوْ مَوْتِ الْمَحْسُودِ»^۳ حسد، بیماری علاج‌ناپذیری است که جز با از پای درآمدن حسود یا مرگ

۱. سید عبدالحسین دستغیب، قلب سلیم، ص ۵۳۱.

۲. سید محمود طالقانی، تفسیر پرتوی از قرآن، ص ۳۱۰.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۰.

طرف مقابل زوال نمی‌پذیرد».

توانم آن که نیازم اندرون کسی حسود را چه کنم کوز خود به رنج در است
بمیر تا برهی ای حسود کاین رنجی است که از مشقت او جز به مرگ نتوان رست

پیامدهای حسادت و تنگ‌نظری در خانواده

سرچشمه بسیاری از مشکلات خانواده، تنگ‌نظری و حسادت است. خطر حسادت در خانواده چنان است که با وجودی که حیات انسانی بر اساس آفرینش الهی باید پر از کرامت، عظمت، مهر، محبت و... باشد، ولی حسادت ضد این سنت الهی است. اگر خدای متعال در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، حسود، بزرگی و کرامت دیگران و حتی اعضای خانواده خود را تحمل نمی‌کند. اگر خدای متعال در سوره مریم آیه ۹۶ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد»، حسود دوست ندارد که محبوبیت خوبان و درستکاران را در جامعه و خانواده ببیند. از همین‌رو برادران یوسف با آن کودک که محبوب پدر بود، دشمنی کردند و به ذلت برادرفروشی و دروغ‌گویی و اهانت به پدرشان تن دادند. بر این اساس برخی پیامدهای تنگ‌نظری و حسادت را در سلامت خانواده برمی‌شماریم.

۱. زندگی ناخوشایند

زندگی لذت‌بخش، مهم‌ترین نیاز خانواده است. حسادت، دشمن این عنصر مهم است. اگر یکی از اعضای خانواده حسود باشد، عیش دیگران را نیز خراب خواهد کرد. از نظر امیرمؤمنان علی علیه السلام، فرد حسود زندگی خوشی ندارد: «اَسْوَأُ النَّاسِ عَيْشًا اَلْحَسُودُ؛ بدترین نوع معیشت و زشت‌ترین نوع زندگی در میان مردم، زندگی حسود است».

۲. بیماری دائمی

سلامتی جسمی و روحی، عامل بسیار مهم زندگی خوب و آرام است. متأسفانه حسادت، موجب سلب نعمت سلامتی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «اَلْعَجَبُ لِغَفْلَةِ

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۰.

الْحَسَادِ عَنِ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ؛^۱ خیلی عجیب است که حسودان از سلامتی جسمی غافل هستند؛ یعنی نمی‌دانند که حسادت حتی جسم را بیمار می‌کند. آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ»^۲ سلامت و درستی جسم متناسب با کمی حسادت است. پس هر چه حسادت بیشتر باشد، فرد بیمارتر است.

خطرناک‌تر از بیماری جسمی، بیماری روانی است که حسادت، عامل اصلی آن است. از نظر امام علی علیه السلام حسود، بیماری دائمی دارد و وجود او موجب سلب آسایش خانواده و اطرافیان است: «الْحَسُودُ دَائِمُ السُّقْمِ وَإِنْ كَانَ صَحِيحَ الْجِسْمِ»^۳ حسود همیشه بیمار است، اگرچه جسمش سالم باشد. در روایات نیز به صراحت اشاره شده است که حسود ممکن است هیچ بیماری جسمی نداشته باشد، ولی بیماری روانی بسیار بدتر از بیماری جسمی است. در کلام دیگری از مولای متقیان، علی علیه السلام بر بیماری روحی و روانی حسود تأکید شده است: «الْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ»^۴ حسد روح انسان را زندانی می‌کند و از درک حقایق باز می‌دارد.

۳. نابودی روابط دوستانه

خانواده، محل تجربه کردن محبت و روابط دوستانه است؛ ولی حسد مانع آن می‌شود که انسان در قلوب معاشران خویش، محبوبیتی پیدا کند و روابط اعضای خانواده دوستانه باشد. از این رو حسود از مزایای همکاری و نعمت عواطف محروم خواهد ماند. حسادت، امواج نفرت و انزجار اطرافیان را به جانب خود می‌کشانند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «الْحَسُودُ لَا خُلَّةَ لَهُ»^۵ حسود هیچ دوستی ندارد. از این رو اگر یکی از اعضای خانواده تنگ‌نظر باشد و خوبی دیگران را نخواهد بیند، روابط دوستانه در خانواده دچار چالش خواهد شد.

نمونه پیامدهای حسادت در خانواده‌ها

نمونه بارز خطرناکی حسادت، ماجرای فرزندان آدم علیه السلام یعنی هابیل و قابیل است. برادری در روزگاری که همه انسان‌ها فقط یک خانواده بودند و همه کره زمین در اختیار آن‌ها بود، برادر

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶.

۲. همان.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۱.

۴. همان، ص ۲۹۹.

۵. همان، ص ۳۰۱.

دیگرش را در اثر حسادت کُشت. هابیل، دامدار خانواده و قابیل، کشاورز بود. این دو برادر هر سال از تولیدات خود در راه خدا مصرف می‌کردند. یک‌بار که هابیل گوسفند خوبی را با رعایت تقوا فدا داد و قابیل از محصول بی‌کیفیت مصرف کرد؛ خدای متعال بنا بر آیه ۲۷ سوره مائده، پیام داد که از هابیل قبول شد و از قابیل پذیرفته نشد. قابیل تنگ‌نظر به جای اینکه توبه کند و به فکر اصلاح خود بیفتد، به هابیل گفت: «لَأَقْتُلَنَّكَ؛^۱ تو را می‌کُشم». هابیل که مرد با تقوایی بود، جواب داد: «لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ اگر تو برای کشتن من دست را دراز کنی، من برای کشتن تو دستم را دراز نمی‌کنم؛ زیرا از خدا پروردگار جهانیان می‌ترسم».

نصیحت برادر در قابیل اثر نکرد و او از خدا نترسید و برای خنک شدن آتش حسادت، برادرش را کُشت. امام باقر علیه السلام فرموده است: «شیطان که می‌تواند مانند خون در رگ انسان نفوذ کند، نزد قابیل آمد و گفت: چون قربانی هابیل قبول شد و از تو رد شد، اگر چاره‌ای برای این کار نکنی؛ فرزنددار خواهد شد و فرزندان او بر فرزندان تو فخر می‌کنند و می‌گویند ما فرزند کسی هستیم که قربانی‌اش قبول شد و شما فرزند کسی هستید که خدا قربانی او را نپذیرفت. صلاح این است که او را بکشی تا دارای فرزندی نشود و بر فرزند تو فخر نکنند. قابیل هم او را کشت. وقتی پیش آدم علیه السلام آمد، به او گفت: ای قابیل! هابیل کجاست؟ گفت: بروید همان جایی را که قربانی کردیم، بگردید. وقتی آدم علیه السلام جستجو کرد، هابیل را کشته یافت. آدم علیه السلام گفت: نفرین بر تو زمین که خون هابیل را قبول کردی».^۲ از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که به آدم علیه السلام دستور داده شد تا قابیل را لعنت کند و از آسمان ندا آمد: «نگون‌بخت گردی آن‌گاه که برادرت را کشتی».^۳

اعضای خانواده باید به داشته‌های خود قانع باشند و از خوبی‌های دیگر اعضای خانواده الگوگیری کنند، نه اینکه با خوب و خوبی دشمنی کنند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام فرمود: «لَا تَحْسُدَنَّ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي، وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ ذَلِكِ، وَلَا تَتَّبِعْهُ نَفْسَكَ، فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاخِطٌ لِّنِعْمِي، صَادٌّ لِّقِسْمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ

۱. مائده: ۲۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۴۳ و ج ۲۳، ص ۶۳.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۲۳۰.

عِبَادِي وَمَنْ يَكُ كَذَلِكِ فَلَسْتُ مِنْهُ وَ لَيْسَ مِنِّي؛ ای موسی! هرگز در مورد آنچه به مردم از فضل عطا کرده‌ام، حسادت نکن و چشم به آن‌ها ندوز و آن‌ها را در دل پیگیری نکن؛ زیرا حسود نسبت به نعمت‌های من خشمگین و مخالف تقسیمی است که در میان بندگانم کرده‌ام. هر کس چنین باشد، نه من از اویم و نه او از من است».

حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام نیز مانند هابیل و قابیل دو برادر بودند، ولی از آنجا که هارون علیه السلام به جایگاه موسی علیه السلام حسادت نکرد، با سعادت تمام زندگی کردند.

داستان حضرت یوسف علیه السلام و برادران، نمونه دیگری است که نشان می‌دهد حسادت تا چه اندازه برای تداوم مهر و محبت در خانواده، مضر است. فضیلت یک برادر و حسادت به محبت پدر نسبت به او، برادران یوسف را واداشت که زشت‌ترین کار را نسبت به یک کودک انجام دهند و برای مخفی کردن گناه خود دروغ جمعی نیز گفتند. قرآن کریم دلیل حسادت برادران یوسف علیه السلام را بیان کرده است:

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ *
 اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهٌ أَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا
 صَالِحِينَ؛^۲

هنگامی که (برادران) گفتند: یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدر از ما محبوب‌ترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم. مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است * یوسف را بکشید یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید تا توجه پدر، فقط به شما باشد و بعد از آن (از گناه خود توبه می‌کنید و) افراد صالحی خواهید بود».

حسادت به برتری یوسف علیه السلام موجب شد، پیامبر خدا را گمراه بخوانند و کودکی را درون چاه بیندازند و برادر خود را بفروشند.

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است در ماجرای حضرت یوسف علیه السلام و ابراز علاقه‌ای که یعقوب علیه السلام نسبت به او و برادرش بنیامین می‌کرد، بر اساس حساب بود؛ ولی این ماجرا نشان می‌دهد که حتی باید بیش از مقدار لازم در این مسئله حساس و سختگیر بود؛ زیرا گاه ابراز علاقه نسبت به یک فرزند، چنان عقده‌ای در دل فرزند دیگر ایجاد می‌کند که او را به هر کاری و می‌دارد و فرزند آن چنان شخصیت خود را در هم شکسته می‌بیند که برای نابود کردن شخصیت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. یوسف: ۸ و ۹.

برادر یا دیگر اعضای خانواده، حد و مرزی نمی‌شناسد؛ حتی اگر نتواند عکس‌العملی از خود نشان دهد، از درون خود را می‌خورد و گاه گرفتار بیماری روانی می‌شود. ایشان خاطره‌ای نقل کرده است که درس‌آموز است. ایشان نوشته است:

فراموش نمی‌کنم فرزند کوچک یکی از دوستان بیمار بود و طبعاً نیاز به محبت بیشتر داشت. پدر برادر بزرگ‌تر را به صورت خدمتکاری برای او در آورده بود. چیزی نگذشت که پسر بزرگ گرفتار بیماری روانی ناشناخته‌ای شد. به آن دوست عزیز گفتم: «فکر نمی‌کنی سرچشمه‌اش این عدم عدالت در اظهار محبت بوده باشد». او که این سخن را باور نمی‌کرد، به طیب روانی ماهر مراجعه کرد. طیب به او گفت: «فرزند شما بیماری خاصی ندارد. سرچشمه بیماری‌اش، همین است که گرفتار کمبود محبت شده و شخصیتش ضربه دیده است؛ در حالی که برادر کوچک این همه محبت دیده است».^۱

مدیریت خانواده ایجاب می‌کند که از داستان عبرت گرفته شود و والدین مراقب تحریک حسادت فرزندان خود باشند؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «من گاهی یکی از فرزندان را مورد محبت قرار می‌دهم و حال آنکه می‌دانم حق با فرزند دیگر است؛ به این دلیل این کار را می‌کنم تا بر ضد سایر فرزندانم تحریک نشود و آن‌چنانکه برادران یوسف علیه السلام به وی کردند، رفتاری از او سر نزنند».^۲

پیشگیری از حسادت و درمان بیماری

بی‌شک بیماری‌های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی به بیماری جسمی او دارد. هر دو کشنده است و هر دو نیاز به طیب و درمان و پرهیز دارد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره درمان بیماری‌های روحی و روانی راهکار معالجه داده‌اند. خدای متعال در سوره اسراء آیه ۸۲ می‌فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «قرآن شفاست و شفا از مرض است».^۳ همچنین خدای متعال تصریح کرده است که قرآن، درمان بیماری‌های روحی و رفع‌کننده پلیدی‌های دل است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۲۸.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۵۰.

مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ...^۱ ای مردم کتابی برای شما آمده است که اندرز و پند برای شماست و شفا بخش بیماری دل‌ها و سینه‌های شماست...». راغب اصفهانی معتقد است شفا در این آیه، به پاک‌سازی دل‌ها اشاره دارد.^۲ خدای متعال در سوره فلق نیز راه درمان قطعی بیماری صعب‌العلاج حسد را پناه بردن به خدا معرفی کرده و فرموده است: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ... وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»^۳ بگو به خدای سپیده‌دمان پناه می‌برم از شرّ حسود بدخواه، آن‌گاه که حسد می‌ورزد». در سوره نساء نیز عدم چشم‌داشت به داشته‌های دیگران، راه درمان حسادت معرفی شده است:

و لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛^۴

نعمت‌ها و برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید. مردان از آنچه به دست می‌آورند، نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ يك پامال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا برای رفع تنگناها طلب کنید و خداوند به هر چیز داناست.

خدای متعال نمونه شاخصی از تأثیر چشم‌داشت در فضیلت‌های دیگران را حسادت به پیامبران و جانشینان آنان معرفی و از حسودان انتقاد کرده است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكَاً عَظِيماً؛^۵ چرا نسبت به مردم [پیامبر و خاندانش] و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی را در اختیار آن‌ها قرار دادیم». از همین روست که امام صادق علیه السلام فرموده است:

... وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تَمُدُّوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أُنْبَاءِ الدُّنْيَا، فَمَنْ مَدَّ ظَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ، طَالَ حُزْنُهُ وَ لَمْ يَشْفِ عَيْظُهُ وَ اسْتَصْعَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ. وَ انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ

۱. یونس: ۵۷.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۵۹.

۳. فلق: ۱ و ۵.

۴. نساء: ۳۲.

۵. نساء: ۵۴.

دُونَكَ، فَتَكُونُ لَأَنْعَمِ اللَّهُ شَاكِرًا وَّ لِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا وَّ لِحُودِهِ سَاكِنًا؛^۱

از چشم دوختن به آنچه در دست مردم است، بپرهیزید؛ چرا که هر کس چنین کند، اندوهش طولانی می‌گردد و هرگز خشمش فروکش نمی‌کند و نعمت خداوند را که نزد وی است، کوچک می‌شمارد؛ در نتیجه خداوند را کمتر شکر می‌کند. به کسی که [در برخورداری از نعمت] پایین‌تر از توست، نگاه کن تا شکرگزار نعمت‌های خداوند شوی؛ بلکه سزاوار افزایش نعمت خداوند شوی و در دریای جودش شناور گردی.

شهید ثانی درباره راهکارهای پیشگیری از حسادت فرزندان با یکدیگر، عدالت و ترک امتیاز دادن به بعضی را راه علاج دانسته و در مورد عواقب امتیاز دادن گفته است: «امتیاز دادن به بعضی از فرزندان موجب عداوت و دشمنی در بین آنها خواهد شد؛ چنانکه در تاریخ زندگی خود شاهد آن بوده و شنیده‌ایم. افزون بر آن اگر پدری به یکی از فرزندان خود بیشتر از دیگران تمایل نشان دهد و به او امتیاز (به عنوان کمک مالی یا به صورت دیگر) دهد، دیگران نسبت به وی حسد خواهند برد؛ در نتیجه موجب قطع رحم می‌گردد».^۲ در واقع نظر شهید برگرفته از این سیره پیامبر ﷺ است که وقتی مردی در حضور ایشان یکی از فرزندان را بوسید و نسبت به دیگری این عمل را انجام نداد، آن حضرت فرمود: «فَهَلَّا وَاَسْبَبْتَ بَيْنَهُمَا»^۳ چرا با آنها با مساوات عمل نمودی». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «اعِدُّلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعِدُّلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ»^۴ با فرزندان‌تان عادلانه رفتار کنید، همان‌گونه که دوست می‌دارید با عدل و نیک و لطف با شما برخورد شود».

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: مکتب الاعلام، ۱۳۶۶ ش.

۲. حسینی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۷، ح ۷۸.

۲. زین‌الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۶، ص ۲۸.

۳. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۴۷۰۴.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳. دستغیب، سید عبدالحسین، قلب سلیم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۱ ش.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۶. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۸. طالقانی، سید محمود، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۳.
۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: اسلامیه، مکرر.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴ ش.
۱۵. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، مکرر.
۱۶. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، تحقیق محمد کلاتر، بیروت و نجف، ۱۹۶۷ م، چاپ افسست، بی تا.

نقش بانوان در مقاومت معاصر غزه

سید علی اصغر موسوی*

مقدمه

در اغلب جوامع بشری، زنان به عنوان ستون‌های مدنیت اجتماعی در مقاومت‌های ملی و مذهبی مؤثر بوده‌اند. بانوان همواره در حفظ و پایداری اسلام، نقش شگرفی ایفا کرده و در کنار مردان حضور داشته‌اند؛ چنانکه مقام معظم رهبری علیه السلام فرموده است: «... ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند»^۱. البته نحوه عملکرد مادران ایرانی در تربیت فرزندان با ایمان، تشکیل هسته‌های مقاومت و پشتیبانی و... در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نشان‌دهنده الگوبرداری این بانوان از شیوه زندگی حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام است. حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان اسوه ایثار و مقاومت، همواره حق طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر درجا زدن و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت ترجیح دادند و تاریخ رفتار سیاسی آن حضرت چنان بر جهان اسلام تأثیر داشت که جریان انحرافی اموی نتوانست به اهدافش - تغییر ماهیت قرآن و اسلام - برسد. حضرت زینب علیها السلام نیز با حضور در کربلا علیه ظلم و ستم مبارزه کرد و روحیه ظلم‌ستیزی و حق‌مداری را در تاریخ نهادینه نمود^۲ تا آنجا که امروز شاهد مقاومت زنان رنج‌کشیده غزه به عنوان بهترین مصداق اسلامی زنان مقاوم عصر حاضر هستیم؛ زنانی که در

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد حضرت زینب علیها السلام، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2230>

۲. سید علی اصغر موسوی، فاطمه علیها السلام مادر تمام خوبی‌ها، ص ۱۱۴ - ۱۲۰.

نهایت رضایت و شکر، با دست خود غنچه‌های پرپر شده شهیدان‌شان را مانند بذر به دل خاک می‌سپارند. شهادت چند هزار کودک، خود گواه قدرت یقین این مادران است که به خداوند، دین، میهن و فرزندان غیور خود ایمان دارند و ایستاده‌اند تا نگاه تاریخ را به شرافت فرزندان مقاومت اسلامی تغییر دهند و برای دستیابی به این هدف ارزشمند، همراه مردان و جوانان در برابر استکبار جهانی به ویژه آمریکا و اسرائیل مبارزه می‌کنند. این نوشتار نقش آفرینی بانوان غزه در مقاومت معاصر غزه را تبیین می‌کند.

عرصه‌های حضور زنان

۱. عرصه‌های نظامی و حمایتی

بانوان از صدر اسلام تا کنون همواره به عنوان ستون‌های محکم نهضت‌های مقاومت، وظایف گسترده‌ای بر عهده داشته‌اند. از آنجا که «مقاومت در برابر ظالمان از اصول مهم دین است، باید در برابر زیاده‌خواهی و ظلم دشمنان دین ایستادگی کرد»^۱ اگر چه در اسلام جهاد ابتدا بر زنان واجب نیست، اما با توجه به شرایط جامعه زنان نیز می‌توانند در دفاع فیزیکی مشارکت داشته باشند؛ زیرا دفاع از دین، ناموس و وطن، وظیفه الهی و همگانی است. «جهاد دفاعی، زمانی است که دشمن به کیان و سرزمین مسلمین تجاوز و یا قصد آن را دارد و همچنین هدف فرد جهادگر مسلمان، آزاد کردن افراد ستم‌دیده از سلطه استعمارگران و چپاولگران فرهنگی و اقتصادی است. این نوع جهاد بر همه افراد اعم از زن و مرد واجب است»^۲.

بر این اساس در گزاره‌های دینی دفاع از اسلام و انسان‌های مظلوم، وظیفه همگانی است: «... مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ»^۳ شما را چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید». در آیه دیگری فرموده است:

وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ

۱. سید حسین فرمی‌باف و همکاران، «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات»، نشریه سیاست دفاعی، سال ۱۳۹۹، شماره ۱۱۲، ص ۱۹۴.

۲. الهه وکیلی، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ص ۵۶۹.

۳. صافات: ۲۵.

اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا^۱

چرا در راه خدا و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستمیده‌ای] که می‌گویید: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود یار و یابوری برای ما تعیین فرما،

اما این آیه بر اساس تحریک عواطف انسانی به سوی جهاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: «چرا شما در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان مظلوم و بی‌دفاعی که در چنگال ستمگران گرفتار شده‌اند، مبارزه نمی‌کنید؟ آیا عواطف انسانی شما اجازه می‌دهد که خاموش باشید و این صحنه‌های رقت‌بار را تماشا کنید؟»^۲

روایات نیز حمایت از مظلومان و مبارزه با ظالمان را وظیفه هر مسلمانی می‌دانند؛ چنانکه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛^۳ هر کسی که صبح کند و اهمت‌امی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست». امام علی عَلِيٌّ نیز فرموده است: «عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَ لَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخَزَامَتِهِ حَتَّى أُورِدَهُ مَنَهْلَ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهًا؛^۴ به خدا سوگند! داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ظالم را می‌کشم تا وی را به آب‌شخور حق وارد سازم؛ هر چند کراهت داشته باشد». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «وَكُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛^۵ همواره دشمن ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید».

با توجه به وظیفه رسالت همگانی است که زنان ایران در جبهه حضور یافتند. تجاوز سربازان عراقی به شهرهای مرزی و بمباران‌ها و حملات موشکی موجب شد تا زنان اسلحه به دست بگیرند و به طور مستقیم با دشمن مواجه شوند تا آنجا که یکی از رزمندگان می‌گوید:

در قبرستان خرمشهر، زن ۶۵ ساله‌ای را دیدم که تفنگ ام‌یک بر دوش دارد. از او پرسیدم چه می‌کنی؟ گفت: پسر و دخترم را که در راه آزادی خرمشهر می‌جنگیدند،

۱. نساء: ۷۵؛ نیز ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۴.

۴. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۱۹۶.

۵. همان، ص ۴۲۱.

دفع کردن و من برای ادامه راه آنها می‌روم و باید از دین خود دفاع کنم. این تنها وظیفه مردان نیست، وظیفه من هم هست. او جنگید و سرانجام با ترکش خمپاره شهید شد.^۱ زنان فلسطینی نیز به طور مستقیم با حضور خود در نهضت مقاومت نظامی نقش آفرینی کرده‌اند. پیشینه تاریخی انتفاضه فلسطین با حرکت شجاعانه یک دختر به نام «عطاف علیان»^۲ آغاز شد. از طرفی با شروع انتفاضه دوم از سال ۲۰۰۰، زنان قدرتمندتر به میدان وارد شدند و حتی عملیات‌های استشهادی توسط «آیت الاخراس» داشتند. وی در مارس ۲۰۰۲، با کمر بند انفجاری در اورشلیم به شهادت رسید. دو سال بعد هم دختر دیگری به نام «ریم ریاشی» وابسته به حماس در گذرگاه اریز شمال غزه، میان سربازان صهیونیستی عملیات استشهادی انجام داد.^۳ از دیگر عرصه‌های نقش آفرینی زنان غزه، اقدامات حمایتی آنان است. بسیاری از زنان در پشت جبهه‌ها، وظیفه پشتیبانی از رزمندگان را بر عهده دارند. حمایت آنان گاه به صورت انجام کارهای پرستاری، خدماتی، شبکه‌سازی و ... است. برای مثال در ۴ آذرماه ۱۴۰۲ و هنگام تحویل اسرای زنان و کودکان صهیونیستی، تصاویری از بانوان شاخه نظامی حماس منتشر شد. به نظر می‌رسد حماس از این خانم‌ها در اداره امور زنان و کودکان اسیر اسرائیلی استفاده کرده است.^۴

بانوان غزه با استعانت از کلام خداوند که می‌فرماید: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی

۱. پرنال امام خمینی علیه السلام، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، ۱۳۹۷/۰۲/۲۹، کد خبر: ۱۷۰۳۹۸.
<http://www.imam-khomeini.ir/fa/n142484>

۲. نا آرامی در سرزمین‌های اشغالی از ماه می ۱۹۸۷ شدت یافت. نا آرامی‌ها از آنجا آغاز شد که شش مجاهد فلسطینی توانستند در روز ۱۷ ماه می ۱۹۸۷ از زندان مرکزی غزه فرار کنند. در عرض کمتر از سه هفته بعد یعنی در ۲۵ اوت ۱۹۸۷، مقام‌های نظامی اسرائیل اعلام کردند یک هسته مقاومت اسلامی دیگر را که افراد آن در تعدادی از شهرهای کرانه باختری فعالیت می‌کردند و قصد داشتند در عملیات انتحاری اتومبیلی را روی یک هدف اسرائیلی منفجر کنند، متلاشی ساخته‌اند. قرار بود عملیات انتحاری را دوشیزه «عطاف داوود علیان» با راندن اتومبیل و بعد منفجر کردن آن انجام دهد.

۳. روزنامه جام‌جم، «ورود زنان غزه به حوزه عملیات‌های استشهادی»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۷، ش ۶۶۴۴، ص ۱۲.
 ۴. جام‌جم آنلاین، «انتشار اولین تصاویر از کادر بانوان شاخه نظامی حماس»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴، کد خبر:

هستند که نمی‌فهمند^۱ دریافته‌اند که تنها راه تحکیم نهضت مقاومت، وحدت میان طبقات مختلف جامعه است؛ از این رو برای شبکه‌سازی و پیوستن اعضای مختلف جامعه به هدف مشترک مقاومت تلاش کرده‌اند. برای مثال شاخه دانشجویی حماس معروف به «انجمن اسلامی» با رفتن به منازل و انتشار مفاهیم این جنبش در میان دانشجویان، زنان کارگر و... را به حمایت از حماس تشویق می‌کنند.^۲ همچنین بعد از پیوستن به گروه بر اساس توانمندی به هر یک از آنان مسئولیتی داده می‌شود. برای مثال گزارشگر روزنامه آنلاین «المانیتور» در جریان گزارش مقرر کمیته زنان جنبش حماس در غزه، شاهد آموزش کار زنان در بخش‌های مختلف از جمله نیروهای داوطلب، آموزش و روابط عمومی بوده است.^۳

۲. عرصه تربیتی

یکی از عرصه‌های حضور بانوان در جبهه مقاومت، تربیت و رسیدگی به کودکان غزه است؛ چنانکه اغلب کودکان فلسطینی در پاسخ به سؤال یک امدادگر درباره پناهگاه امن آن‌ها هنگام وقوع بمباران، تأکید کردند که به آغوش مادر پناه می‌بریم؛ حال آنکه حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه نشان داد که مادر و آغوش مادر، یکی از اهداف این رژیم است؛^۴ زیرا مادران، مهم‌ترین عامل تداوم روحیه مقاومت در نسل‌های مختلف فلسطین هستند؛ مادرانی که در نقش‌های فرزندی، خواهری، همسری و مادری همواره به شهادت منسوب شده‌اند، اما با صبر و عزم راسخ همواره از آرمان‌های مقاومت دفاع کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در مراسم شهادت عزیزان‌شان نیز اشعار حماسی سر می‌دهند. آن‌ها مسیر تربیتی فرزندان خود را با هجوم ویرانی‌های خصمانه جنگ، از بهشت شهادت می‌گذرانند تا علاقه به مقاومت و استکبارستیزی را در باورهای جامعه خود نهادینه کنند. این مادران تفکر مقاومت را با چند شیوه همانند بازگویی تجارب فرهنگی و پیشینه تاریخی، الگودهی، پایبندی به اراده ملی، همدلی و شبکه‌سازی و تسلیم در برابر مقدرات الهی به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند. آن‌ها با بهره از منابع انتقال

۱. انفال: ۶۵.

۲. خبرگزاری فارس، «نقش کلیدی زنان فلسطینی در جنبش حماس»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، کد خبر: ۱۳۹۳۱۲۱۶۰۰۱۱۷۴.

<https://www.farsnews.ir/news/13931216001174>

۳. همان.

۴. شبکه العالم، «پناهگاه امن کودکان غزه کجاست؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، کد خبر: ۶۷۳۳۸۱۸
<https://fa.alalam.ir/news/6733818>

ارزش‌های مشترک فرهنگی همچون داستان‌ها، اشعار حماسی و محلی و ...، تجارب فردی و پیشینه تاریخی استقامت‌شان را به فرزندان‌شان می‌آموزند. این‌گونه است که فرزندان فلسطین و به‌ویژه غزه مقاومت را به عنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته‌اند و پیوسته خود را آماده شهادت می‌کنند؛ چنانکه کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته‌جمعی شهدای غزه بازی می‌کنند و می‌گویند: «در این خاک‌ها بازی می‌کنیم و همین‌جا دفن می‌شویم».^۱

قرآن درباره استقامت این افراد می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛^۲

به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

در واقع مادران غزه نمایندگان از اراده ملی، الگوی عملی و بارزی برای فرزندان خود هستند. آن‌ها در خلال رفتار و گفتار خود، پابندی به ظلم‌ستیزی و تعهد به ارزش‌های مقاومت را به فرزندان‌شان آموزش می‌دهند. استقامت آنان به وفور در گزارش‌های خبری دیده می‌شود. «مادری از میان آواره‌های خانه‌اش، شانه دخترش را پیدا و موهای او را شانه می‌کند. مادری با حداقل مواد غذایی برای فرزندان خود غذای خلاقانه درست می‌کند. مادری از زیر آوار اسباب‌بازی‌های شکسته، فرزندش را بیرون می‌آورد و ...». این مادران پیام مستقیمی از تلاش و بردباری را به فرزندان خود منتقل می‌کنند که ترجمان آن در پاسخ‌های کودکان غزه تبلور می‌کند، آنجا که در پاسخ به مصاحبه‌ای می‌گویند قصد دارند پس از پایان جنگ، خانه‌های خود را بازسازی کنند و هرگز به ترک خانه‌هایشان که منهدم شده است، فکر نمی‌کنند.^۳

بر این اساس بانوان غزه همواره برای ارتقای سطح درک نسل نوجوان و جوان از مفهوم مقاومت سلحشورانه، فرزندان وطن را به حمایت از مقاومت ملی تشویق می‌کنند. این فرایند

۱. شبکه العالم، «ویدیوی تکان‌دهنده بازی کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته‌جمعی»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۳۷۱۸.

<https://fa.alalam.ir/news/6735718>

۲. فصلت: ۳۰.

۳. شبکه العالم، «کودکان غزه از آرزوهای خود می‌گویند»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۲، کد خبر: ۶۷۳۲۹۵۸.
<https://fa.alalam.ir/news/6732958>

تکرار افزون بر اقتناع، موجب فراموش نکردن اهمیت پایبندی به ارزش‌های این اراده ملی در حرکت تا پیروزی خواهد شد. یکی از بانوان در مصاحبه‌ای می‌گوید:

۲۰ روز پیش بمبی روی خانواده‌ام افتاد. هشت برادر رفتند و هیچ‌کس نماند. امروز عمه‌ام و بچه‌هایش شهید شدند. خانه خانواده من پنج طبقه بود، اما الان ۲۰ متر زیر زمین است و هیچ عضوی از مقاومت در آنجا نبود. ما از مقاومت حمایت می‌کنیم و می‌خواهیم مقاومت ادامه پیدا کند.^۱

۳. عرصه سرپرستی و مدیریتی

مادران در سراسر جهان برای مدیریت خانواده در وضعیت‌های چالش برانگیز، از تفکر انعطاف‌پذیر بهره می‌برند؛ در حالی که مادران در غزه باید خانواده‌ای را مدیریت کنند که نه تنها در دستیابی به حداقل نیازهای حیاتی دچار مشکل است؛ بلکه با انواع سوگ، آسیب‌های جسمی، روانی و ... دست و پنجه نرم می‌کند. این مادران برای ایجاد محیطی امن برای خانواده، تمام تلاش‌شان را به کار می‌بندند تا بتوانند با حمایت‌های معیشتی و روحی فرزندان و به‌ویژه کودکان‌شان را با این شرایط تحمل‌ناپذیر منطبق کنند؛ آن هم در وضعیتی که به گزارش «نهادهای سازمان ملل بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار آواره فلسطینی در هر کجای نوار غزه، نه از بمباران‌های اسرائیل در امان هستند و نه سرپناهی ایمن در برابر سرما و باران دارند».^۲ شمار زیادی از فلسطینیان غزه با توجه به تمام شدن سوخت موتورهای آب، روزانه در اطراف تنها ایستگاه آب‌شیرین‌کن که تنها چند ساعت کار می‌کند، صف می‌کشند تا آب آشامیدنی خود را تأمین کنند. بنا بر گزارش العالم فروشگاه‌های باریکه غزه قبل از جنگ هیچ‌گاه در این وضعیت نبودند. اکنون هیچ یک از کالاهای ضروری در داخل قفسه‌ها به چشم نمی‌خورد. تأخیر در تأمین مواد غذایی، موجب ایجاد صف‌های طولانی برای شهروندان شده و ده‌ها هزار نفر از شهروندان برای دریافت یک یا دو کیسه آرد، ساعت‌های طولانی می‌ایستند. یکی از مادران می‌گوید: «از ساعت ۵ صبح در صف ایستاده‌ام و مانند روز گذشته چیزی به دست نیاورده‌ام، نه

۱. شبکه العالم، «زن غزه‌ای فریاد می‌زند: مبارکتان باد اعراب! بخوابید و استراحت کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۱، کد خبر: ۶۷۳۹۳۷۳.

<https://fa.alalam.ir/news/6739373>

۲. خبرگزاری فارس، «فاجعه بمب و سرما بر سر ۱/۸ میلیون آواره در غزه»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۵، کد خبر: ۱۴۰۲۰۹۲۵۰۰۰۶۶۰.

<https://www.farsnews.ir/news/14020925000660>

یک قرص نان نیاز دارم و نه یک کیسه آرد»^۱. بسیاری از این زنان افزون بر اینکه باید مسائل مربوط به معیشت خود را مرتفع کنند، باردار و با مشکلات زایمان نیز مواجه هستند. تخمین زده می‌شود ۵۰ هزار زن باردار در غزه زندگی می‌کنند که روزانه بیش از ۱۸۰ نفر آن‌ها زایمان می‌کنند که نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند.^۲ مادران در غزه راهکارهای خلاقانه‌ای برای انطباق با شرایط بحران و برنامه‌ریزی مدیریت منابع محدود غذایی در نظر می‌گیرند؛ بدین صورت که دسته‌جمعی در ویرانه‌های ساختمان‌های بزرگ سکونت می‌کنند، مواد غذایی خود را به اشتراک می‌گذارند و با ریختن شکر در آب شور دریا تلاش می‌کنند با تشنگی مبارزه کنند»^۳.

از آنجا که یکی از ضرورت‌های سرپرستی از خانواده، ایجاد احساس امنیت و ایمان به کنار هم بودن همه اعضای خانواده است؛ مادران در غزه با حمایت‌های جمعی حتی در اوج جنگ نیز برای آینده‌ای روشن برای فرزندان خود گام برمی‌دارند. برای مثال یکی از اقدامات امیدآفرین، برگزاری اولین جشن ازدواج در ویران‌های جنگ در روزهای پایانی آتش‌بس چهار روزه و همزمان با تبادل اسراست. «این مراسم عروسی در یکی از مدارسی که آوارگان فلسطینی در آن اقامت دارند، برگزار شد. سارا، عروس فلسطینی می‌گوید: این چیزی نیست که برایش برنامه‌ریزی کرده‌ام. حلقه‌ام اصل نیست، اما اهمیتی ندارد. ماجد، داماد فلسطینی می‌گوید: همه داشته‌ها و رؤیاهایم از بین رفت. دیگر چیزی برای رؤیای پردازی ندارم. در کودکی از نردبان آرزوها بالا می‌رفتم، اما حالا پایین آمده‌ام...»^۴.

۴. عرصه فرهنگی

زنان غزه در مواجهه با شرایط جنگی فعالیت‌های متعدد فرهنگی انجام دادند؛ چنانکه زنان روزنامه‌نگار غزه برای آگاه‌سازی افکار عمومی جهان در بحرانی‌ترین وضعیت جنگ، از

۱. شبکه العالم، «گزارش العالم از فروشگاه‌های تقریباً خالی غزه با زیرنویس فارسی»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۰، کد خبر: ۶۷۴۵۳۲۸

<https://fa.alalam.ir/news/6745328>

۲. خبرگزاری فارس، «سازمان جهانی بهداشت در یک ماه اخیر درباره غزه چه واکنش‌هایی داشته است؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۳، کد خبر: ۱۴۰۲۰۸۱۶۰۰۰۸۴۳

<https://www.farsnews.ir/news/14020816000843>

۳. شبکه العالم، «جنگ در غزه و راهکار عجیب مردم برای مبارزه با آن»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۶، کد خبر: ۶۷۴۳۰۸۸

<https://fa.alalam.ir/news/6743088>

۴. شبکه العالم، «به رغم همه دردها و رنج‌ها؛ اولین مراسم عروسی در غزه»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۶۳۱۳

<https://fa.alalam.ir/news/6756313>

رویدادها و اطلاعات دقیق گزارش تهیه می‌کنند. آن‌ها به‌طور پیوسته با پوشش انسانی و اجتماعی وقایع، به تأثیرات جنگ بر زندگی افراد به‌ویژه زنان و کودکان می‌پردازند تا بتوانند با پرده‌برداری از جنایات صهیونیسم‌ها، گامی برای تحکیم مقاومت و پیروزی فلسطین بردارند. «سراء البحصی» یکی از این خبرنگاران است که توانسته است گزارش‌های تصویری اثرگذاری به صورت زنده برای شبکه العالم تهیه کند. وی حتی با اینکه بارها در زیرموشک‌باران و از دست دادن عزیزان قرار گرفته است، چنین می‌گوید: «از رساندن صدای حق به گوش جهانیان هرگز عقب‌نشینی نکرده و به رسالت خود در انتشار صحنه‌های جنایات رژیم اسرائیل در حق ملت فلسطین ادامه می‌دهم».^۱ «دعا شرف» خبرنگار دیگری بود که با فرزند خردسالش در پی حملات پیاپی رژیم صهیونیستی به باریکه غزه به شهادت رسید. همچنین «آیات الخضور» در انتشار آخرین ویدیوی خبری در لحظات قبل از شهادت گزارش کرد که اوضاع در «بیت لاهیا» بسیار فاجعه‌بار است و هواپیماهای اسرائیلی این منطقه را با بمب‌های ممنوعه فسفوری هدف قرار دادند.^۲

۵. روایتگری برای جهان

بانوان غزه در هر برهه با امکانات موجود اعم از شبکه‌های اجتماعی، اینترنت یا گزارش‌های خبری برای انتشار حقوق بشر پایمال‌شده در سرزمین‌شان استفاده می‌کنند. در واقع آنان صدای مظلومیت غزه و راویان حقایق و عمق فجایع صهیونیسم‌ها بر مردم مسلمان کشورشان هستند. یکی از زنان روایتگر می‌گوید: «آنچه در غزه می‌گذرد، یک هولوکاست واقعی است. امروز ۱۳ عضو یک خانواده با بدن‌های تکه تکه شده از زیر آوار بیرون آورده و درون یک کیسه گذاشته شدند».^۳ بانوی دیگری با انتقاد از عملکرد حاکمان عرب می‌گوید: «غزه را به صورت تلی از شهدا، اجساد و اعضای بدن به دست خواهید گرفت».^۴ پیام من خطاب به هیچ‌کس نیست، فقط

۱. شبکه العالم، «خبرنگار العالم بعد از شهادت عضو خانواده‌اش: به رسالتم ادامه می‌دهم»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۹، کد خبر: ۶۷۵۱۶۳۳.

<https://fa.alalam.ir/news/6751633>

۲. شبکه العالم، «آخرین ویدیوی خبرنگار زن فلسطینی قبل از شهادت»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۵۱۹۱۳
<https://fa.alalam.ir/news/6751913>

۳. شبکه العالم، «حیات در حیاط! روایت العالم از آنچه بر آوارگان در غزه می‌رود»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۳۸۴۸۸

<https://fa.alalam.ir/news/6738488>

۴. همان.

می‌گوییم: ای اعراب! مکیدن خون غزه کافی است، دیگر چیزی در آن باقی نمانده است، شما راحت و آسوده باشید.^۱ این روایتگری را کودکان نیز از مادران خود آموخته‌اند؛ به طوری که کودک دختر می‌گوید:

وقتی که رژیم صهیونیستی حملات وحشیانه‌اش را به غزه شروع کرد، هوا سرد نبود و بدون لباس کافی یا با لباس‌های تابستانی مجبور به ترک خانه‌هایمان شدیم؛ اما پس از دو ماه از این حملات وحشیانه اکنون با سرمای هوا هم دست به گریبان شده‌ایم. سرمای هوا خواب را از چشمانم می‌گیرند، اما با وجود همه مشکلات همراه با دیگر فلسطینی‌ها در خاک خود می‌مانیم و تا آخرین نفس مقاومت می‌کنیم تا در غزه دفن شویم.^۲

۶. آگاه‌سازی از جنگ روانی

از دیگر نقش‌آفرینی‌های زنان غزه به‌ویژه مادران، آگاه‌سازی از جنگ‌های روانی از سوی رسانه‌های معاند است. برای مثال بسیاری از سیاستمداران آمریکایی مدام اخباری از نزدیک شدن زمان آتش‌بس منتشر می‌کنند، اما بنا بر گفته خبرنگار غزه «این یک توطئه و جنگ روانی جدید علیه مردم اینجاست. انگار می‌خواهند بگویند تصمیم‌گیری فقط با اسرائیل است؛ در حالی که ما هدف سلاح‌های آمریکایی قرار می‌گیریم... پس واضح است که باج‌گیری انسانی بیشتری علیه مردم غزه انجام می‌شود».^۳ مادران می‌باید برای تشخیص اطلاعات درست از نادرست، با فرزندان بسیار گفتگو کنند تا آن‌ها از ترفندهای اسرائیل برای کاهش قدرت صبر، استقامت و نیز افزایش ناامیدی متوجه شوند.

نتیجه‌گیری

اگرچه دشمن با همه امکانات نظامی، اقتصادی، سیاسی و حمایت استکبار در جبهه حضور

۱. همان.

۲. شبکه‌العالم، «شکوه کودک آواره غزه ز سرمای شدید: همچنان در خاک خود می‌مانیم»، ۱۴۰۲/۰۹/۲۲، کد خبر: ۶۷۶۷۲۹۸.

<https://fa.alalam.ir/news/6767298>

۳. شبکه‌العالم، «سران عرب... این‌ها بچه‌های غزه هستند، آسوده ما را تماشا کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۸، کد خبر: ۶۷۴۴۴۴۸.

<https://fa.alalam.ir/news/6744448>

یافته است و گاهی شعار پیروزی سر می دهد، اما در حقیقت زنان و مردان غزه پیروز میدان هستند؛ زیرا مقابل ابرقدرت‌های نظامی چند ماه مقاومت کرده و ابهت نظامی دشمن را شکسته‌اند. مظلومیت زنان و کودکان غزه موجب شد افکار عمومی اسرائیل را ظالم و غاصب بدانند. این امر جز با نصرت الهی، اراده و حضور زنان و مردان غزه در یک جنگ نابرابر شکل نمی‌گرفت: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».

مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه نیز مردم غزه را پیروز اعلام کرده است:

آن که در میدان پیروز است، مردم غزه‌اند، مردم فلسطینند. این‌ها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند، اولاً مردم غزه با صبر خودشان، با ایستادگی خودشان، با تسلیم نشدن خودشان نقاب دروغین حقوق بشر را از چهره آمریکا و فرانسه و انگلیس و امثال این‌ها کنار کشیدند، این‌ها را رسوا کردند. مردم غزه با صبر خودشان توانستند وجدان‌های بشری را به حرکت دریاورند.^۲

فهرست منابع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه.
۲. پرتال امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، ۱۳۹۷/۰۲/۲۹، کد خبر: ۱۷۰۳۹۸.
۳. جام‌جم آنلاین، «انتشار اولین تصاویر از کادر بانوان شاخه نظامی حماس»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴، کد خبر: ۱۴۲۳۵۱۸.
۴. خبرگزاری فارس، «سازمان جهانی بهداشت در یک ماه اخیر درباره غزه چه واکنش‌هایی داشته است؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۳، کد خبر: ۱۴۰۲۰۸۱۶۰۰۸۴۳.
۵. خبرگزاری فارس، «فاجعه بمب و سرما بر سر ۱/۸ میلیون آواره در غزه»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۵، کد خبر: ۱۴۰۲۰۹۲۵۰۰۰۶۶۰.
۶. خبرگزاری فارس، «نقش کلیدی زنان فلسطینی در جنبش حماس»، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، کد خبر: ۱۳۹۳۱۲۱۶۰۰۱۱۷۴

۱ رعد: ۱۱.

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۴۰۲/۰۸/۱۰.

۷. روزنامه جام‌جم، «ورود زنان غزه به حوزه عملیات‌های استشهادی»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۷، ش ۶۶۴۴.
۸. شبکه العالم، «پناهگاه امن کودکان غزه کجاست؟»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، کد خبر: ۶۷۳۳۸۱۸.
۹. شبکه العالم، «ویدیوی تکان‌دهنده بازی کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته‌جمعی»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۳۷۱۸.
۱۰. شبکه العالم، «کودکان غزه از آرزوهای خود می‌گویند»، ۱۴۰۲/۰۸/۰۲، کد خبر: ۶۷۳۲۹۵۸.
۱۱. شبکه العالم، «زن غزه‌ای فریاد می‌زند: مبارکتان باد اعراب! بخواید و استراحت کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۱، کد خبر: ۶۷۳۹۳۷۳.
۱۲. شبکه العالم، «گزارش العالم از فروشگاه‌های تقریباً خالی غزه با زیرنویس فارسی»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۰، کد خبر: ۶۷۴۵۳۲۸.
۱۳. شبکه العالم، «جنگ در غزه و راهکار عجیب مردم برای مبارزه با آن»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۶، کد خبر: ۶۷۴۳۰۸۸.
۱۴. شبکه العالم، «به رغم همه دردها و رنج‌ها؛ اولین مراسم عروسی در غزه»، ۱۴۰۲/۰۹/۰۶، کد خبر: ۶۷۵۶۳۱۳.
۱۵. شبکه العالم، «خبرنگار العالم بعد از شهادت عضو خانواده‌اش: به رسالتم ادامه می‌دهم»، ۱۴۰۲/۰۸/۲۹، کد خبر: ۶۷۵۱۶۳۳.
۱۶. شبکه العالم، «آخرین ویدیوی خبرنگار زن فلسطینی قبل از شهادت»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۵۱۹۱۳.
۱۷. شبکه العالم، «حیات در حیاط! روایت العالم از آنچه بر آوارگان در غزه می‌رود»، ۱۴۰۲/۰۸/۳۰، کد خبر: ۶۷۳۸۴۸۸.
۱۸. شبکه العالم، «شکوه کودک آواره غزه ز سرمای شدید: همچنان در خاک خود می‌مانیم»، ۱۴۰۲/۰۹/۲۲، کد خبر: ۶۷۶۷۲۹۸.
۱۹. شبکه العالم، «سران عرب ... این‌ها بچه‌های غزه هستند، آسوده ما را تماشا کنید»، ۱۴۰۲/۰۸/۱۸، کد خبر: ۶۷۴۴۴۴۸.
۲۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. فرمی باف، سیدحسین، کمال خواجه پور و ابوالقاسم عاصی، «ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات»، سیاست دفاعی، ۲۸(۱۱۲).
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۵. موسوی، سید علی اصغر، فاطمه علیها السلام مادر تمام خوبی ها، مازندران: هاوژین، ۱۳۹۴ش.
۲۶. وکیلی، الهه، «اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ش.

تک‌فرزندی و آسیب‌های آن بر والدین

حسنیه صالحان*

اشاره

تک‌فرزندی به عنوان یکی از مسائل آسیب‌زای دهه‌های اخیر، رشد فزاینده‌ای داشته است تا آنجا که بیشتر خانواده‌های ایرانی به آن گرایش پیدا کرده‌اند. این مسئله، آسیبی است که در سه سطح قابل بررسی است؛ آسیب‌هایی که از نظر عاطفی و روانی به فرزند وارد می‌شود، آسیب‌هایی که برای والدین به وجود می‌آید و آسیب‌هایی که در جامعه از خود به جای می‌گذارد.^۱ عوامل بسیاری در ایجاد این آسیب نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به سختی کشیدن در برخورد با فرزند اول، ایجاد شرایط جدید که منجر به عدم فرزندآوری مجدد می‌شود و مشکلاتی همچون مشکل اقتصادی، تربیتی و امکانات رفاهی اشاره کرد. ضرورت پرداختن به این مسئله، زمانی حساس می‌شود که میزان رشد تفکر تک‌فرزندی در زنگ خطر را در جوامع اسلامی و به‌ویژه در کشور ما که از یک سو پایگاه تشیع در جهان و از سوی دیگر طلایه‌دار استقلال، آزادی و ظلم‌ستیزی در جهان است، به صدا درآورده است.^۲ در این نوشتار تلاش شده است آسیب‌های این معضل اجتماعی بیان و بررسی شود.

محروم شدن از رحمت الهی

فرزندآوری در اسلام، امری پسندیده است که نسبت به آن تأکید و تشویق بسیاری شده است. در روایت آمده است که فردی در نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام نوشت: «من ۵ سال است که از خواستن

* دانش‌آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء علیها السلام و کارشناس ارشد.

1. <https://www.farsnews.ir/news/14010223000028/>

۲. مرضیه هروی، اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌هایی اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

فرزند خودداری می‌کنم؛ چرا همسرم از این کار ناراضی است و می‌گوید به خاطر عدم توانایی مالی، تربیت و بزرگ کردن فرزند برایش دشوار است. حال می‌خواهم بدانم نظر شما در این زمینه چیست؟». حضرت در پاسخ فرمود: «أُطْلِبُ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ؛^۱ فرزند بخواه که خداوند روزی آنان را می‌دهد». امام سجاد علیه السلام نیز در دعایی از خدا می‌خواهد نسل ایشان را افزایش دهد: «اللَّهُمَّ ... وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي؛^۲ خدایا! تبارم را به آنان افزونی ده».

یکی از برکات کثرت اولاد، نزول رحمت الهی است؛ رحمتی که نه تنها در دنیا، بلکه پس از مرگ نیز می‌تواند اسباب خیر و برکت برای والدین باشد. خدا در قرآن از نعمت خود بر ایوب علیه السلام سخن گفته است و پس از آزمون سخت الهی که از آن سربلند بیرون آمد، فرزندان از دست رفته‌اش را به او بازگرداند و تعداد آن‌ها را دو برابر کرد: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ؛^۳ ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتی‌هایی را که داشت، برطرف ساختیم و خاندانش را به او بازگرداندیم و همانندشان را بر آن‌ها افزودیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد».

در تفسیر جمله «آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، معروف میان مفسرین این است که خداوند، فرزندان او را به حیات نخست بازگردانید و افزون بر آن، فرزندان دیگری نیز به او داد. در بعضی از روایات نیز آمده است که خداوند هم فرزندان را که در این ماجرا از بین رفته بودند، به او مرحمت کرد و هم فرزندان را که از قبل از بین رفته بودند، به او برگرداند.^۴ از آنجا که در این آیه افزون شدن تعداد فرزندان نشانه رحمت خداوند دانسته شده است، می‌توان عموم این حکم در همه شرایط و زمان‌ها را استنباط کرد. بنابراین کثرت فرزندان، نشانه لطف و رحمت الهی بر بندگان است.^۵ از دیگر آثار تعدد اولاد نیز این است که اگر فرزند صالح باشد، پس از مرگ والدین می‌تواند ادامه‌دهنده راه آنان باشد و آن‌ها را در ثواب اعمال صالح خود شریک کند؛

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳.

۲. امام علی بن الحسین زین‌العابدین علیه السلام، الصحيفة السجادية، ص ۱۲۱.

۳. انبیاء: ۸۴؛ ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۱.

۵. مرضیه هروی، اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳».

چنانکه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَأَقِمَّ بِهِمْ أَوْدِي»^۱ یادم را به آنان زنده‌دار». در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

عیسی بن مریم علیه السلام از کنار قبری گذشت که صاحب آن قبر عذاب می‌شد. حضرت در سال آینده نیز از آنجا گذشت، اما صاحب قبر عذاب نمی‌شد. حضرت عرضه داشت: پروردگارا! من سال گذشته از کنار این قبر گذشتم، در حالی که صاحب آن عذاب می‌شد؛ اما امسال که از کنار آن گذشتم و صاحب آن عذاب نمی‌شد. علت آن چیست؟ خداوند به او وحی کرد: فرزند صالح او به سن بلوغ رسید و جاده‌ای را تعمیر کرد و یتیمی را پناه داد؛ از این رو به خاطر عملی که فرزندش انجام داد، این فرد آمرزیده شد. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مِيرَاثُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ يَعْْبُدُهُ مِنْ بَعْدِهِ»^۲ میراث خداوند از بنده مؤمن خود، فرزندى است که پس از پدرش خدا را عبادت می‌کند».

خطر از میان رفتن نسل

میل به داشتن فرزند و تداوم نسل‌ها، یکی از انگیزه و اهداف مهمی است که همواره عامل مهم ازدواج و تشکیل خانواده بوده است. تشکیل خانواده، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است و سعادت نسل‌ها به وضع خانوادگی بستگی دارد و سلامت امنیت فرزندان در گرو استحکام خانواده است.^۳ طبیعی است که استمرار نسل زمانی شکل می‌گیرد که انسان چند فرزند داشته باشد؛ زیرا ممکن است تک فرزند انسان بمیرد و نسل قطع شود. از همین روست که در گزاره‌های دینی به فرزندافزایی تأکید شده است؛^۴ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ أَلْوَلُودُ الْوَدُودِ الْعَفِيفَةِ»^۵ همانا بهترین زنان شما، زنانی هستند که بسیار بچه‌زا، مهربان و باعفت باشند». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «أَتَى أَبَاهِي بِكُمُ الْأَمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ»^۶ من در روز قیامت به شما، حتی به بچه‌های سقط‌شده شما مباحثات می‌کنم» و

۱. امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، الصحيفة السجادية، ص ۱۲۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴.

۳. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۸.

۴. علیرضا انصاری، سبک زندگی خانواده از دیدگاه قرآن، ص ۱۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۶. همان، ص ۳۳۴.

نیز فرموده است: «مَا يُمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُرْزِقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛^۱ چه چیز مانع آن شده است که مؤمن (ازدواج کند) و اهل (و همسری) برای خود بگیرد؛ بلکه خداوند به او فرزندان روزی کند که زمین را با گفستن لاله‌الاله سنگین (و ارزشمندتر) کنند». عبدالله بن سنان می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی حضرت یوسف علیه السلام برادرش (بنیامین) را ملاقات کرد، به او فرمود: برادر بعد از من (و در فراق من) چگونه توانستی ازدواج کنی! بنیامین گفت: پدرم (یعقوب) مرا امر کرد که ازدواج کنم و فرمود: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ؛^۲ اگر می‌توانی فرزندان داشته باشی که در روی زمین تسبیح خدا بگویند، این کار را بکن».

زندگی دسته‌جمعی به افزایش فرزند نیاز دارد؛ زیرا این امر عامل رفع حواجی و عامل مهم قدرت انسانی جامعه است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»^۳ و به یاد آرید زمانی را که عده‌قلیلی بودید (و دشمنان تان بسیار) و خدا بر عده شما افزود و بنگرید عاقبت حال مفسدان چگونه بود». علامه طباطبایی رحمته الله در ذیل این آیه می‌فرماید:

این دو جمله در حقیقت موعظه و نصیحت درباره امتثال اوامر و نواهی قبلی است. در جمله اول مردم را به یاد یکی از نعمت‌های بزرگ خدا می‌اندازد و آن، مسئله ازدیاد نسل است. برای اینکه انسان بر خلاف سایر انواع حیوانات زندگی‌اش اجتماعی است؛ از این رو ناگزیر است که با کمک فکری و عملی یکدیگر حوائج خود را تأمین نمایند. پر واضح است که برای چنین موجودی کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است؛ زیرا هر چه بر عدد افراد اجتماعش افزوده شود، نیروی اجتماعی‌اش بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی‌تر می‌گردد. آری، هیچ وقت یک ملت چند هزار نفری نیروی جنگی و استقلال سیاسی و اقتصادی و قدرت علمی و ارادی و عملی ملت چندین میلیونی را ندارد.^۴

۱. محمد بن علی صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. محد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.

۳. اعراف: ۸۶، ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۶۸۹.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان في تفسير القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۸، ص ۲۳۸.

سست شدن پیوند خانواده

استحکام بنیان خانواده، به روابط میان والدین بستگی دارد و تعداد فرزندان روی این موضوع نیز تأثیرگذار است. وقتی والدین فرزندان بیشتری داشته باشند، با برنامه‌ریزی بهتر، وقت بیشتری را به خانواده و برطرف کردن نیازهای اعضای آن اختصاص می‌دهند و این موضوع می‌تواند موجب پیوند محکم‌تر والدین و تلاش بیشتر آنان برای رفع نیازهای فرزندان‌شان شود و در نتیجه پیوند خانواده مستحکم‌تر و انسجام آن بیشتر می‌شود. یافته‌های تحقیقاتی و مشاهدات بالینی، حاکی از آن است که عدم حضور فرزند در محیط خانواده، یکی از عوامل ناپایداری در زندگی مشترک است.^۱ تک‌فرزندگی از گستردگی خانواده‌ها می‌کاهد و ناخودآگاه روابط فامیلی را از بین می‌برد؛ زیرا فرزندان که تنها بزرگ می‌شوند و خواهر و برادری ندارند، فرزندان آنان نیز صاحب عمو، عمه، خاله و دایی نخواهند بود و در نتیجه زندگی‌های گسترده به خانواده‌های کوچک تبدیل خواهد شد. این تغییر شکل الگوی خانواده، موجب از بین رفتن انسجام خانواده می‌شود.

فرزندسالاری

فرزندان خانواده‌های کم‌جمعیت به فرزندسالاری می‌رسند؛ زیرا امکانات خانواده بر فرزندان متمرکز می‌شود و پدر و مادر با حمایت و توجه بیشتری از آنان نگهداری می‌کنند. محوریت یافتن شادکامی فرزندان، هزینه کردن بیشتر امکانات خانواده برای خشنودی خاطر فرزندان و در نتیجه کاهش بُعد نظارتی والدین، از ویژگی‌های فرزندسالاری در خانواده است. سیاست تک‌فرزندگی در کشور چین موجب شده است که به یک کودک چینی که تنها نوه در خانواده است، بسیار توجه شود؛ از این‌رو بیشتر این کودکان، چاق و بدون توانمندی و اعتماد به نفس هستند و در نتیجه بیشتر در معرض بیماری و آسیب‌های رفتاری قرار دارند.^۲ ضمن اینکه این کودکان معمولاً حساس‌تر، زودرنج‌تر و پرتوقع‌تر از همسالان خود هستند و نمی‌توانند عواقب اشتباهات و مسئولیت عمل خود را بپذیرند. به همین دلیل چون دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته آنان نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند. در خانواده‌های تک‌فرزند، پدر و مادر از نظر عاطفی به شدت به فرزند وابسته می‌شوند؛ به طوری که احساس می‌کنند باید همه

۱. محمدحسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۱۴۳.

۲. فاطمه علیزاده، محمد مهدی کریمی‌نیا و مجتبی انصاری‌مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندگی در جامعه با نگاهی به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره چهارم، ص ۸۶-۷۶.

خواسته‌های کودک را برآورده کنند. برآورده کردن این خواسته‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای است که والدین ناخواسته برای راضی کردن فرزند خود به او باج می‌دهند. این باج‌گیری در آینده کودک نیز تأثیرگذار است.^۱

افسردگی و اضطراب والدین

داشتن فرزند و نگاه به او می‌تواند موجب نشاط والدین و سلامت روانی آن‌ها شود. پژوهش‌ها نشان داده است که یکی از بزرگ‌ترین عوامل شادی‌آفرین برای والدین، اولین ملاقات آن‌ها با فرزندان سالم خویش پس از تولد بوده است.^۲ بر این اساس یکی از عوامل شادابی و نشاط افراد، پیوندهای اجتماعی است. از این رو صله رحم و ارتباط با خویشاوندان و تعامل با آن‌ها در آموزه‌های اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. ارتباط خویشاوندی با غیر از پدر و مادر در خانواده‌های تک‌فرزندی و کم‌جمعیت کمتر است و بسیاری از این فرزندان، عمو، دایی، خاله، عمه برادر و خواهر ندارد و بیشتر وقت خود را با رسانه‌ها را پر می‌کنند. بنابراین احتمال بیشتری می‌رود که هویت این فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های استکباری شکل بگیرند،^۳ اما هنگامی که تعداد فرزندان بیشتر از یک فرزند باشد، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش، همزمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند. تولد فرزندان در خانواده، احساس مفید و مؤثر بودن را برای والدین به ارمغان می‌آورد،^۴ در حالی که خانواده‌های تک‌فرزند همواره نگران هستند که اگر خدای ناکرده مشکلی برای این کودک به وجود بیاید، هیچ کاری از آن‌ها ساخته نیست. این والدین همواره زندگی پر استرسی دارند و از به وجود آمدن یک اتفاق، نگران هستند. والدین این فرزندان در زندگی خود خلأ بیشتری احساس می‌کنند، در حالی که اگر تعداد فرزندان دو یا بیشتر از آن باشد، وقتی یکی از

۱. مرضیه هروی، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد

دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

2. <https://www.magiran.com/article/441206>

۳. فاطمه علیزاده، محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی در جامعه با نگاهی

به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره چهارم، ص ۸۶ - ۷۶.

۴. مرضیه هروی، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با

رویکرد دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

فرزندان از خانواده دور می‌شود؛ فرزندان دیگر برای تسلاى خاطر والدین حضور دارند.^۱

عدم رفع نیازهاى سالمندی والدین

از دیگر امتیازهاى داشتن فرزند که در روایات و آیات قرآنى به آن توجه شده است، تحقق بخشیدن به امیدهاى والدین در دوران سالمندی‌شان است؛ زیرا والدین علاقمندند که فرزندان‌شان در هنگام پیری از آنان دستگیری نمایند. در خانواده‌هاى بی‌فرزند یا تک‌فرزند به طور معمول امید به زندگى در زن و شوهر چندان چشمگیر نیست یا هنگامى که والدین فرزندان خود را به گونه‌اى تربیت نکرده‌اند که در آینده یار و یاور آنان باشند نیز میزان امید آنان به زندگى چندان زیاد نیست؛^۲ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَوَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ»^۳ از سعادت مرد این است که فرزندانى داشته باشد تا در مشکلات به یاری‌اش برخیزند». این در حالى است که در اغلب خانواده‌هاى تک‌فرزند، فرزندان دچار کمال‌گرایی مفرط، استقلال و ... هستند و این موضوع موجب می‌شود گاه به تنهایی در شهر یا کشور دیگر زندگى کنند. گاهى مدام در پی پیشرفت تحصیلى یا شغلى هستند و گاه به دلیل انزوا، با والدین ارتباط عاطفى برقرار نمی‌کنند. از این‌رو والدین نمی‌توانند در سنین کم‌توانی از حمایت‌هاى فرزندان برخوردار شوند، درحالى که در خانواده‌هاى پرجمعیت، امکان برطرف‌سازی نیازهاى والدین بسیار بیشتر از خانواده‌هاى تک‌فرزند است.^۴

فردگرایی در خانواده

در گذشته مصلحت‌هاى اجتماعى پررنگ‌تر دیده می‌شد و منفعت‌هاى فردى را در دامان آن پیگیری می‌کردند، اما امروزه منافع شخصى و شادکامى فردى، تمام مناسبات و فرایندهاى اجتماعى را تعیین می‌کند و این، همان هویت فردگرایی است که تفکر غالب خانواده‌هاى

۱. جواد شجاعى و بهجت یزدخواستى، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندى: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال»، زن در توسعه و سیاست، شماره چهارم، ص ۴۷۶ - ۴۴۷.

۲. مرضیه هروى، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌هاى تک‌فرزندى برای والدین با رویکرد دینى و روانشناختى»، دو فصلنامه مطالعات اسلامى آسیب‌هاى اجتماعى»، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینى، الکافى، ج ۶، ص ۳.

۴. فاطمه علیزاده، محمد مهدى کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسى تک‌فرزندى در جامعه»، مجله دستاوردهاى نوین در مطالعات علوم انسانى، شماره چهارم، ص ۸۶ - ۷۶.

تک‌فرزند را تشکیل می‌دهد. در نگاه فردگرایانه، زندگی فرد از آن خود اوست نه برای جامعه و نه برای خشنودی دیگران. بنابراین او می‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد و می‌پسندد، رفتار کند. در این نگاه، عقل تنها ابزاری برای برآورده شدن خواسته‌های فردی است و اخلاق و آرمان‌های اجتماعی باید خود را با خواسته‌های فرد همراه کنند. چیرگی این گفتمان، موجب ظهور فرزندانی شده است که همه چیز را برای راحتی خود می‌خواهند و به آسایش و منفعت دیگران وقعی نمی‌نهند و به عبارتی در نظر آن‌ها، توجه به دیگران بی‌معنا می‌شود. در نتیجه نمی‌توان از آنان انتظار انفاق، صبر، گذشت و خیرخواهی داشت؛ چرا که سود و منفعت این افراد از همه چیز مهم‌تر است و آنان محبت به دیگران و از خودگذشتگی را تجربه نکرده‌اند، پس توجه‌شان به ارزش‌های اجتماعی کم می‌شود و سرانجام حتی به پدر و مادرشان نیز عنایت و توجهی نخواهند داشت.^۱

کاهش جمعیت

یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی هر خانواده، جمعیت آن است؛ چنانکه جمعیت، عامل قدرت جامعه نیز است. جمعیت اندک در روابط خارجی، قدرت مانور در مقابل دشمنان را کاهش خواهد داد. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت‌ها و مستکبرین خواهد بود؛ از این‌رو هر کشوری که از جوانان غیور و پرانرژی برخوردار است، دشمنان را از حمله نظامی باز می‌دارد. جمعیت جوان، مؤمن، اهل کار و خلاق می‌تواند با نیروی فکری و قوت بدنی خود گام‌های مؤثری در رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه بردارد.^۲ بنابراین اگر فرزندآوری کاهش یابد، اقتدار کشورها - از جمله جمهوری اسلامی - نیز کاهش می‌یابد و ایران، یکی از پایه‌های قدرت خود را از دست می‌دهد. این، همان امری است که دشمنان آن را می‌خواهند؛ زیرا تحلیلگران غربی هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند. در شرایط فعلی موازنه جمعیت جوان و تحصیل‌کرده جهان، به نفع کشورهای اسلامی رقم می‌خورد. این خطر بزرگی بر سر راه اهداف آن‌ها محسوب می‌شود. «ساموئل هانتینگتون» در بخشی از مصاحبه خود درباره تمدن اسلام و چین و چالش آن‌ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون

۱. همان.

۲. سید حسین موسوی، «آثار و برکات فرزندآوری از دیدگاه عقل، شرع و علم»، روزنامه کیهان، شماره ۲۳۳۰۹،

مسلمانان گفته است: «تمدن اسلام، تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست؛ چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند»^۱.

فهرست منابع

۱. امام زین‌العابدین، علی بن‌الحسین علیه السلام، الصحیفة السجادیة، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۲. انتشارات طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳. انصاری، علیرضا، سبک خانواده در قرآن، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷ ش.
۴. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال»، زن در توسعه و سیاست، سال ۱۳۹۶، شماره چهارم، ص ۴۷۶ - ۴۴۷.
۵. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی چاپ پنجم، قم: دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۸. علیزاده، فاطمه و محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی در جامعه با نگاهی به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۴۰، ۱۴۰۰، ص ۸۶ - ۷۶.
۹. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران: انتشارات منصوری، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از طلاب، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. هروی، مرضیه و اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۸۲، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

خودآگاهی ضرورت تشکیل یک زندگی موفق

راضیه مرزانی*

مقدمه

رابطه زناشویی به عنوان یکی از رابطه‌های مهم انسان در زندگی، نیاز به لوازمی دارد که یکی از آن‌ها شناخت درست انسان از خود، باورها، عواطف و علایق خود است. شناخت دقیق و صادقانه از خود و شناخت داشتن درباره ارزش‌ها، نیازها، آرزوها، خواسته‌ها و محدودیت‌های یک امر، بسیار مهم و ضروری است. این شناخت به فرد کمک می‌کند تا بهتر درک کند که چه نوع رابطه‌ای می‌تواند به موفقیت و سعادت او کمک کند و باید در چه مسیری قرار گیرد. بازنگری آدمی در روابط اجتماعی که تا کنون داشته است و نیز تحلیل روابط گذشته می‌تواند به او کمک کند تا اشتباهات گذشته را شناسایی کند و از آن‌ها در نحوه رفتار با همسر خود در آینده درس بگیرد. مهارت خودآگاهی^۱، یکی از مهارت‌هایی است که جزو دسته مهارت‌های متمرکز بر شخص است و اهمیت بسیاری دارد. از این‌رو در روایات دینی نیز به عنوان خودشناسی و معرفت نفس مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»^۲ برترین شناخت، خودشناسی انسان است». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَوُقُوفُهُ عِنْدَ قَدْرِهِ»^۳ برترین حکمت این است که انسان خود را بشناسد و اندازه خویش را نگه دارد».

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

1. Self-awareness

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۹۳۵.

۳. همان، ح ۳۱۰۵.

چیستی خودآگاهی

هر انسانی دارای یک بودن (being) است. بودن هر انسانی و یا کیفیت بودن او منحصر به فرد است. این امر به دو دلیل روی می‌دهد؛ نخست آنکه هر انسانی دارای ژن‌های خاص خود، و دلیل دوم آنکه هر ژن انسانی، مستعد خلق و خوی خاص به خود است. این خلق و خواهان نیز مستعد ادراک متفاوت در انسان می‌شود. داشتن تجربیات متفاوت در طول زندگی نیز به این تفاوت‌ها می‌افزاید. رحمی که آدمی در آن رشد می‌کند، خانواده‌ای که درون آن متولد می‌شود، مدرسه‌ای که به آن می‌رود، شغلی که آن را انتخاب می‌کند و ...، از جمله عوامل محیطی است که موجب اثرگذاری بر شکل‌گیری تفاوت‌های شخصیت انسان می‌شوند.

همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند و موجب می‌شوند هر فردی زندگی منحصر به فرد خود و شخصیتی لایه به لایه داشته باشد تا آنجا که منجر به پیچیدگی شناخت او می‌شود. آنچه این امر را پیچیده‌تر می‌کند، تعامل این لایه‌ها با یکدیگر و تغییر آن در روند زمان است. در واقع انسان یک کل پویا، متعامل و پیچیده است. استاد مطهری رحمته‌الله در تعریف خودآگاهی می‌نویسد: «خودآگاهی به معنای این است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند و بداند که خاکی محض نیست».^۱ برخی دیگر بر این عقیده هستند که خودآگاهی، یعنی آگاهی یافتن و شناخت اجزای وجود خود، شناخت اجزایی همچون خصوصیات جسمانی، احساسات، افکار و باورها، ارزش‌ها، اهداف، گفتگوهای درونی و نقاط ضعف و قوت خود.^۲ بررسی آثار به جای مانده از مفاخر علم، ادب و فلاسفه نیز بیانگر توجه ویژه این بزرگان به بحث خودآگاهی و ضرورت ارتقای آن است.^۳ برای مثال می‌توان به تلاش مولانا اشاره کرد که کوشید با کمک اشعار خود به صورت استعاری، آگاهی افراد را در زمینه شناخت خود و توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود ارتقا دهد تا افراد در نتیجه پذیرش و شناخت خود، کنترل بیشتری بر هیجانات خود داشته باشند.^۴

۱. مرتضی مطهری، انسان در قرآن، ص ۲۷.

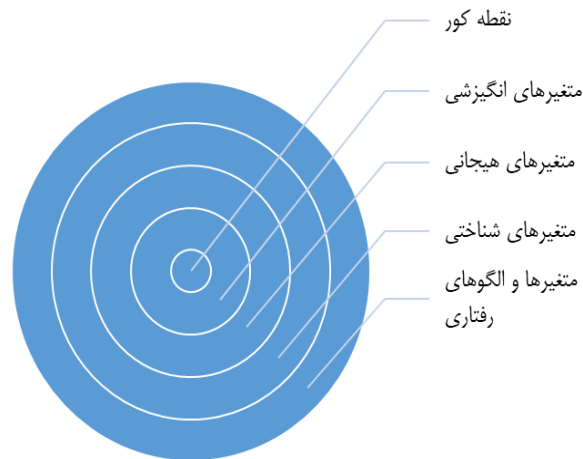
۲. یحیی کاظمی و همکاران، «نقش خودناتوان‌سازی در پیش‌بینی کیفیت زندگی کودکان»، پژوهش در روان‌شناسی بالینی، ش ۳، ص ۶۴.

۳. فاطمه اصلاحی فرشمی و همکاران، «اثر بخشی درمان ذهن آگاهی مبتنی بر استعاره‌های مثنوی معنوی بر ابعاد سرمایه روان‌شناختی در دانشجویان دختر افسرده»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۴۶ ص ۴.

۴. نرگس جعفری و همکاران، «تدوین الگوی مفهومی خودآگاهی مبتنی بر اندیشه‌های شهید مطهری رحمته‌الله»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۴۸، ص ۱۵.

و ای آینه جمال شاهی که تویی
از خود بطلب، آنچه خواهی که تویی^۱

ای نسخه اسرار الهی که تویی
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست



در واقع خودآگاهی، یکی از جنبه‌های تعالی انسان است که به واسطه فراگیری مهارت آن می‌تواند به افراد در رویارویی با مشکلات و مقابله با استرس کمک، و فرد را برای خدمت به جامعه ترغیب کند.^۲

لایه‌های متغیر شناخت انسان

برای اینکه هر انسانی بتواند به یک خودآگاهی مناسب دست یابد، باید هفت لایه مهم وجودی خود را به درستی بشناسد که دو لایه «متغیرهای ظاهری خود» و «متغیرهای جمعیت‌شناختی» ابتدایی است و با نگاهی ساده می‌توان به آن پی برد. پنج لایه دیگر عبارتند از: «متغیرها و الگوهای رفتاری»، «متغیرهای شناختی»، «متغیرهای هیجانی»، «متغیرهای انگیزشی» و «نقطه کور».

۱. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، کلیات دیوان شمس تبریزی، رباعی ش ۱۷۵۹.

۲. لاله باباجانی پروجنی و همکاران، «معنویت و تعالی خود در حرفه مشاوره: یک تحلیل کیفی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۴۴، ص ۸۰.

۱. شناخت متغیر ظاهری خود

هر انسانی لازم است که در مورد ظاهر خود شناخت خوبی داشته باشد. این لایه هم مانند دیگر لایه‌ها در طول زمان متغیر است و ماندگار نیست. این شناخت از طریق مشاهده برای خود فرد و دیگران روی می‌دهد. ساده‌ترین لایه شناختی خود و هر فرد دیگری، همین متغیر شناختی است؛ چرا که با مشاهده و بررسی ظاهر فرد می‌توان به برخی ویژگی‌های فردی شخص نیز پی برد. برای مثال رعایت نظافت درباره خود می‌تواند نشان‌دهنده نظم و انضباط حاکم در زندگی او، و ظاهر ژولیده فرد می‌تواند بیانگر به هم ریختگی روانی او باشد.

بخشی از برنامه‌ها و دستورهای اسلام درباره نظافت، زیبایی و آراستگی ظاهر است؛ چنانکه خداوند متعال در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»؛ «ای فرزند آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید... بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟».

این دو آیه بیانگر آن است که مسلمانان باید از پوشیدن لباس‌های پاک، مرتب، تمیز، شانه زدن موها، معطر کردن و مانند آن بهره‌مند شوند و هرگز این نعمت‌ها را بر خود حرام نکنند؛ بلکه از آن به نحو احسن بهره‌برداری کنند. در روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام نیز به این امر توصیه شده است؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ التَّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ»^۱ خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد و همچنین دوست دارد که اثر نعمت‌های خود را در مردم مشاهده کند. امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ»^۲ خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد».

هر گونه افراط و تفریط در امر ظاهر نیز می‌تواند نشانی از یک به هم ریختگی جسمی یا روانی کوتاه یا دائمی باشد. برای مثال حضور زنان در جامعه با آرایش‌های غیر مرسوم و ناهنجار که به نوعی دنبال خودنمایی هستند، بیانگر نوعی ابتلا به اختلال شخصیت نمایشی (HPD)^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، ص ۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۱.

است. آنچه در این لایه از شناخت قابل توجه است، آنکه لایه شناختی ظاهری، بیشتر در حد گمانه‌زنی است و نمی‌تواند یک شناخت جامعی را برای دیگران بیاورد.

۲. متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیرهایی هستند که به بررسی اطلاعات شخصی افراد می‌پردازد. سن، فرهنگ، تعداد اعضای خانواده، ترتیب تولد، وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اعتقادی خانواده، رشته تحصیلی و ... متغیرهایی هستند که با اطلاعات شخصی فرد مرتبطند و در این لایه شناختی قرار می‌گیرند. راه رسیدن به این لایه از شناخت درباره دیگران از طریق مصاحبه و گفتگو صورت می‌گیرد. این لایه بعد از لایه شناخت ظاهری، جزو ساده‌ترین لایه‌های شناختی است که با ارتباط با دیگران و اعتمادسازی می‌توان به آن دست پیدا کرد و اهمیت بسزایی دارد.

۳. متغیرها و الگوهای رفتاری

هر شخصی ممکن است در یک حادثه و یا یک موقعیت، دست به یک نوع رفتار خاصی بزند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی بر روی نوع رفتارهای انسان موثرند؟ در پاسخ باید گفت رفتار در واقع تجلیات افکار، احساسات و انگیزه‌های افراد است و این مؤلفه‌ها هستند که در شکل‌گیری نوع خاصی از رفتار انسان مؤثر و تعیین‌کننده هستند. به طور کلی دو خاستگاه را می‌توان برای رفتارهای انسان بیان کرد: «خاستگاه درونی انسان (عوامل درونی)» و «خاستگاه پیرامونی انسان (عوامل محیطی)».

اگر رفتار یک خاستگاه درونی داشته باشد، با تغییر محیط نمی‌توان توقع تغییر رفتار را داشت؛ چرا که خاستگاه رفتار انسان، شخصیت درونی اوست که نسبت به خاستگاه دوم، امری پایدارتر و تا حدود زیادی تغییرناپذیر است، اما اگر منشأ رفتار انسان شرایط پیرامونی باشد، می‌توان این رفتارها را یک رفتار ناپایدار دانست؛ چرا که با تغییر شرایط پیرامونی می‌توان این رفتار را خاموش کرد. فردی که به واسطه درگیری با همکار و یا رئیس خود عصبانی شده است، اگر به بیرون از اداره و یا اتاق خود برود؛ می‌تواند بر عصبانیت و خشمی که در درون خود دارد، غلبه پیدا کند.

۴. متغیرهای شناختی

یکی دیگر از لایه‌های عمیق شناخت انسان، درک باورها، نظام اندیشه و ارزش‌ها، روش تأویل‌ها و تفسیرهای ما در موقعیت‌های زندگی است. شناخت این لایه برای انسان و دیگرانی که در محیط پیرامون او زندگی می‌کنند، امری سخت ولی ممکن است.

۵. متغیرهای هیجانی

متغیرهای هیجانی، آن دسته از متغیرهایی هستند که به شیوه شناخت انسان شکل می‌دهند. در مباحث شناخت‌درمانی گفته می‌شود: «چون شما منفی می‌اندیشید، پس منفی احساس می‌کنید». در واقع هنگامی که آدمی منفی می‌اندیشد، منفی نیز احساس می‌کند و چون منفی احساس می‌کند، پس منفی نیز می‌اندیشد. این لایه شناختی از لایه متغیرهای شناختی، عمیق‌تر است.

۶. متغیرهای انگیزشی

جهت‌دهی و نیرودهی به رفتارهای انسان، دو کاری است که انگیزه بر عهده دارد. این امر به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف. از طریق سائق‌ها و غرایز و امور فطری که در وجود انسان قرار گرفته است؛ یک چیز در درون، ما را به انجام رفتارهایی سوق می‌دهد که عمدتاً مبتنی بر زیست انسان و غرایز اوست. این سائق‌ها در طول زمان ثابت هستند.

ب. کشاننده‌ها؛ این روش، خاستگاهی بیرونی دارد و موضوعاتی است که انسان را به سمت خود می‌کشاند. این کشاننده‌ها عمدتاً محیطی و در طول زمان متغیر هستند.

۷. نقطه کور

هفتمین لایه شناختی، نقطه کور است که درباره آن اطلاع قابل اطمینانی وجود ندارد و قابل کشف نیست. از این‌رو از آن به «ضمیر ناهشیار» تعبیر می‌شود.

هر چه لایه‌ها به سمت پایین‌تر می‌رود، در شکل‌دهی به شخصیت انسان تأثیرگذاری بیشتری دارد. بنابراین هر چه بیشتر بتوان به لایه‌های زیرین شخصیت افراد نفوذ کرد، شناخت بهتر و کامل‌تری را می‌توان از شخصیت آن‌ها به دست آورد. شناخت درباره خود انسان نیز همین‌گونه است. برخی معتقدند شناخت‌شان از لایه‌های ابتدایی خود، شناخت کامل و درستی است؛ درحالی‌که این برداشت صحیحی نیست و حتی برای شناخت خود نیز باید به سمت لایه‌های زیرین‌تر شناخت خود حرکت کرد.

ضرورت یادگیری مهارت خودآگاهی

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که آن‌گونه که علمای اخلاق، مبلغان دینی و روان‌شناسان بیان می‌کنند، خودآگاهی دارای ضرورت است؟ چه اهمیتی دارد که آدمی وقت خود را صرف خودآگاهی و دگرآگاهی کند؟ انسان چه نیازی دارد که به این خودآگاهی برسد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، پنج ضرورت را می‌توان برای خودآگاهی و در نهایت دگرآگاهی یافت که عبارتند از:

۱. قدرت تبیین^۱

یکی از نقاط قابل توجه در افراد موفق، قدرت تبیین ایشان است. هر انسانی نسبت به اتفاقاتی که در پیرامونش می‌افتد، آن را به امری مستند می‌کند. این استناد به دو صورت «اسناد درست» و «اسناد نادرست» است. اسناد صحیح وقتی صورت می‌گیرد که مبتنی بر واقعیت و خودآگاهی شخص باشد. افراد موفق، افرادی هستند که در زندگی خود اسنادهای صحیحی دارند، ریشه‌های اتفاقات را به درستی می‌فهمند و سهم خود را در آن اتفاق به درستی تخمین می‌زنند. از این‌رو کسانی که دارای خودآگاهی و دگرآگاهی هستند، می‌توانند اسنادهای صحیحی داشته باشند. در مقابل افرادی که خودآگاهی مطلوبی ندارند، نمی‌توانند درباره شکست‌ها و یا پیروزی‌های خود، تبیین درستی ارائه دهند؛ گاه شکست‌ها و گاه موفقیت‌ها را اسناد درونی می‌دهند. راهکار درست در اسناددهی اتفاقات در زندگی، شناخت درست و صحیح خود و دیگران است. انسان‌های مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته، هر امر خوبی را به خود نسبت می‌دهند و آن را حاصل شایستگی خود می‌دانند، در حالی که ممکن است این‌گونه نباشد.

۲. امکان پیش‌بینی^۲

اگر آدمی بداند در چه موقعیت‌هایی به راحتی خشمگین می‌شود و یا امکان درگیری در او بالا می‌رود و ممکن است به خود و دیگری آسیب برساند؛ آیا خودش را در این موقعیت قرار می‌دهد؟ اگر بداند که بیان یک جمله یا انجام یک رفتار ممکن است منجر به دلخوری شدید همسرش شود، آیا باز هم این رفتار را انجام می‌دهد؟ اهمیت خودآگاهی و دگرآگاهی در همین نکته است. افرادی که به درستی خود و یا دیگری را بشناسند، می‌کوشند از قرار گرفتن در موقعیت‌های نامناسبی که منجر به رفتارهای نابهنجار می‌شود، دوری کنند. خودآگاهی و دگرآگاهی می‌تواند زمینه‌ساز پیش‌بینی رفتار خود و دیگری باشد که نتیجه آن، مهار و کنترل یک اتفاق نامناسب است.

1. explanation

2. prediction

اگر چه با این توضیح می‌توان سمت و سوی اتفاقات ناگوار را تبیین کرد، اما این پیش‌بینی سمت و سوی خوب دیگری نیز دارد. همسران، والدین، فرزندان و هر کسی که در ارتباط نزدیک با دیگری است، در صورت مشاهده ناراحتی‌های یک شخص، اگر قصد شاد کردن او را داشته باشد؛ با شناختی که از او دارد، به راحتی می‌تواند پیشنهادهای خوبی برای شاد کردن طرف مقابل بیان کند. کسی که این دگرآگاهی را دارد، می‌تواند اتفاقات شادی‌آفرین بیشتری را برای مخاطبان خود مهیا کند.

۳. امکان پیشگیری^۱

انسان در درون خود مناطق مین‌گذاری شده‌ای را دارد که اگر کسی روی آن پا بگذارد، می‌تواند موجب انفجار (خشم و عصبانیت) آن فرد شود. اولین و ضروری‌ترین نکته در روابط میان زن و شوهر، شناخت این مناطق مین‌گذاری شده چه در شخصیت خود و چه در شخصیت دیگری است. زوجینی که به این شناخت درباره خود و همسرشان دست یافته‌اند، می‌توانند به خوبی روابط خود را تنظیم کنند و از آسیب‌های به خود، همسرشان و روابط میان‌شان دوری کنند.

۴. امکان حرکت در مسیر خودشکوفایی

انسانی که خود را بشناسد، استعدادهای خود را به خوبی می‌شناسد. او بهتر از دیگران می‌داند که در وجودش زمینه و بستر پرورش چه نوع استعدادی است. او با شناختی که از خود دارد، استعدادهای بالقوه‌ای را که در وجودش نهاده شده است، می‌شناسد و می‌کوشد از آن‌ها بهره گیرد؛ اما انسانی که از خود شناخت کافی ندارد، هیچ‌گاه استعدادهای خود را نمی‌شناسد و عمر خود را در راهی خرج می‌کند که نه توان جسمی و نه توان روحی آن را دارد. مصداق این مسئله را می‌توان در انتخاب رشته‌های تحصیلی توسط بسیاری از نوجوانان و جوانان دید. افرادی که خود را نشناخته‌اند، در انتخاب رشته برای ادامه تحصیل و... نیز راه به جایی نمی‌برند و به همان سمتی حرکت می‌کنند که جامعه برای ایشان انتخاب می‌کند و در نهایت نیز در تمام عمر، نارضایتی بر زندگی‌شان حاکم می‌شود. نشناختن استعدادها، ضعف اراده، ترس از شکست، نظام ارزش‌گذاری غلط اجتماعی را می‌توان از جمله موانع خودشکوفایی برشمرد.

۵. امکان انتخاب صحیح

امکان انتخاب صحیح برای کسی مهیاست که از خود و دیگری شناخت درست و کاملی داشته

1. prevention

باشد. هر اندازه این شناخت ناقص باشد، در انتخاب نیز تأثیر مستقیمی خواهد گذاشت. انسان در زندگی خود انتخاب‌های مهمی دارد که بر روی تمامی عمر او تأثیر می‌گذارد. انتخاب شغل، انتخاب همسر و انتخاب رشته تحصیلی، از جمله این موارد است.

راه کارهای خودآگاهی

برای رسیدن به خودآگاهی، دو راه قابل تصور است. متناسب با زمانی که آدمی در اختیار دارد، می‌تواند یکی از این دو راه را برگزیند:

۱. مسیر طولانی مدت

این مسیر می‌تواند مسیری بر اساس کشف و شهود باشد که شخص با عرفان به آن دست می‌یابد و یا از طریق استدلال‌های عقلانی که در علم‌النفس مورد بیان و بررسی قرار می‌گیرد، با وجود انسانی خود آشنا شود. یکی از راهکارها در مباحث روان‌شناسی، روان‌کاوی است که شخص تلاش می‌کند با رسیدن به لایه‌های پایینی شخصیت، شناخت درستی را از خود به دست آورد و یا مشاور می‌کوشد این شناخت را در باره دیگری به فرد ارائه دهد.

عمده مشکل این مسیرها در عین اینکه برای همه افراد مناسب نیست، طولانی بودن آن است. ممکن است فرد به یک شناخت کلی از انسان دست یابد، اما آنچه مورد نیاز او در شناخت فردی است؛ حاصل نشود. استعدادهای انسان در کشف و شهود و نیز مباحث عقلانی متفاوت است؛ از این رو نمی‌توان این مسیر را به همگان توصیه کرد.

۲. مسیر کوتاه مدت

در این راه می‌توان از ابزارهای ساخته شده در روان‌شناسی بهره گرفت؛ ابزارهایی که روایی^۱ و پایایی^۲ مطلوبی در سنجش شخصیت و سنجش سلامت روان انسان دارند. به عبارتی تمام

1. Validity

مقصود از روایی این است که ابزاری که برای اندازه‌گیری مورد نظر انتخاب شده است، ویژگی و خصوصیتی را که ابزار برای آن طراحی شده است؛ دارد یا خیر. به عبارت دیگر مفهوم روایی به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد.

2. Reliability

وقتی گفته می‌شود ابزار گردآوری داده‌ها باید ویژگی پایایی را داشته باشند، بدین معناست که اگر در چند زمان مختلف در یک جمعیت از آن استفاده کنیم؛ در نتیجه به دست آمده اختلاف چندانی مشاهده نمی‌کنیم.

تست‌ها و مقیاس‌هایی که در روان‌شناسی وجود دارد، غیر از آنکه می‌تواند ابزاری برای مشاوران در مسیر دگرآگاهی باشد، می‌تواند زمینه‌ساز خودآگاهی فرد نیز باشد؛ به شرط آنکه توسط افراد خبره تفسیر شود.

فهرست منابع

۱. اصلاحی فرشمی، فاطمه و علی اصغر اصغر نژاد فرید، خدیجه ابوالمعالی الحسینی و جواد خلعتبری، «اثر بخشی درمان ذهن آگاهی مبتنی بر استعاره‌های مثنوی معنوی بر ابعاد سرمایه روان‌شناختی در دانشجویان دختر افسرده»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال یازدهم، ش ۴۶، تیر ۱۴۰۰، ص ۲۰۴-۱۷۱.
۲. باباجانی بروجنی، لاله و یاسر رضاپور میرصالح و شکوفه متقی، «معنویت و تعالی خود در حرفه مشاوره: یک تحلیل کیفی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال یازدهم، ش ۴۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۰۶-۷۹.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتب اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. جعفری، نرگس و احمد سلحشوری، ایراندخت فیاض، و محمد عسکری، «تدوین الگوی مفهومی خودآگاهی مبتنی بر اندیشه‌های شهید مطهری (علیه السلام)»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال دوازدهم، ش ۴۸، دی ۱۴۰۰، ص ۲۴-۱.
۵. کاظمی، یحیی و زهرا نیک‌منش و معصومه خسروی، «نقش خودناتوان‌سازی در پیش‌بینی کیفیت زندگی کودکان»، پژوهش در روان‌شناسی بالینی، سال اول، ش ۳، ص ۶۸-۶۱.
۶. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، قم: انتشارات صدرا.
۷. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، کلیات دیوان شمس تبریزی، تهران: نشر دبیر، ۱۳۹۳ش.